

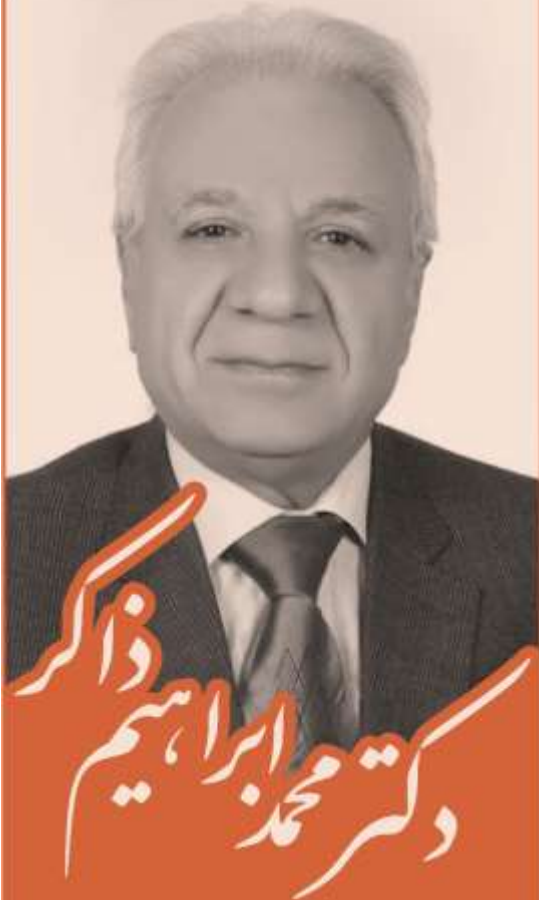
دندان پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراطیه

کتاب یکم و دوم

ابوالحسن احمد فرزند محمد (د: ۳۵۹ق)، چ. فرانکفورت

سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر،
انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ، برگه ۲۶۳ - ۳۳۳



۱ دندان پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراطية
۱ زیست‌نامه طبری
۱ ابوالحسن طبری احمد فرزند محمد (د: ۳۷۵ق)
۲ نوشته‌های طبری
۵ کلیات پزشکی
۵ ترک‌های رخساره‌ای و لبی با انگیزه مغزی
۵ ترک لب
۶ ترک‌های پدیدآمده در گوشه لب‌ها
۷ کالبدشناسی دندان
۷ شمارگان و گونه دندان‌ها
۸ دندان‌های پیشین
۸ دندان‌های آسیاب
۸ حس دندان‌ی
۱۰ افزایش اندازه دندان بی درد و بی آماس
۱۱ داروی گذاشتنی روی دندان
۱۲ کاهش اندازه دندان‌ی (لاغر)
۱۴ افزایش اندازه درازای دندان
۱۴ شکستن دندان
۱۵ داروی گذاشتنی پانسمان گونه
۱۵ داغ‌گذاری
۱۶ دندان دردناک

- ۱۷ داروی دگرگون ساز مزاج
- ۱۹ سوراخ شدن دندان ها
- ۲۰ داروی فرنشاندۀ درد دندان
- ۲۱ اسرب / کی / انک
- ۲۱ مصطکی
- ۲۱ عاج فیل
- ۲۲ دارویی دیگر
- ۲۲ علك البطم
- ۲۳ دندان سبز؛ و یا سیاه رنگ
- ۲۴ دهان شویه رانندۀ فزونی ها از دندان
- ۲۷ درد سراسری دندان ها
- ۲۸ سفوف / پودر / گرد
- ۲۹ **خارش دندان**
- ۳۱ کُندی دندان
- ۳۵ بیماری قادح (دگرگونی رنگ)
- ۳۵ سبزی رنگ
- ۳۶ پخته تمر هندی و هلیله زرد
- ۳۷ کشیدن دندان
- ۳۹ روغن مالیدنی بر روی دندان
- ۳۹ سوراخ شدن دندان
- ۴۰ دارو کُشنده و رانندۀ کرم ها از درون دندان
- ۴۱ دندان شویه سپید
- ۴۲ دندان شویه سیاه

دکتر محمد ابراهیم

۴۳	دندان‌های دارای طلقیه، ناخنک و گچ
۴۴	جرمگیری دستی
۴۴	بوی بد دهان
۴۴	تباهی گوشت میان دندان‌ها
۴۶	بوی بد دهان با همکاری معده
۴۸	بوی بد دهان از گندیدگی گوشت میان‌دندانی
۴۹	داروی قلقدیون
۵۰	ناسور پدیدآمده در گوشت میان‌دندانی
۵۲	سرخ‌ی (حمره) گوشت میان‌دندانی
۵۳	پخته تهی‌ساز تن
۵۴	زخم‌های دردناک دهانی
۵۴	آماس و سستی گوشت میان‌دندانی
۵۵	درمان گونه نخست فلج‌گونه
۵۵	درمان گونه دوم
۵۶	درمان گونه سوم
۵۷	خوره دهانی
۵۷	سوتیجان
۵۹	زخم چرکین دهان
۶۰	آفت و برفک خونی
۶۰	جداسازی آفت و برفک از سوزدها
۶۲	داروی از میان‌برنده آماس
۶۳	آفت و برفک سپید
۶۴	آفت و برفک سیاه

دکتر محمد ابراهیم

۶۵	پوسته‌پوسته‌شدن کام، گوشهٔ دهان، زبان و لثه
۶۶	خارش زبان
۶۷	آماس زبان
۶۸	گرفتگی (تشنج) ماهیچه
۶۹	داروی تنقیه
۷۰	اقرافادینا
۷۰	فلج زبان
۷۱	آماس غدهٔ زیرزبانی
۷۱	بیماری که به ضفادع شناخته می‌شود
۷۱	جراحی غدهٔ زیرزبانی آماسیده
۷۳	زبان بزرگ دردناک
۷۳	بیماری آویزان‌شدگی زبان
۷۶	برگشتگی زبان
۷۷	انباشتگی تن
۷۷	گرفتگی از انباشتگی
۷۷	گرفتگی از تهی‌سازی
۷۷	شکاف زبان
۷۸	کتاب‌نامه
۷۸	نمایهٔ کتاب و مقاله

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراتية

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراتية، ابوالحسن احمد فرزند محمد (د: ۳۵۹ق)، پژوهش فواد سزگین، چاپ فاکسمیله از دست‌نوشته شماره ۴۴۷۴، کتابخانه ملک - تهران، فرانکفورت، آلمان، ۱۹۹۰م / ۱۴۱۰ق، کتاب یکم و دوم. سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ، برگه ۲۶۳ - ۳۳۳

زیست‌نامه طبری

ابوالحسن طبری احمد فرزند محمد (د: ۳۷۵ق)

وی از سرزمین تبرستان است. مردی اندیشمند و فرزانه و آگاه به دانش پزشکی بود. او پزشک رکن‌الدوله^۱ بود. ابوالحسن احمد فرزند محمد طبری کناش و مجموعه‌ای پر آوازه به نام معالجات البقراتية دارد که از برترین و ارزشمندترین کتاب‌های پزشکی است که گزاره‌ای فراگیر از بیماری‌ها و درمانشان را یاد کرده است و دارای دو کتاب ده مقاله می‌باشد.^۲ کتاب العین نوشته بقراط احتمالاً یکی از مراجع المعالجات البقراتية طبری است (نک: اشتاین‌اشنایدر، ش ۲۳؛ هیرشبرگ، «کتاب‌های درسی عربی درباره چشم‌پزشکی»، در *Abh. Pr. Ak. D. Wiss.*، ۱۹۰۵م، ۱، برگه ۷؛ تاریخ نگارش‌ها، (۸۱) تقسیم‌بندی و ابواب معالجات بقراطیه با دیگر کتاب‌های درسی دانشجویان پزشکان و آموزشی دانشجویان پزشکی در زبان عربی، کتاب منصوری، کتاب ملکی و قانون ابن‌سینا) تفاوت دارد و حالتی نوین و تازه دارد. نخستین مقاله از مقالات ده گانه ۵۰ باب درباره مقولات مقدماتی و کلیات پزشکی است که دانستن آن‌ها برای هر پزشکی که فلسفه نمی‌داند، ناگزیر است، بحث می‌شود، مانند کالبدشناسی، فیزیولوژی، خلط، مزاج، آب و هوا و جزآن است.

^۱ رکن‌الدوله دیلمی، بوعلی حسن فرزند بویه از امیران خاندان بویه است. آغاز فرمانروایی اش ۳۲۲ق و درگذشتش سال ۳۶۶ق است. کنیت او از سوی خلیفه عباسی مستکفی بالله عبدالله (د: ۳۳۸ق) فرزند علی فرزند مکتفی داده شده است. (دهخدا)

^۲ عیون الأبناء، ج ۲، ۳۶۱؛ برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۲۹..

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات
البقراتية

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات
البقراطية

۲

دومین مقاله درباره بیماری‌های پوست سر و صورت است و ۳۵ باب دارد.

مقاله سوم درباره بیماری‌های بخش‌های درون تنی است و دربرگیرنده ۴۳ باب است.

مقاله چهارم درباره بیماری‌های چشم و درمان هر کدام گفتگو می‌کند و ۵۴ باب دارد.

مقاله پنجم درباره بیماری‌های بینی و گوش و درمان هر یک است و ۳۴ باب دارد.

مقاله ششم درباره بیماری‌های دهان، دندان، لثه‌ها، گلو و حلق است، و ۵۸ باب دارد. بیشتر یافته‌های این مقاله برداشت شده از این مقاله است.

مقاله هفتم درباره بیماری‌های پوست است و ۶۰ باب دارد.

مقاله هشتم بحث از بیماری‌های قفسه صدری، شش‌ها، حجاب حاجز / دیافراگم، قلب و بطن‌های آن است و ۳۸ باب دارد.

مقاله نهم در باب بیماری‌های معده و مری است و ۵۲ باب. ۴۲۴

مقاله دهم درباره بیماری‌های کبد، طحال و احشاء شکم است» (هیرشبرگ، کتاب راهنما، ۱۰۸/۲)¹.

نوشته‌های طبری

اوراست:

- رسالة في ذكر القارورة: رساله‌ای درباره پیشاب است. کتاب التفسرة و کتاب البیان اثر ایوب زهاوی، درباره پیشاب از جمله منابع این رساله به شمار می‌آید.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی تهران به شماره ۱۴۳۵ نگاه‌داری می‌شود، ۳۱ برگه دارد، تاریخ رونویسی آن سال ۱۰۰۶ ق است.².

¹ (تاریخ نگارش‌ها، ۴۳۴ - ۴۳۵).

² فهرست دانشگاه، ج ۸، ۱۰۵.

دکتر محمد ابراهیم
ذکر

- و علاج الأطفال: رساله درمان کودکان. نسخه‌ای از آن در دانشگاه تهران، به شماره (۱۰) ۵۲۱۷ (برگه ۷۸ - ۶۵ پ، تاریخ رونویسی ۱۱۰۱ق^۱. که نام مؤلف ابوالحسن احمد بن محمد بصری آمده است.

- و مقالة في طب العين / کتابچه‌ای در چشم‌پزشکی

- و کتاب الفصد / خون‌گیری است^۲. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورا، به شماره (۸) ۱۵۳۸ (برگه ۱۱۸ - ۱۰۳، تاریخ رونویسی ۸۳۶ق.

آغاز: «الحمد لله و لي الحمد المفضل ... إني رأيتُ أطباء جرجان و فصاديهم يعنون الشيء من غير تمييز و يقدمون على المعضلات من غير تدبير و معرفه ...

سال درگذشت او را دهخدا در ۳۵۹ق یاد می‌کند. (دهخدا)

وی با علی فرزند عباس مجوسی اهوازی از پرورش‌یافتگان مکتب ابوماهر موسی فرزند یوسف، ابن‌سیار است.

وی از خاصان دربار رکن‌الدوله آل‌بویه (۳۲۰ - ۳۶۶ق / ۹۳۲ - ۹۷۶م) بوده است.

گمان می‌رود در ۳۷۵ق / ۹۸۵م رخت از جهان بر بسته باشد. بر پایه دیدگاه هیرشگرگ: او کلینیسینی برجسته و دارای کارآزمودگی و زبردستی و نوآوری در هنر و دانش پزشکی بوده که هنوز بررسی و کنکاش نشده است.

وی در سال‌های جوانی در دستگاه ابوعبدالله بریدی از فرمانروایان عباسی به کار پزشکی می‌پرداخت. بریدی او را برای درمان بیماری سودایی معزالدوله دیلمی به اهواز فرستاد. پس از درگذشت بریدی به دربار رکن‌الدوله پیوست و از نزدیکانش شد. وی کتاب معالجات البقراطیه را به سبکی نوین جز منصوری و قانون و کامل الصناعه نگاشت.

فریدمان در مقاله‌ای او را کاشف راستین عامل بیماری جرب؛ یا گری به شمار می‌آورد که تا پیش از این، افتخار آن برای دانشمندان ایتالیایی بونو *Bonomo* و جستونی *Cetoni* بوده است. نگاشته‌های دیگر او: کتاب العين في المعالجات، و قرابادین است^۳.

^۱ فهرست دانشگاه، ج ۱۵، ۴۱۵۸؛ نشریه، ج ۲، ۲۵۵؛ ج ۶، ۶۵۶.

^۲ تاریخ نگارش‌ها، ۴۳۴ - ۴۳۵.

^۳ دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ۳۴۴.

معالجات البقراطية

ابوالحسن احمد فرزند طبری (د: ۳۷۵ق)

سده چهارم

کتاب یکم و دوم

پژوهش

فواد سزگین

۱۹۹۰م = ۱۴۱۰ق

چاپ

فرانکفورت - آلمان

فاکسمیله از دست‌نوشته کتابخانه ملک - تهران

شماره ۴۴۷۴

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات
البقراطية

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

کلیات پزشکی

ترک‌های رخساره‌ای و لبی با انگیزه مغزی

ترک‌های پدیدآمده در رخساره و لب‌ها با انگیزه مغزی: آگاه باشید! که این ترک‌ها دارای دو انگیزه می‌باشند، یکی از بیرون بوده که آن هوای خشک شمال است که پوست را منقبض می‌کند و در آن ترک پدید می‌آورد و این هنگامی رخ می‌دهد که باید پوست چهره آمادگی پذیرش تاثیر چنین هوایی را داشته باشد. (ج ۱، ۸۹)^۱

هم‌چنین ممکن است از جابجایی یک باره از هوای گرم به سرد رخ دهد که حالتی، مانند چنگ انداختن رخ خواهد داد. انگیزه دیگر آن وابسته به تباهی مزاج از گرمی و خشکی در بیمار است که در پی آن ترک‌هایی در پوست نمودار می‌شود.

شیوه درمانی: درمان کسانی با این گونه هوا برخورد دارند، دوری از این هوا می‌باشد.

هم‌چنین به کاربردن موم و روغن ساخته شده از روغن بنفشه و روغن خیری اقدام کند و از کاربرد آب سرد دوری نماید و برنامه درستی برای خوراک خود بریزد و پیوسته سپیدبا و مانند آن بخورند، به شرطی که از خوردن باز نداشته شده باشند.

درمان بیماری که انگیزه ترک و شکاف پوستشان از خشکی است، نمودار کردن تن ایشان می‌باشد که یک راه آن دگرگونی آمیزه با خوراکی‌های نمودارکننده و با برنامه‌ریزی‌های نموداری، جان تازه‌ای به او بدهند.

ترک لب

گزاره آن: اگر لب دچار شکاف و ترک‌هایی شود، همه یادشده‌های ما را در این زمینه باید برای آن‌ها پیاده کنند، سپس به روغن مالی آن با روغن حنا پردازند.

^۱ شماره ۸۹ شماره پایان برگه و ج ۱ شماره یک کتاب یکم معالجات بقراطیه است که فاکسمیله آن از روی دست‌نوشته کتابخانه ملک تهران، در شهر فرانکفورت - آلمان زیر نظر دکتر فؤاد سزگین در ۱۹۹۰ م / ۱۴۱۰ ق به چاپ رسیده است.

روش ساخت: حنارا با روغن گل سرخ و آنچه که به حب حنطلا شناخته می‌شود، بجوشانند و روغن به دست آمده از آن را به کار برند.

اگر دهانه ترک لب باز باشد، باید دو لبه آن را با چیزهای نخی شکل که مانند تار عنکبوت است و در هر گره نی دو تای آن دیده می‌شود و آن گرد می‌باشد، مانند برگ مرزنگوش است که انگیزه ریزش آب‌دهان بیمار می‌گردد را بگیرند سپس دو لبه ترک را به هم نزدیک می‌کنند و آن را رویش بچسباند و این سبب می‌شود که دیگر چیزی آن را زخمی نکند تا درمانش به پایان رسد.

هم‌چنین کاری نکنند تا آب به آن برسد؛ و یا بزاق دهانش سرازیر گردد تا آن که بهبود یابد و خود به خود کنده شود. گونه دیگر آن از تباهی خون و بالا رفتن انبستگی آن پدید می‌آید.
جالینوس گوید: اگر آماس خونی کهنه شود، بریدنش آن را بهبود می‌بخشد.

هم‌چنین اگر ترک از تباهی خون باشد، باید به خون‌گیری و تهی‌سازی بیمار بر پایه مزاج او پردازد، سپس باید جای آن را با نیشتر شکاف بدهند و از چهاروک خون فراوان بگیرند که این کار انگیزه بهبودی اش خواهد شد.
کارکنان گیرنده خون (فصاد) و درمان‌گران به این شناخت رسیده‌اند که بیرون کشیدن خون تباه‌شده از این جایگاه انگیزه به پایان رسیدن بیماری خواهد شد. از این‌رو، باید با یک نیشتر به شکاف دادن ترک در راستای مسیر خط ترک آن پردازند.

ترک‌های پدیدآمده در گوشه لب‌ها

برخی ترک‌های گوشه لب هستند که نمور و سپید می‌گردند به نام صوارین شناخته می‌شوند.
انگیزه پیدایش آن‌ها خلط‌های نمور و شوری است که از سوی سر به دهان سرازیر می‌شود و در این جایگاه تأثیرگذار می‌گردد که درمان آن خون‌گیری و تهی‌سازی تن می‌باشد و پس از آن باید او را وادار به دهان‌شویه کردن با جوشانده سرکه و مازوی سبز نمایند. چنانچه بسنده نشود، آن را با دانه انار ترش داغ کنند و آن به این گونه انجام می‌گیرد که دو دانه درشت انار را برمی‌گزینند و هر کدامشان در یک گوشه دهان می‌گذارند تا جایگاه را بسوزانند.

برخی را دیده‌ام که چکه‌هایی از سرمه آمیخته با آب سماق بر روی آن می‌چکانند.

گاهی این بیماری سوزش و دردی سخت خواهد داشت به گونه‌ای که او را از خوردن باز خواهد داشت. (ج ۱، ۹۰)

کالبدشناسی دندان

شمارگان و گونه دندانها

دندانها استخوانهای سختی هستند. بسیار استوار نیرومند مانند شیشه و بلور میباشند که توانایی خم شدن و نرمی را در آنها دیده نمی بینند. آفرینش آن دارای انگیزه های گوناگونی است که از یک سو در راستای نیاز تن به آنها و به همه کارکردهایش در جهت استوار نگاه داشتن تن و پاییدن تندرستی می باشد که هر گاه کاستی در تن آدمی وارد شود به همان اندازه زیان به تن خواهد رسید.

شمارگان دندانها سی و دو تا می باشد که کارکرد سه گانه بریدن و شکاندن و آسیاب کردن را دارند.

... دندانهای پیشین (سانترال) که شمارگانشان چهار تا می باشد که دو تا در آرواره بالا و دو تا در آرواره پایین جا گرفته اند و کار بریدن را انجام می دهند.

دندانهای بالایی پهن تر و کلفت تر از دو تای پایینی هستند و بالاییها پوشاننده پایینیها می باشند و کار بریدن را در هنگام جابجایی آرواره انجام می دهند. با گزاره دیگر چون دندانهای بالایی آویزان و آرواره آنها بی جنبش می باشد، پس کار بریدن را سخت تر از پایین انجام می دهند.

چهار دندان (لترال) دیگر که دو تا در بالا و دو تا در پایین می باشند.

دو تای بالای یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ دندانهای پیشین خواهند بود.

دو دندان زیرین نیز به همین گونه گذاشته می شوند. این چهار تای بالایی که پهن تر از چهار تای پایینی هستند این امکان را پیش می آورند که توانایی بریدنشان را بیشتر نمایند.

دندانهای چهارگانه که کارکرد شکاندن دارند، دو تا در بالا و دو تا در پایین قرار می گیرند. این دندانها دارای سری نوک تیز و صنوبری شکل اند و بخش پایینی آن کلفت است. کارکردشان شکاندن و خرد کردن می باشد.

بسیار دندان آسیاب که ده تا در بالا و ده تا در آرواره پایین می باشد که همگی آنها کار آسیاب کردن و کوچک تر کردن بخشهای هر چیز [خوراکی] را انجام می دهند.

شمارگان دندان‌ها گاهی بیشتر و زمانی کمتر می‌شود و این ناهنجاری به گونه سرشتی است نه بیماری، این رویداد در شمارگان انگشتان نیز دیده می‌شود که افزایش و کاهش آن بیمارگونه نخواهد بود. دندان‌ها دارای سومندی‌هایی دیگر می‌باشند که با نبودشان، زیان کمبودشان آشکار می‌شود.

دندان‌های پیشین

سودمندی آن جلوگیری از بیرون‌زدگی زبان از مرز برنامه‌ریزی شده از مرز دندان‌ها در هنگام سخن‌گویی و ساختن یک سری حرف‌ها می‌باشد.

هر گاه دندان‌های پیشین بیفتند، زبان از آن مرز گذر خواهد کرد و بیرون خواهد رفت که به دنبال آن حرف‌هایی مانند سین و شین دچار دگرگونی آوا خواهند شد.

دندان‌های آسیاب

نبودن این دندان‌ها، انگیزه لاغرشدن رخساره می‌گردد و سخن‌گویی فرد دچار نارسایی خواهد شد و این به ویژه در هنگام سخن‌گفتن و بستن و فشارآوردن گوشه‌های دهان روی هم هویدا خواهد شد و گوشت این بخش دهانی در هنگام جویدن گاز گرفته خواهد شد و آسیبی بسیار برای هر کس پدید خواهد آورد.

حرث فرزند کلب، درمان‌گر عرب گوید: کسی که دندان‌هایش بیفتند و جایگزینی نداشته باشد، ناگزیر می‌شود که خوراک خود را ناجویده قورت دهد. از این‌رو، سیستم جوندگی دچار نارسایی می‌شود و کیلوس نادرست و ناخوبی ساخته می‌شود که باید به جگر رود و این نادرستی کلیوس انگیزه نادرستی در ساخت خون خواهد شد و به دنبال آن سلول‌های زاینده نارسا ساخته خواهد شد و اگر این یاخته‌ها نارسا باشند، زایایی و تبارسازی آدمی نارسا خواهد شد. البته من گزاره سخن او را جز همین بازگو کردم، نفهمیدم. (ج ۲، ۴)

حس دندان‌ی

پیشینیان در باره حس داشتن دندان دیدگاه‌های گوناگون داشته‌اند.

گروهی بر این باورند که دندان از استخوان سخت ساخته شده است پس رشته‌های عصب در آن پراکنده نمی‌شوند و هر حس نیز وابسته به بودن یک رشته عصب است، پس دندان هیچ گونه حسی نخواهد داشت.

گروهی دیگر گویند: با سرد کردن دندان‌ها سردی در استخوان پخش می‌شود و آن را استخوان حس خواهد کرد نه دندان. داشتن این ویژگی برخاسته از تقسیم ناشدن پی‌ها در دندان خواهد بود.

جالینوس گوید: هیچ دور نمی‌باشد که دندان‌ها دارای حس باشند و رشته‌هایی از عصب‌ها به آن‌ها بپیوندند؛ زیرا خوراک‌رسانی به آن‌ها انجام می‌شود و بالندگی و کاهش یافتن در آن‌ها دیده می‌شود.

بخش پایینی آن عصب که برخاسته از جفت هفتم است، به دندان می‌رسد و در آن رشته‌های موینه و نادیدنی پخش خواهد کرد.

هم‌چنین گوید: گاهی دندان به رنگ سبز؛ و یا سیاه؛ و یا بادمجانی در می‌آید و این جز گواه سرازیر شدن خلط و فزونی‌هایی (فضولات) به دندان نخواهد بود و اگر فزونی به جایی ریخته شود، دور نمی‌باشد که عصب نیز به آن جا وارد خواهد شد.

جالینوس در کتاب میامر چنین آورده است که او این آزمایش را روی دندان خود انجام داده است و دیده که دندانش، به درد آمده است. او تفاوت دندان دردناک و دندان بی‌درد و دندان‌ی که درد در عصب آمده به زیر آن است را به گستردگی بازگو کرده است.

گوید: اگر دندان دردناک کشیده شود و درد در پی آن باشد، درد پس از کشیدن پایدار خواهد ماند، ولی دندان‌ی که درد درون آن است، با کشیدن دندان درد آن در جا آرام خواهد گرفت.

درمان هر کدام آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد.

درمان دندان‌ی که درد آن در پی‌اش می‌باشد، مالیدن دارو به ریشه آن‌ها خواهد بود و دندان‌ی که درد از خود دندان باشد، دارو بر روی آن مالیده خواهد شد.

افزایش اندازه دندان بی درد و بی آماس

افزایش اندازه دندانی که بی درد و بی آماس است: این بیماری شگفت‌انگیزی است که در درد دندانی نمایان می‌شود که جالینوس در باره آن سخن‌ها دارد. او بر این باور است که هر دندان افزایش اندازه بیمارگونه‌ای را مانند آماس پدیدآمده در دیگر اندام‌ها، به خود می‌پذیرد. دندانی که پذیرای چنین دگرگونی اندازه می‌شود، اندازه آن به گونه‌ای نمایان بیشتر می‌گردد. گزاره آن چنین است که هر دندان توانایی پذیرش مواد گوناگونی را در خود دارند پس به رنگ سبز و زرد و سیاه و گاهی به رنگ بادمجان در می‌آید و با پذیرش این مواد اندازه آن‌ها نیز بزرگ‌تر از حالت گذشته‌اش خواهد شد. هم‌چنین گاهی بی آن که رنگش را دگرگون سازد اندازه آن افزایش می‌یابد و این افزایش اندازه گاهی با درد و زمانی بی درد خواهد بود.

اگر افزایش اندازه دندان‌ها با درد همراه باشد، نشان‌دهنده آن است که آمیختگی و فزونی سرازیرشده به دندان تند و تیز مانند آماس حاد می‌باشد.

اگر با درد همراه نباشد، نمایشگر سرازیرشدن خلط‌ها و فزونی‌های نمور به آن می‌باشد و این مانند آماس سست و شل خواهد بود.

جالینوس این گزاره را بدین گونه بازگو کرده و در کتاب میامر آورده است: ما با نمونه آن بسیار برخورد داشته‌ایم و آن را بازسازی و درمان کرده‌ایم.

درمان: اگر همراه با درد باشد، درمان آن با خون‌گیری و تهی‌سازی تن و برنامه‌ریزی درست خوراک بیمار است و نیز وادار کردن او به نوشیدن آب جویی است که در آن اندکی خشخاش سپید گذاشته باشند.

هم‌چنین خوراک او را از آش و سوپ‌های ساخته شده از سرکه برگزینند و نیز وادار شود تا با آب سماق آمیخته با آب تاجریزی و سرکه و گلاب و روغن گل سرخ دهان‌شویه کند و این دارو را بر روی دندان بگذارد.

داروی گذاشتنی روی دندان

روش ساخت: یک بخش گل سرخ و یک بخش آرد باقالی و دو بخش آرد جو و ختمی نیم بخش برمی گیرند و با سرکه فراوان می جوشانند تا انبستگی آن بالا رود سپس آن را می سرشند و اندکی روغن گل سرخ بر آن می چکانند و با داروی به دست آمده همه روز و هنگام خسبیدن، دندان بیمار شده را می پوشانند.

درمان دیگر

گزاره آن: هم چنین می توان این دندان را با سرشته ای از خاکستر کرم (مو / تاک) و خاکستر گشنیز خشک و سرکه درمان کرد و این مرهم را رویش مالید.

بهترین داروی کاربردی برای درمان این گونه دندانها

گزاره آن: گلنار و سماق و آرد عدس و تخم بقله و تباشیر است که آن ها را بسایند و با سرکه بسرشند و با پنبه ای بر روی دندان بگذارند و این دارو آزموده شده می باشد.

ما درباره آماس از گونه باد کرده و فربه شده و تکان خوردن و جنبش داشتن سخنی نگفتیم؛ زیرا نمونه بسیار ندارد. اگر بی درد پدید آید، باید به تهی سازی تن با پخته اف تیمون و پس از آن با ایاره فیکرا، سپس با حب قوقایا روی آورد؛ البته هیچ گاه نباید در این جا قوانینی برای چنین درمان گذاشته شده باشد. (ج ۲، ۵)

هم چنین باید بیمار وادار به نوشیدن گل انگبین^۱ شگری؛ و یا عسلی بر پایه مزاج اش شود و دهان شوییه کردن با عاقرقرا و مویزک و خردل و می پخته و آبکامه نبطی (مُری) و هر آن چه مانند آن ها است.

^۱ جُلنجِبِين (Julanjibīn) Confection of roses (petals) (قاموس)

پنج رطل گل سرخ خشک را اندکی می کوبند بر آن ده رطل عسل می ریزند و در شیشه سبز رنگی می گذارند، چهل روز زیر آفتاب گذاشته روزانه آن را تکان می دهند. برای تب های بلغمی سرد و آلاینده و سردی معده سودمند است. (فردوس ع، ۴۸۶)

جلنجین: گویا گلنگبین باشد که تازی شده واژه گل انگبین است. خمیر شده گل و عسل می باشد (اقرب الموارد)

واژه برگرفته از گل انگبین، یعنی گل قند (ناظم الأطباء)

هم‌چنین باید وادار به جویدن سعد و مصطکی و آب‌دهان بیرون انداختن شوند و روغن مصطکی و روغن بابونه و جز آن را که گرم‌کننده مزاج مغز از میان برنده نموری‌های گردآمده در پای ریشه این دندان‌هاست را به بینی کشند و گاهی قطران به دندان بمالند و بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با شراب و هر آن چه از آن بهتر برای این گونه دندان‌ها باشد. هم‌چنین دندان را با پادزهری مالش دهند که از اندکی مشک سرشته شده با آب سداب ساخته شده است. خوراک بیمار باید چیزهای خشک‌کننده، مانند قلیه‌های گوناگون سوزاننده و گوشت بره کباب‌شده است و نیز شراب کهنه بر آن پاشیده شده می‌باشد.

هم‌چنین شراب کهنه زرد رنگ و روغن زیتون برای ایشان خوب است و همواره باید برنامه ایشان نرم‌جویانه باشد. برخی از مردم سیر بریان شده را برای این گونه دندان‌ها آزموده‌اند و کارآمدی آن را در جا دیده‌اند که آنچه در درون دارد را پاک و آب می‌کند.

هم‌چنین آورده‌اند که یک روستایی به نزدش می‌رود و از بزرگ‌شدن دندانش از پهنا و درازا به او گله می‌کند. وی به او دستور جویدن گندر را می‌دهد. بیمار پس از مدتی باز می‌گردد و در باره بیماری گذشته‌اش و چگونه خود را درمان کرده پرس جو می‌کند.

بیمار می‌گوید: کدخدای روستایی مرا در خانه‌ای زندانی کرد و برای خوراکم تنها نان به من می‌داد و در آن خانه سیر فراوانی بود که با آن می‌خوردم و با آزاد شدنم از زندان بیماری از میان رفت.

گزاره این داستان می‌تواند درست باشد؛ زیرا سیر دارو و خوراکی در رده تلطیف‌کننده‌ها و گرم و خشک‌کننده میانه می‌باشد.

کاهش اندازه دندان (لاغر)

این بیماری نیز شگفت‌انگیز است و بسیار پیش می‌آید ولی بیمار از آن آگاه نمی‌شود و بی‌آن که انگیزه‌اش را بدانیم، دیده می‌شود که دندان جنبان می‌گردد.

نشانه آن اگر روی آن ضربه‌ای وارد کنیم، جنبیدنش در جا آشکار می‌شود.

گاهی انگیزه آن پیری و کهنسالی و نرسیدن خوراک به آن می باشد که نمونه آن را در دیگر اندامها می توان دید که استخوان هایشان کوبیده و فرسوده و آب می شوند و این انگیزه افتادن دندانها می گردد و هیچ درمانی ندارد. اگر این بیماری در جوانان پیش آید به همراه آن یک لاغری فراگیر در تن و گودافتادگی چشمان و خشکی سراسری تن رخ خواهد داد.

درمان: بازداشتن بیمار از خوردن خوراکی های خشک کننده مانند عدس، دخن^۱، برنج، گوشت نمک سود شده، گوشت خشک شده و جز آن است.

همچنین بیمار نباید به تهی سازی تن دست زند مگر به آن نیاز باشد. همچنین برنامه خوراکی بیمار را در راستای به کاربردن نموری ها بگذارند مانند گوشت بزغاله، هر گونه جوجه، هلی، و شراب سپید و با آمیختگی و هر آن چه مانند اینها باشد. همچنین شیربرنج ساخته شده از شکر و روغن بادام و جز آن را بخورند.

ایشان را باید وادار به خوردن پخته مغز گندم (گندم سپید، سیوس گرفته) با شیر و شکر کنند و هر گاه دندان به حالت سرشتی اش باز گردد، ریشه آنها را با گلاب و تباشیر و آرد عدس و کزمازک و شکر و جز آن نیرو بدهند و استوارتر سازند. (ج ۲، ۶)

^۱ دُخْن (Dukhn): *penicillaria spicata willd*; pearl millet (قاموس)

ارزن. (منهاج)

همان گاورس است که برخی آن را جدا به شمار می آورند. سرد و خشک در مرتبت دوم است و برخی آن را گرمی می دانند که گندگوار است و شکم را بند می آورد و پیشاب آور می باشد و شکمروش و بالا آوردن صفرايي را بند می آورد، گذاشتن آن از بیرون بر روی معده بادشکن و آرام کننده درد آن خواهد بود. (بحر الجواهر، ۱۵۶)

اندن، گاورس، گال، دخان، به هندی باجرا و کنگی و کنکنی و چنیا، به شیرازی الم گویند. ارزن (دُخْن) ریزتر و زردتر، گاورس درشت تر و سفیدتر است طبیعت و ویژگی های هر دو یکسان است. (دهخدا)

دخن: به خای معجمه به فارسی ارزن نامند و او قسمی از جاورس است و از آن بزرگتر و در طبع مثل او و در افعال مانند او و مطبوخ مقشر او با شیر و روغن تازه، مولد منی و ملین سینه و صالح الغذاء است و آرد او قابض طبع و قاطع اسهال صفاوی و مولد سده و سنگ پیشابدان می باشد و مصلحتش شکر و عسل و بدلش برنج است. (تحفه، ۱۱۵)

افزایش اندازه درازای دندان

افزایش یافتن درازای دندان نسبت به دیگر دندانها بی آن که جنبان شود.

گاهی یک دندان به تنهایی دراز می شود و این به جهت سخت تر بودن و شدن آن از دیگر دندانها در زمانی دراز می باشد. از این رو، در جای خود استوار می ماند و با برخورد کردن با دندان زیرینش، سبب سایش دندان و خراش لثه و انگیزه ای برای ناتوان کردن دندانها برای جویدن می شود.

درمان: درمان آن سوهان کشیدن به آن دندان است تا با دندانهای دیگر یک اندازه شود.

گاهی دراز شدن آن از پدید آمدن یک آماس در پای ریشه دندان می باشد.

درمان آن خون گیری و تهی سازی تن و گذاشتن بادکش می باشد، سپس برنامه ریزی درست خوراک می باشد.

همچنین دهان شویه کردن با آب تاجریزی و آب برگ علیق و افشرد گل سرخ تازه سبب بازگشت آن به جای پیشینش می شود. اگر این ناهنجاری از عصب سرچشمه گرفته باشد، درمان شدنی خواهد بود و اگر چنین نباشد، هرگز درمان نخواهد شد و برای بازگشتش به جای گذشته اش، باید به خون گیری و تهی سازی بیمار پرداخت و (ج ۲، ۷) او را وادار به دهان شویه کردن با جوشانده سرکه و اندکی حنظل و زاگ یمانی نمایند. به کاربردن زاگ یمانی، خاکستر شاخ گوزن و خاکستر بان، انگیزه نیروبخشی به ریشه آن خواهد شد.

هر دندانی که با پرهیز خوراکی خوب شود، برای ماندنش در دهان دلیل ویژه ای نخواهد بود. برای نیروبخشی به ریشه باید از داروهای بند و هم آورنده بهره گیرند تا مواد تند و تیز نتواند به دندان سرازیر شود.

اگر درد در ریشه دندان باشد، بیمار باید برنامه پرهیز خوراکی را دنبال کند.

شکستن دندان

این بخش بازگوکننده سخنانی در باره شکستن و ترک خوردن و خراشیدن دندان می باشد که به دنبال آن درد نیز آشکار می شود.

هر گاه درد در این حالت برای دندان پدید آید آن را بجنباند و لق کند، این مانند رسیدن چیزی به ریشه و پی فراگرفته در پیرامون آن دندان خواهد بود و باید بدانید که درد در خود دندان می باشد و درمان آن خون گیری و تهی سازی تن بیمار است.

همچنین اگر مزاج بیمار دگرگون شده باشد، آن را هماهنگ و میانه کنند و به دنبال آن در اندیشه بهبود برنامه خوراکی بیمار باشند.

اگر درد بیمار فروکش نکرد، باید این دارو را بر روی دندان او بگذارند.

داروی گذاشتنی پانسمان گونه

روش ساخت: یک بخش عاقرقرا و یک بخش پوست کبر را برمی گیرند و می ساینند و با شیر می سرشند. **گویند:** بهترین شیر، شیر سگ است که گاهی همان به تنهایی درد دندان را می زداید؛ و یا از شکستگی؛ و یا ترک خوردگی؛ و یا ساییدگی دندان جلوگیری می کند.

اگر آن ها را با شیر بجوشانند و پشت سر هم چندین بار بر روی دندان بگذارند، درد را فروخواهد نشانید. هرگز نباید بیمار آن را بخورد. چنانچه این درمان انجام گرفت، باید او را وادار به دهان شویه کردن با جوشانده سرکه و برگ حنا و پوست صنوبر و تخم بنگ کنند که درد را می زداید. اگر داروی یاد شده آن را درمان نکند، باید آن را با دارویی که پیش از این گزاره شد، درمان نمایند، سپس به خون گیری و تهی سازی تن و برنامه ریزی درست یک رژیم خوراکی روی آورند و به درست کردن و بهبود دادن مزاج بیمار پردازند و دندان را از دوراه داغ گذارند.

یکی [دارودرمانی] از آن دو راه به کاربردن جوشانده روغن زیتون و قطران است.

راه دوم [کاربرد فلز گداخته] به کاربردن میله گداخته است و این نشان دهنده بودن درد در خود دندان می باشد. داغ گذاشتن بر روی دندان به این شیوه است که میله را در جوشانده روغن زیتون و قطران فرو می کنند ساعتی می گذارند تا با آن ها جوششی داشته باشد و اندکی از آن ها با گرمای جوشش روغن روی میله بنشینند، سپس میله را چندین بار بر روی دندان می گذارند تا بیمار دردش فرونشیند. بدانید! پس از چند روز از داغ گذاری، درد آرام می گیرد.

همچنین باید حس آن (دندان) را نیز بپایید.

داغ گذاری

گزاره داغ گذاشتن میله ای: این گونه داغ گذاشتن با میله گداخته انجام می گیرد.

روش کار: میله‌ای را برگزینید که بهترین گونه آن از آهن باشد. آن را به اندازه‌ای بگدازانید تا میله سپیدرنگ شود، سپس لوله‌ای با دهانه گشاد برمی‌گزینند. یک سر لوله را به درون دهان ببرید و بر روی دندان ترک خورده به گونه‌ای که در جا استوار باشد، بگذارید و سر دیگر لوله باید به اندازه یک انگشت بیرون از دهان باشد، سپس میله گداخته را به درون لوله ببرید تا از آن سر لوله به دندان آزرده برسد و آن را داغ کند.

گاهی با انجام یک بار این کار، درمان انجام می‌پذیرد و گاهی باید دو و یا سه بار انجام گیرد. این بهترین روش پاییدن برای به کار بردن میله گداخته برای داغ‌گذاری بر روی دندان می‌باشد، ولی کسانی که دجال و شارلاتان هستند و گروهی که المانیون خوانده می‌شوند، میله گداخته را مستقیم وارد دهان می‌کنند و بر روی دندان، داغ می‌گذارند. این شیوه درمانی خطرناک است که می‌تواند به دندانی دیگر؛ و یا به گوشه دهان؛ و یا به زبان آسیب برساند که با به کار بردن لوله پهن بیمار از این آسیب‌ها ایمن خواهد شد. (ج ۲، ۸)

دندان دردناک

گاهی دندان‌ها بی‌هیچ گونه تغییری محسوس و یا سایش و یا سوراخ‌شدنی، دردناک می‌گردند. رویداد چنین دردی در چنین شرایطی، بدترین و سخت‌ترین درد دندانی می‌باشد.

درمان: نخست بررسی مزاج همیشگی بیمار و مزاج بیمار در هنگام درد دندان است که اگر دچار دگرگونی شده باشد، پس باید بپذیریم که درد دندان از دگرگونی مزاج است، پس نخستین کار درمانی بازگرداندن مزاج بیمار به خوی همیشگی و هماهنگ گذشته‌اش می‌باشد، سپس اگر دستورهای درمان‌گری در این زمینه اجازت بدهد، باید به خون‌گیری و تهی‌سازی تن روی آورد و پس از آن به کار بردن داروهایی در راستای تهی‌سازی و سردکردن و نیروبخشی تن بر پایه مزاج او پرداخت. بیمار باید داروهای به کار بردنی خود را برای درمان‌گرش نام ببرد تا درمان‌گر بتواند از میان آن‌ها، آن که به مزاج بیمار نزدیک‌تر است برگزیند.

داروی دگرگون ساز مزاج

روش ساخت: گل سرخ، سُعد، پوست ریشه کبر، بنگ کوبیده، بیروح، لفاح^۱، گلنار، و گشنیز خشک را در سرکه کهنه چندین روز می خیسانند سپس می جوشانند و پس از آن سرکه را از آن جدا می کنند و کنار می گذارند سپس داروها را خشک می کنند و می ساینند و بیمار را وادار به دهان شویه کردن با آن سرکه جداشده، می نمایند. بخشی از آن را بر روی دندان می مالند (۷/۲) و با پنبه ای بخشی از داروهای ساییده را بر روی دندان می گذارند.

همچنین نباید بگذارند که آب دهان بیمار در دهانش گرد آید بلکه به بیمار دستور می دهند، دهانش را باز نگاه دارد تا آب دهانش به سوی بیرون سرازیر شود.

اگر درمان کارساز نباشد، باید بیمار پرهیز خوراکی داده شود. وی را به نوشیدن آب جو و یا نوشیدنی کارا در چنین ناهنجاری وادار کنند و یا آن سرکه جداشده پیش از این را با یک بخش قطران و اندکی مغز خیارچنبر بجوشانند و چندین بار به کار برند که انگیزه آرام کردن درد خواهد شد ولی اگر همچنان درد فروننشیند و درد به جا بماند، باید برای درمان آن یکی از دو راه زیر را برگزینند.

نخستین راه: اگر درد آن افزایش یابد و دندان لق شود، کشیدن آن پیشنهاد می شود.

راه دوم: برگرفتن براده سخت آهن است که آن را نرم بسایند و با شیرابه درختی از تیره شیرابه داران (یتوع) و یا شیرابه درخت انجیر و یا شیرابه درخت عشر بسرشند و با پاییدن بسیار روی دندان بیمار بگذارند. بهتر است که پیش از گذاشتن دارو روی آن

^۱ - لفاح (Luffāh): *Arropa belladonna Linn/ Fruit of belladonna* مولانا نفیس گوید: میوه درخت بیروح است. اقسرای گوید:

برگ آن می باشد در تقویم آمده است که میوه بیروح خودرو می باشد که زرد رنگ است. (بحر الجواهر ۳۲۲). گیاهی مانند بادمجان زرد رنگ، بنام دستنبو، دستبویه، مردم گیاه، مهرگیاه، ساییزج، ساییزک، بیروح الصنم خوانده می شود. پارسی آن ساتیرک است سرشت آن سرد در دوم و تر (نمور) در اول، خواب آور، گلوگیر، مخدر، تیره کننده چشم است. پانسمن آن رو جای گزیدگی جانوران سودمند است و برگ کوچک آن پادزهر عنب الثعلب و برای سوزش پیشآبی و تپش دل از گرمی و اسهال خونی است و غرغه آن برای درد دندان است و پرزجه آن بندآورنده خون ماهانه است. (تحفه ۲۳۲) پارسی آن شاییزج و مغد است. جایگزین آن نیم وزن تخم بنگ و هم وزنش جوزالقی است. (اختیارات ۳۹۸)

دندان، دیگر دندانها را با روغن گل سرخ؛ و یا بنفشه روغن مالی کنند سپس دارو را چندین بار با پنبه‌ای روی دندان آسیب دیده بگذارند.

چنانچه دستورهای پاییدن به خوبی دنبال شده باشد، کار کرد دارو آرام آرام خود را نشان خواهد داد. گاهی روی چنین دندان‌های بر پایه گزاره‌های گذشته ما داغ گذاشته می‌شود.

اگر درد در ریشه دندان و یا در عصبی که پیرامون دندان را فراگرفته، باشد باید آن بیمار وادار به دندان شویبه کردن با دهان شویبه‌هایی که در گذشته یاد کردیم، سپس باید به خون‌گیری و تهی‌سازی تن و خوراک نخوردن پردازند.

دارو: سرکه کهنه را با برگ آس^۱ و پیاز دشتی می‌جوشانند، سپس با آن سرکه، دهان را می‌شویند که انگیزه خشکانیدن فزونی‌های سرازیر شده به ریشه دندانها می‌شود.

اگر بسنده نبود باید مزاج بیمار بررسی شود، سپس او وادار به پرهیز خوراکی و نوشیدن شراب و دهان شویبه کردن با شرابی بندآورنده (قابض) و تند و گس‌کننده دهان بنمایند و این داروی سردکننده را بدهند.

برود / داروی سرمازا: تخم بقله، تباشیر، آرد عدس، نشاسته، گشنیز سوزانده، گل سرخ، گلنار و سماق را به گونه برابر از هر کدام برمی‌گیرند و همه را می‌سایند و درهم می‌آمیزند و بر آن‌ها اندکی کافور می‌افزایند. اندکی از داروی به دست آمده را بر روی دندان می‌گذارند و در داروهای پوشش‌دهنده نیز به کار خواهد رفت.

هم‌چنین بخشی از آن درون دهان نگاه می‌دارند که ریشه دندان را نیرو می‌بخشد و استوار می‌کند و درد را فرومی‌نشاند.

^۱ آس: *Myrtus communis L.* (شلیمر)

واژه یونانی است. برگ و گل آن برای نیروبخشی معده و دل و هیچ دارویی بهتر از آن برای بند آوردن هر گونه جریان آبکی به مانند شکمروش و عرق کردن و هر گونه خونریزی دیده نشده است. برای درمان درد شش و سرفه کردن و شکسته‌بندی و خشکانیدن زخم‌های سر و بند آوردن خون‌برآمدن دهانی است و از سرازیر شدن فزونی‌ها به معده جلوگیری می‌کند و برای درمان آماس خایه و بیرون‌زدگی پیزی از سوراخ نشستگاه خوب است. دارویی پیش‌آب‌آور است. روغن آن نیروبخش ریشه مو و جلوگیری کننده از ریزش آن می‌باشد و انگیزه دراز (کمندی شدن گیسو) و سیاه شدن آن می‌گردد و با مالیدن آن به پیشانی از سرازیر شدن نموری‌ها به سوی چشم جلوگیری می‌کند. (بحر الجواهر، ۱۱)

اگر دندان سالم باشد و به هیچ آسیبی گرفتار نشده باشد و بیمار از آزاری گله‌مند باشد و درمان‌گر بر شناخت بیماری دست پیدا نکرده باشد و او را به دو دلی بیندازد که آیا درد از خود دندان و یا از عصب آمده به آن باشد؟ باید در راستای کشیدن فزونی‌های تند و تیز سرازیر شده به آن‌ها گام بردارد و تلاش‌گرانه در اندیشه تهی‌سازی آن‌ها باشند.

باید تهی‌سازی تن و سر با داروهایی انجام گیرد که زانسوی مزاج بیمار باشد.

هم‌چنین باید در اندیشه پرهیز خوراکی بیمار باشد و خوراکش را بسنده به خوراکی‌های لطیف‌تر بگذارد.

گوشت میان دندان‌ها را شکاف دهد و داروهای به بینی کشیدنی سازگار با مزاج بیمار را به کار برد به ویژه آن که مزاج تند و تیز باشد. کمتر پیش می‌آید که درد دندان پیچیده و گنگ باشد مگر آن که درد وابسته به چنین خلطی تندی مزاج باشد. بیمار را وادار نمایید که شیر زن دختر شیرده و اندکی عسی الراعی، سپیده تخم‌مرغ و روغن بنفشه را به بینی کشد. چنانچه بسنده نباشد، باید در گوش سمت دندان دردمند دارو و عرق و روغن بنفشه بریزند.

اگر بسنده نبود، درمان‌گر همین کار را در گوش زانسوی دندان دردمند، به انجام برساند.

اگر هیچ کدام کارهای درمانی پیروزبخش نبود، باید درمان‌گر بداند که فزونی سرازیر شده به سوی دندان، در عصب دندان لانه‌گزیده و دارو نمی‌تواند به سوی آن برود پس باید آن دندان کشیده شود.

هم‌چنین می‌توانند، داروهای یادشده ما را برای رسیدن به ریشه به کار برند که مانند حنا، مازو، پوست انار و تخم بنگ است. نخست آن‌ها را با سرکه بجوشانند و خشک کنند و بسایند.

هر گاه مزاج بیمار دگرگون شود باید داروهای سردی‌زا را به کار برند که ما آن‌ها را پیش از این نام برده‌ایم، مانند تخم بقله و تباشیر و نشاسته و آرد عدس و خاکستر گشنیز خشک و گل‌سرخ و اندکی کافور می‌باشند.

داروهای یاد شده، بهترین داروهای سردی‌زا می‌باشند که برای فرونشاندن گرمی دهان خوب می‌باشد.

سوراخ شدن دندانها

انگیزه دندان‌هایی که سوراخ می‌شوند و یا بخشی از آن‌ها از میان می‌رود و نابود می‌گردد و رنگ آن‌ها دگرگون می‌شود، سرازیر شدن آمیختگی تند و تیز و خورنده به گوشت میان دندان‌ها و ریشه این دندان‌ها می‌باشد.

درمان: اگر شرایط بیمار اجازه دهد، خون‌گیری و تهی‌سازی تن و سر او بر پایه چگونگی آمیزه‌اش می‌باشد، سپس باید او را وادار به دهان‌شویه کردن چندین باره با جوشانده سرکه و آس و روغن گل‌سرخ نمایند و زبان را با آن بپوشانند و مالش دهند تا نموری‌ها را در دهان گرد آورند، سپس به او دستور دهند، دهانش را باز کند تا بزاق گردآمده‌اش به سوی بیرون سرازیر شود. (ج ۲، ۸)

اگر دندان افزون بر سوراخ شدن و از دست دادن بخشی از خود، درد نیز داشته باشد؛ و یا تنها با جویدن دردناک می‌شود، باید با این دارو آن را درمان کنند.

داروی فرنشاندۀ درد دندان

گزارۀ دارو: سُعد، گل‌سرخ و گلنار و پوست کُندر و اندکی مُرّ و اندکی هلیله^۱ سیاه، مازو، پوست انار، تخم بنگ، نشاسته، خاکستر دندان فیل، خاکستر شاخ گوزن و زاگ یمانی، همگی را به جز مُرّ و هلیله سیاه را با اندازه برابر برمی‌گیرند؛ زیرا این دو باید از داروهای دیگر کمتر باشند. همگی را می‌سایند، سپس برای درمان ریشه دندان و به عنوان داروی پوشاننده و داروی پُرکننده سوراخ دندان به کار می‌برند.

اگر بخواهید آن را نیرومندتر کنید، بر آن اندکی تخم بنگ و تریاک بیفزایید و اگر درمانش انجام‌پذیر نشد، به کشیدن آن روی نیاورید.

^۱ هلیلیج: (Halīlij): Terminalia chebula; chebulic myrobalan (قاموس)

هلیلیج یا اطریفیل و مردم نیز به آن «اُزد» گویند. میوه درختی با شاخ و برگ فراوان پی‌درپی و نزدیک به هم همچون چتری می‌باشد و گل‌های خوشه‌ای شکل و میوه‌ای تخم‌مرغی فشرده، پرگوش با عطری دلپذیر و هسته بزرگی در میان آن است. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۷۰) به دو گونه سیاه و زرد است، میوه سخت و سنگی با پنج خط برجسته یک طرف آن نوک تیز و طرف دیگر گرد دارد. درخت آن را اهلیج (هلیله) کابلی، شعیر هندی و از تیره بادام هندی (Combretaceae) به گونه خودرو در جنگل‌های هندوستان می‌روید به علت داشتن ماده تانن فراوان برای بند آوردن شکم و نیروبخشی معده به کار می‌رود (متداول‌ترین داروهای گیاهی) آزاد درخت، زهره زمین. (آندراج)

اسرب / کی / انک

سوراخ دندان جایگاهی برای گردآمدن خُرده‌های خوراک است و در هنگام جویدن بوی آن‌ها وی را آزار خواهد داد. درمان‌گران برای بستن و مهر و موم کردن آن داروهایی بسیار را شناسایی کرده و گزارش داده‌اند مانند اسرب که به "کی" (انک) شناخته می‌شود.

اسرب

اسرب فلزی است که به "کی" (انک) شناخته می‌شود که همان سرب ناب است که دندان را با آن پُر می‌کنند که این کار نادرست است؛ زیرا خوردگی دندان را به دنبال خواهد داشت.

اگر با سرب فلزی دیگر مانند قلع؛ یا ارزیز آمیخته شود، نخست سوراخ دندان را گشاد نمایند، سپس دندان را با آن پُر می‌کنند.

اگر سرب ناب باشد و هیچ گونه آمیختگی نداشته باشد، بدترین گونه سرب خواهد بود.

مصطکی

دارویی است که برای پُر کردن سوراخ دندان به کار می‌رود. آن را آب می‌کنند، سپس می‌سرشند و آن را به گردی و اندازه سوراخ خواسته شده در می‌آورند و آن را در سوراخ کار می‌گذارند و بر روی بخش اضافی مصطکی آهن گذاشته‌ای را می‌گذارند که اضافه‌ها را بر دارد.

کاربرد آهن گذاخته نیز برای گرم کردن و خشکانیدن مزاج داروی پوشاننده و پُرکننده آن می‌گردد.

گاهی انگیزه ترک خوردن می‌شود، هنگامی که سرشت بیمار رقیق باشد و خیلی دور نیست که روغن درون آن نیز بگنجد.

عاج فیل

برخی درمان‌گران عاج فیل را به گونه‌ای تراش می‌دهند که سری گرد و پهن داشته باشد، سپس آن را در سوراخ دندان جای می‌دهند. این کار نیز دشوار می‌باشد؛ زیرا با جا دادن آن در دندان، درد پدید خواهد آورد و گاهی به آن ترک وارد خواهد آورد. اگر سوزانده آن را در دندان بگذارند دیگر نخواهد گندید، جز این که بیمار از بوی آن آزار خواهد دید؛ البته روشی نیز هست که

کاربردش کارسازتر است و برای بیمار آزاردهنده نیست، جز این که درمانگر باید داروی آن را هر روز جابه‌جا کند و دارویی نو بگذارد.

دارویی دیگر

روش ساخت: تخم بقله، تباشیر، گلنار، خاکستر مازو، خاکستر عدس و اندکی گُندر^۱ برمی‌گیرند و می‌سایند و با سرکه کهنه می‌سرشند. پنبه‌ای به گونه فتیله‌ای می‌سازند و در سرشته به دست آمده فرومی‌کنند و دندان را با آن پر می‌کنند و از آن نیز می‌خورند که نیروبخش و نگاه‌دارنده دندان از واردشدن باد به آن و آرام‌کننده درد آن خواهد بود و از جویدن بیمار را ناکارآمد نمی‌کند و باید هر روز پنبه درآورند و دیگری را جایگزین آن نمایند و با اندکی سرکه و گلاب و روغن گل سرخ دهان‌شویه کنند سپس همان گونه که یاد شد، پنبه‌ای را به آن بیالایند.

علک البطم

گزاره آن: جویدن علك البطم و چسباندن بخشی از آن به دندان می‌باشد که هر دم آن را بردارند و یکی دیگر را به جایش گذارند.

هم‌چنین کاربرد علك البطم آمیخته با ایاره نیز کارایی خوبی دارد.^۲

دندانی را دیدم که گوشتی از میانه آن به گونه‌ای بیرون‌زده بود که از سطح جونده بالا آمده بود که با جویدن هر چیز با آن، بیمار آزار می‌دید و از آن خون سرازیر می‌گشت.

^۱ گُندر (*kundur*): *Frankincense*; *Boswellia glabra* (قاموس)

پارسیان بَسْتِج گویند، یونانیان «لیبانو» خوانند، عربان ریشه یونانی را برگزیدند و نام لبان به آن دادند که شیرابه‌ای صمغی تراوش شده از درختی خاردار که بلندی آن به بیش دو ذراع نمی‌رسد و در کوهستان‌ها می‌روید، بهترین آن از کوه‌های یمن و حضرموت و عمان به دست می‌آید. گُندری که عربی نامیده می‌شود دارای شکل منظمی نیست و لایه رویین آن دارای برجستگی‌هایی است، تُرد با رنگ سپید به زردی یا سرخی گراینده. در هنگام جویدن نرم می‌شود. گونه دیگری که «مخا» یا گُندر هندی گفته می‌شود کمتر خوب است و رنگی خاکستری گراینده به سیاهی دارد. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۴۷)

^۲ میانه صفحه، یادداشتی حاشیه نویسی شده است.

ابوماهر گوید: ابوماهر^۱ اشارتی کرده است که باید این دندان کشیده شود ولی با کشیدن آن، دوباره گوشت روییده خواهد شد که در چنین هنگامی باید داروی خورنده بر رویش بگذارند تا آن را آب کند سپس داروی جوش‌دهنده جای ریشه دندان را بر رویش گذارند که گزاره آن سرکه و مازو و پوست انار است.

دندان سبز؛ و یا سیاه‌رنگ

دندانی که سبز و یا سیاه می‌شود: سخن در باره دندان‌هایی است که به رنگ سبز؛ و یا سیاه؛ و یا بادمجانی در آمده‌اند. انگیزه بیماری پدیدآمده در دندان از سرازیر شدن خلط تباه‌شده به آن است و گزینش رنگ نیز بر پایه همان خلط سرازیر شده به دندان خواهد بود.

- آن که به زردی بگراید، از چیرگی خلط صفراوی خواهد بود؛

- و آن که سیاه باشد، از چیرگی خلط سودایی است؛

- و آن که به رنگ بادمجانی می‌زند، از گونه‌ای خلط است که نیروی خون در آن سوزانده شده و گندیده است.

- اگر از سرازیر شدن خلط نمور باشد، بر پایه گفته‌های گذشته ما آن دندان دچار افزایش اندازه و کمترین دگرگونی رنگ می‌شود؛

- گاهی دندان رنگ گچی؛ و یا سپیدابی به خود می‌گیرد؛

- و گاهی دندان همانند خرف و سفالینه‌ای می‌شود که زود شکننده خواهد بود و انگیزه آن خلط نمور داغ است که توان خشک‌کنندگی به همراه گرمزایی بالا دارد.

^۱ ابوماهر موسی فرزند یوسف، ابن‌سیار آموزگار طبری صاحب معالجات البقراطية است..

درمان: درمان آن تهی سازی تن بیمار با پختهٔ اف تیمون است، سپس تهی سازی سر با حب صبر و حب ایار^۱ است و از پس آن خون گیری از رگ قیفال و به دنبال آن گذاشتن بادکش خواهد بود.

باید میان دارو خوردن و خون گیری، دارویی در راستای نیروبخشی و استوارترکردن وضع بیمار داده شود و همهٔ اینها باید به گونه‌ای مرتب به دنبال یکدیگر بیایند، سپس به ایشان دهان شوییه‌های یادشده در گذشته داده شود و پس از آن، بر روی آن دارویی که گزاره خواهیم کرد، مالیده شود. بهر حال اگر این دندان لقی ویژه‌ای نداشته باشد، بهبود خواهد یافت؛ و یا به سوی دیرپاشدن بیماری در آن کشیده خواهد شد.

چنانچه بیماری کهنه شود؛ و یا دندان لقی گردد، آن دندان می‌آماسد و پس از آن ماندگار خواهد شد. (ج ۲، ۹)

دهان شوییه کردن با برخی داروها، آن چه فزونی‌های زرد رنگ است و به سوی دندان سرزیرشده را پاکسازی می‌کند.

دهان شوییه رانندهٔ فزونی‌ها از دندان

روش ساخت: ریشهٔ کاکنج^۲ و جوزالسرو در سرکه می‌سایند و بیمار را وادار می‌کنند تا با آن دهان شوییه کند. هم‌چنین پس از دهان شوییه کردن با آنچه در گذشته یاد شد، روغن گل سرخ را داغ می‌کنند و بر روی دندان می‌مالند.

^۱ حب ایارج: ساخت آن را وابسته به ابن‌ماسویه می‌دانند که در درمان بیماری‌های مغزی به ویژه از گونهٔ بلغمی آن و پاک‌سازی مغز سودمند است. همچنین افزایش دهندهٔ بینایی می‌باشد. روش ساخت: شش درم ایارهٔ فیقرا، پنج درم هلیلهٔ زرد، چهار درم تربد و از انیسون و نمک هندی هر کدام دو و نیم درم، غاریقون دو درم، پیه حنظل یک درم، برمی‌گیرند و برای کسانی که صفرایی مزاج هستند، سقمونیا به اندازهٔ نیاز به آن می‌افزایند. نیروی دارو تا دو سال پا برجا می‌باشد. اندازهٔ خوراکی آن تا یک مثقال است. (تحفه، ۳۲۱)

^۲ کاکنج (Kākanj): *Al-Kakenje; physalis alkakengi, Linn* (قاموس)

کاکنج عروس در پرده، سرشت آن سرد و خشک در مرتبت دوم است. برای نرم کردن سختی ناسور و دمل‌های دیرپای گوش و برای درمان نفس‌تنگی از گونهٔ آسم و دشوار نفس کشیدن و زردی و زخم‌های راه‌های پیشابی به کار می‌رود. این دارو خواب‌آور و پیشاب‌آورست. برای آرام کردن درد دندان سودمند است. اندازهٔ خوراکی آن یک مثقال تا دو درم می‌باشد. (بحر الجواهر، ۳۰۸)

کاکنج تازی شده «کاکنه» به شیرازی «کچومن» به یونانی «اوسفندنون» به سریانی «خمری مرجاه» رومی «اسفیدولینون» و به عربی «جوز المزج و حب اللهو» به هندی «راجیوتکه» به لاتین «هلیلهٔ کایم» نامیده می‌شود. برای درمان تنگی نفس و سختی پیشاب کردن خوب است و جلوگیری از بارداری می‌کند و همچنین برای درمان جگر و پیشابدان سودمند است. (اختیارات، ۳۶۵)

همچنین جوشانده زفت در سرکه و نیز جوشانده پوست ساییده کبر و مصطکی در روغن گل سرخ را بر روی دندان می مالند. اگر زردرنگی بر روی دندان قرار گرفته باشد، بهترین دارو برای درمان آن آب تاجریزی با سرکه می باشد. هم چنین اگر دندانی زردی رنگ داشته باشد، باید جوشانده آرد عدس و آرد ختمی و سرکه بر روی آن بگذارند. اگر سیاهی رنگ باشد، باید درمان با افشره تاجریزی انجام گیرد و به دنبال آن باید به تهی سازی تن با پخته افتیمون و پس از آن ایاره و پس از آن دهان شویه کردن با آبی که از دو بخش عسل سپید و پنج بخش آب و یک بخش گیاه مستعجل^۱ برمی گیرند. نخست مستعجل را خرد می کنند و در آب فراهم شده می ریزند و می جوشانند تا یک سوم آن بخار شود، سپس با مانده آن دهان شویه می کنند و اگر تب کند، باید کار برد آن را کنار گذارند. دهان شویه کردن با سرکه و افشره تاجریزی و گلاب را انجام دهند.

داروی مالیدنی روی دندان

گزاره آن: آنچه باید بر روی دندان بمالند را این گونه می سازند. نخست باید اندکی ریشه کبر، افسنتین، افتیمون، اشنه و مصطکی را برگیرند و در روغن گل سرخ به گونه ای بجوشانند تا انبستگی آن بالا رود و پرمایه شود، سپس داروی به دست آمده را بر روی دندان آسیب دیده می مالند و نیز دندان و ریشه آن را با آن می پوشانند. هر گاه بیاماسد و دچار دگرگونی آمیزه شود، کار برد این دارو را کنار می گذارند، ولی به دنبال تهی سازی آن چه به سوبش سرازیر شده با داروهایی که پیشینیان بازگو کردند، باشند. هم چنین با آب گرم دهان شویه کنند، به ویژه اگر آن آب داغ آب زاگی و یا آب نظرونی باشد، آن را خواهد زداید.

^۱ مستعجله: نزد بعضی بوزیدان است و نزد جمعی سورنجان است. انطاکی در تذکره و بعضی گویند که او فروع لبعه بربری و ریشه هایی است با پیچیدگی و صلب و هندی او به هم پیچیده و مرتع به نوعی که چون باز کنند چوب او مرتع متساوی الأضلاع مشاهده می گردد و بهترین او خوش جوهر صلب شیرین است. در مرتبت دوم گرم و در اول تر است و مسمن بدن و مهیج باه به حدی که استعجال فرمایند و حافظ قوتها و مقوی اعصاب و مانع فساد اخلاط است و شرب او قبل از سم مانع تأثیر آن می شود و مضر حلق و مصلحش عسل است و شربتش تا سه درهم و بدلش خمیرمایه است. (تحفه، ۲۴۶)

اگر رنگ نمایان شده بادمجانی باشد، داروهای کاربردی آن همان داروهایی است که برای زدودن رنگ سیاه به کار می‌برند، خواهد بود.

دگرگونی‌های رنگی در راستای گچی و سپیدآبی (سربی) رنگ‌شدن، هیچ دارویی برای پاکسازی آمیختگی در آن را ندارد. بهترین دارو برای آن، کاربرد موم و روغن می‌باشد. برخی از گزاره‌های جالینوس در درمان این گونه بیماری کارساز است و برخی دیگر آن‌ها چنین نمی‌باشند.

نمونه‌ای از آن: جوشانده روغن مصطکی را پیوسته به دندان می‌مالند.

گندم ساییده را در سرکه می‌جوشانند و با آن دهان‌شویه می‌کنند و نیز بر روی دندان می‌مالند.

داروی دیگری که ما بارها آزموده ایم و کارایی بسیار بالایش را در زدودن رنگ بادمجانی و سیاه دیده ایم. روش آن، به کاربردن هر داروی تهی‌ساز و خشک‌کننده فزونی پدیدآمده در آن می‌باشد.

روش درمانی ابوماهر: ابوماهر دارویی ترکیبی برای درمان دندان سیاه و یا سبز رنگ شده‌ای که لق نشده و بیماریش دیرپا نگشته باشد، ساخته است که پس از تهی‌سازی به کار می‌برده است.

روش ساخت: یک جزو غاریقون^۱ خشک‌شده، یک جزو خاکستر کرم (مو)، نیم جزو براده مس، از گل سرخ و مصطکی هر کدام یک جزو، از مَر و صبر هر کدام نیم جزو برمی‌گیرند و همگی را می‌کوبند و با سرکه به گونه‌ای می‌جوشانند تا انبستگی اش افزایش یابد سپس بیمار وادار می‌کنند که آن را روزها بر روی دندانش بمالد و آب‌دهان گردآمده در دهانش را قورت ندهد.

^۱ غاریقون (Ghāriqūn): *Erica while agaricopolyporus officinalis*; (قاموس)

شیخ الرییس گوید: سرشت آن در مرتبت یکم گرم و در دوم خشک است. دارای جوهر هوایی و آبی و زمینی می‌باشد. روان‌کننده بلغم و تلخ‌آب و زردآب آمیخته با هم و بادشکن است و برای آماس سخت و هرگونه قولنج جز ایلاوس نیک است. گشاینده گرفتگی‌ها به ویژه جگر و گرده می‌باشد. پیش‌آب‌آور، روان‌کننده خون ماهانه، بهبوددهنده کوفتگی ماهیچه‌هاست و برای سم‌هایی که خورده شده و یا از راه گزیدگی به تن رسیده و برای تب‌های بلغمی و سردرد خوب است. (مخزن، ۳۰۲)

او گزاره کرده است که گروهی بی شمار از دردمندان به چنین آسیبی را با این دارو درمان کرده است.

درد سراسری دندانها

انگیزه دردهای سراسری دندانها و حساس شدن آنها به آب سرد و گرم چه لقی باشند و چه جنبان نباشند، باد می باشد و آن شکستن بادهای فشرده در سر به سوی ریشه دندانها می باشد که انگیزه بیماری زایی در دندان و عصبی که آن را فراگرفته خواهد شد و به دنبال آن پی نیز کشیده می شود.

درمان: نخست بررسی مزاج بیمار سپس اقدام به تهی سازی با داروهای زانسوی مزاج بیمار می باشد و به دنبال آن خون گیری و پیوسته به کاربردن دارویی است که گزاره خواهیم کرد و آن برای درمان همه بیماری های دندانی به ویژه این بیماری خوب می باشد.

گزاره دارو: شاخه تازه آس از جای گره گاه آن که درازایش چهار انگشت باشد و ریشه کبر و شاخ و برگ آن، ریشه کاکنج، جوز السرو^۱، گل سرخ، نشاسته، عاج فیل و زاگ یمانی را گرد می آورند و همه را بر پایه نیرو و توانی که دارند در دیگی روی هم می ریزند و با سرکه چندین بار می جوشانند، سپس با سرکه آن دهان شویه می کنند و قورت نمی دهند. آن چه به گلو فرو می رود به بیرون تف می کنند.

اگر این دارو در زمانی که دستور داده ایم به کار رود برای درمان دندان جنبان کارایی بسیار بالایی خواهد داشت و نیز برای درمان هر بیماری دندانی و نیروبخشی آنها و استوار کردن ریشه آنها کارساز می باشد.

از داروهای آرامش دهنده دل و عصبها می باشد. ابن هبل در کتاب ایضاح گوید: روان کننده ایمنی می باشد. پاکسازی کننده فزونی های پی ها و سر و دمل شش است. درمان کننده صرع و آسم و درد سیاتیک و خون برآمدن از سینه و پیرامون آن و زردی می باشد. اگر با افشره جوشانده شیرین بیان به کار رود، درمان کننده سرفه دیرپا خواهد بود. اندازه کاربردی آن یک مثقال است. (بحر الجواهر، ۲۶۹)

^۱ جوز السرو *jauz al sarw* بهترین گونه آن، تازه اش می باشد. شیرازیان به آن کوز کلاغ گویند. سرشت آن سرد و خشک و بند آورنده است. اسحاق گوید: پانسمان کردن آن بر روی فتق سودمند است. بندآورنده خون و نیروبخش اعصاب و از میان برنده گوشت اضافی بینی می باشد. کاربرد آن با شراب برای دشوار نفس کشیدن و سرفه دیرپا و بلغم و فراموشی خوب است. اندازه خوراکی آن نیم درم تا نیم مثقال خواهد بود. (اختیارات، ۱۰۳) جوزالسرو: بار درخت سرو است. (تحفه، ۷۷)

سفوف / پودر / گرد

پودری برای درمان لقی دندان: این گردی است که برای درمان لقی دندانها خوب می باشد که از جوز السرو یک جزو، جوز الفوفل یک جزو، سماق و سعد از هر کدام دو جزو، خاکستر شاخ گوزن و زاگ یمانی هر کدام یک جزو برمی گیرند و همگی را می ساینند و بر روی ریشه دندان می مالند و در دهان نگاه می دارند که نیروبخش ریشه دندانها و از میان برنده دردشان و بهبوددهنده لقی های بی درد همه دندانها می باشد. (ج ۲، ۱۰)

همچنین پس از تهی سازی داروی یاد شده را به کار برند.

روش ساخت: خاکستر گرم (مو / تاک) و خاکستر حنظل را با هم می آمیزند، سپس با عسل و سرکه می سرشند و بر روی ریشه دندان می مالند.

دهان را با جوشانده سرکه و حنظل بشویند.

بیمار را از خوردن شیرینی و هر گونه شیر باز دارند.

اگر همه دندانها؛ و یا بخشی از آنها در اثر باد و یا ضرب دیدگی؛ و یا سرازیر شدن خلطی به سوی ریشه جنبان شوند، با آن دندانها نباید چیزی جوید، چون نابودی آنها را زودتر خواهد آورد؛ بلکه باید به نیروبخشی و خوراک دهی به آنها روی آورد. دهان شویه کردن با شراب گس و هم آورنده دهان که در آن نشاسته و عاج فیل و مازوی سبز سوراخ نشده، آمیخته باشند برای درمان کسی که به همراه جنبان بودن دندانها تب نیز داشته ولی درد نداشته باشد، سودمند خواهد بود.

بومیان ساده دل و پیران بصره برای درمان چنین دندانی که به آب حساس است، لسان الحمل (بارهنگ) کباب شده روی آتش را می خورند و بخشی از آن را بر روی دندان می مالند که انگیزه از میان رفتن آن بیماری می گردد. من تأثیرگذاری دارو بر پایه ویژگی آن بوده؛ و یا از راه نرم کنندگی فزونی های درون به انجام می رسانده را نمی دانستم تا آن که کتاب ارساسیوس در نگاه داری و پاییدن دندانها را به نام مقاله فی حفظ الاسنان را دیدم که در آن نشان می داد چگونه درمان دندان حساس به آب سرد در اثر ضربه را چنین بازگو می کرد و آن مالیدن خون حشاف (خون سر نرینه) و خون بز کوهی و سپرز جوشانیده در سرکه و هر روغنی می باشد، سپس آن را چنین گزاره می کند که حساسیت هر دندان نسبت به آب سرد و هر چیز سرد که از

سرازیر شدن خلط سرد باشد و انگیزه دگرگون کردن مزاج آن به سردی شود را با مالیدن خون حشاف و خون بز کوهی و سپرز آن را بهبود می‌بخشند.

او در ادامه می‌گوید: ما آن را از دریا و از گروهی بازرگان که خود را بازرگانان درمان‌گر می‌شناساندند، به دست آوردیم و این بهترین داروی آزموده شده ما برای آن می‌باشد و آن به کاربردن پیاز دشتی بریان شده است که آن را با سرکه بسایند و بر روی آن گذارند.

خارش دندان

این گونه‌ای بیماری است که در آن دندان و یا ریشه آن دچار یک بیماری مانند خارش در خودش و یا ریشه‌اش می‌شود به گونه‌ای که تا ساعتی آرام نخواهد گرفت که با خارش دادن [ساییدن] دندان‌ها به یکدیگر و یا جویدن چیزی آرام می‌گیرد. روی داد این بیماری بیشتر به دنبال نوشیدن آب‌های ناجور و گوناگونی می‌باشد به گونه‌ای که مردم می‌گویند، فلانی آبی را نوشید که در آن ماری مرده و یا دیگران گویند که پیشاب قورباغه‌ای را نوشیده است.

گاهی از خوردن خوراکی‌های تند، گونه‌ای آمیختگی تند و گزنده ساخته می‌شود که به سوی ریشه دندان‌ها کشیده می‌شود و این انگیزه پیدایش بیماری در آن خواهد شد. اگر این آمیختگی در سراسر تن پراکنده شود، انگیزه پدید آمدن گال و خارش فراوان در سرتاسر تن خواهد شد.

درمان: در این بیماری، با خوردن جوشانده‌ای که گزاره آن به دنبال می‌آید، تن را تهی‌سازی می‌کنند.

گزاره جوشانده: یک دسته بزرگ شیطرج و یک کف دست بزرگ افسنتین و یک کف اسقولوقندریون^۱ و از هلیله سیاه و کابلی و زرد هر کدام بیست و پنج درم و ایرسا که همان ریشه سوسن آسمانگون پنج درم و برگ جمسفرم یک کف و افتیمون

^۱ اسقولوقندریون (*Asquūlūqandariūn*) گزاره آن آب‌کننده سپرز، گفته‌اند که گیاهی است که زیستگاه‌های کوهستان‌های سنگی می‌باشد که در جاهایی پُر ابر می‌روید. برخی آن را گونه‌ای اسقیل به شمار می‌آورند. گروهی اصف رومی می‌دانند. دسته‌ای ریشه‌اش را یاد کرده‌اند. برخی آن را صوم خودرو به شمار آورده‌اند. سرشت آن گرم در مرتبت یکم و خشک در دوم یاد کرده‌اند. (بحر الجواهر، ۲۱)

اقریطی هفت درم و روغن زیتون از شهر طایف که هسته گرفته بوده، پانزده درم برمی گیرند، همگی را با چهار رطل آب می پزند تا یک رطل آن بماند سپس آن را می پالایند و بر آن هفت درم شکر ساییده می افزایند. نخست یک روز چیزی نمی خورند سپس آن را نیمه گرم می نوشند.

هنگامی که دو ساعت از شب مانده به تهی سازی سر یک و یا دو بار با حب صبر و حب ایاره می پردازند و از خوردن خوراکی های پست پرهیز می کنند و اگر بیمار ناتوان بود برای او مزورات^۱ و نان بسنده کنند سپس به بررسی مزاج او از راه بررسی لوله (شیشه) آزمایش و نبض پردازند که اگر دگرگونی آن به سوی گرم شدن می باشد با دادن کشک آب جو آن را به خوی همیشگی اش باز گردانند پس از به دستور دهند تا با داروی زیر دهان شویه کند.

گزاره دهان شویه: آب ریشه کرفس و سرکه کهنه و گلاب و اندکی روغن گل سرخ و اندکی بوره را برمی گیرند و همه را هم می زنند به گونه ای که خوب آمیخته شوند سپس دستور می دهند تا چندین بار در شبانه روز با آن دهان شویه نمایند و هر گاه روزی با آن دهان بشویند، روز دیگر انجام آن را کنار می گذارند. درمان را تا آنجا انجام می دهند که بیماری ناپود شود ولی اگر بهبودی به دست نیاید، باید در اندیشه هماهنگ کردن مزاج بیمار و پرهیز خوراکی او باشند. هم چنین پیاز دشتی را بگیرند و سه لایه و پوسته از رویش بردارند و مغز آن را تکه تکه نمایند و در شیشه ای با گردن دراز بگذارند و بر آن به اندازه ای سرکه بیزند که در آن شناور شود سپس در شیشه را با هر چیزی که اجزایش از هم باز هستند مانند پشمینه و یا پنبه و بهتر از همه الیاف

به آن اسقولوندریون، حشیشه الطحال، اسقردیوس، کف النسر، و اسقولوفندیرین نیز گویند بیخ کبر رومی است. در مرتبت دوم گرم و در سوم خشک، لطیف، باز کننده، آب کننده (تحلیل برنده)، خردکننده سنگ های گرده، و پیشابدان است، برای زردی، سکسکه، صرع، بیماری های تلخابی سودمند است. آب کننده آماس سپرز و به خود برگرفتن آن از بارداری جلوگیری می کند. گویند گونه ای اسقیل است که به اشتباه در گویش شیرازی «زنگی دارو» گویند... (اختیارات، ۳۰)

^۱ مزور (Mazūr) | *Origanum dictamnus Benth* | *Crete Dittany* (قاموس)

مزورات: نوشابه، عرق ساخته شده از دانه های گوناگون چون ذرت *Beverages made of millet and grains* در مفید العلوم نوشابه ای شیرین است برای کسانی که نوشابه های الکلی نمی نوشند و برگرفته از ریشه فریب، و آرایش دروغین است. «مزورات من الطبیخ» دانه و سبزی های گوناگون که بدون گوشت بپزند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۶۲۶)

مزوره: *Snack* غذایی که بدون گوشت برای بیماران تهیه می کنند (خوراک مختصر) (رنجبر، ۲۶۴)

است، ببندند و اگر تابستان باشد، بیست روز و اگر زمستان باشد، ده روز در سرگین پنهان کنند؛ زیرا دمای درون زمین در زمستان بیش از تابستان است، سپس از آن سرکه برداشته بر روی گوشت میان دندانها میمالند که به آسانی آرامکننده هر گونه خارش و دردهای (دندانی) است. (ج ۲، ۱۱)

بایسته است که درمان گر دگرگونیهای مزاج را بنگرد که نکند دچار تندی شود و او از آن آگاه نباشد. موفقیت درمان با دگرگون شدن مزاج نمایان می شود که اکنون باید به آرام کردن مزاج روی آورند سپس این دارو را برای مالیدن روی ریشه دندان به کار برند. آبدهان گردآمده در دهان را بیرون اندازند.

اگر درمان بسنده نبود، باید ریشه ترشک^۱ خودرو (حماض البري) را با سرکه میپزند، سپس با آن سرکه دهان را بشویند که بی گمان بیماری را از میان خواهد برد.

همچنین برای درمان این بیماری پوست و پیئه (گوشت) انار را می کوبند و با روغن گل سرخ و سپیده تخم مرغ می آمیزند سپس بر روی ریشه دندان می مالند.

اگر مزاج بیمار به سردی گراید، آنچه برای او سودمند است به کاربردن سرکه ای خوبی است که در آن عسل و قطران آب کرده باشند. با این دارو دهان شویه کنند و روی دندان نیز بمالند. (ج ۲، ۱۲)

کندی دندان

کندی دندان از خوردن؛ یا بدون خوردن چیزی ترش رخ می دهد. پیشینیان در باره کندی دندان دیدگاه های گوناگونی داشته اند.

^۱ حُمَاض (Hummād): Rumex crispus Linn = yellow dock, sourdock (قاموسی)

ابن بیطار در جامع لمفردات آن را «حَمُضَه حلوه - ترش، شیرین) گفته و دو گونه است گونه خودرو که دشتی است و دیگری کشت کردنی در باغ هاست. گیاهی علفی در بهار می روید برگ های سبز ترش مزه با تلخ خوبی آمیخته شده که آن را از گیاهان اشتها آور به شمار می آورند به ویژه اگر بخشی از سالاد باشد. و اگر پخته شود بسیار گوارا و خوش مزه است. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۶۰)

ترشک سرد و خشک است و تخم آن برای معده خوب می باشد. هرگاه آب پز شده آن خورده شود، زخم های روده ای را بهبود می بخشد. (فردوس ع،

برخی بر این باور بوده‌اند که کندی دندان از گزشی است که به عصب پیوند خورده به ته دندان وارد می‌آید که به دنبال آن، پی‌گرد می‌آید و منقبض می‌شود و این رخداد از چیزهای بسیار ترش و سرد پدید می‌آید.

دیدگاه دیگر: اگر کسی چیزی را بجود و دندان روی عصب خود فشاری آورد، آن دندان دردمند خواهد شد، هر چند که دندان دردناک نخواهد گشت و این درد از خود عصب خواهد بود.

گروهی دیگر گویند: کندی دندان از روان‌نشدن روح در عصب به جهت یک اختلالی است که در آن عصب رخ داده باشد. نمونه آن نشستن کسی روی یک عصب از اعصابش می‌باشد که با فشار آمدن بر روی آن از روان‌شدن روح در عصب جلوگیری می‌شود که در این هنگام آن اندام که عصبش زیر فشار نشستن است، دردناک خواهد شد.

دیدگاه دیگر: بر خورد یک عصب با گزندگی و نیش زندگی از چیزی که انگیزه نابودیش می‌گردد و از روان‌شدن روح در آن جلوگیری می‌کند. پس دردناک خواهد شد.

دیدگاهم [طبری]: بنابراین بدین گونه بر درستی دیدگاه خود گواهی می‌آوریم که گفته‌اند: اگر کندی دندانها از خوردن چیزهای بسیار ترش باشد پس باید آگاه باشید! هرگز این روی داد از انگیزه دیگری رخ نخواهد داد. ما دیده‌ایم که گاهی کندی دندان از خوردن چیزهای شیرین و بی‌مزه نیز پدید می‌آید.

هم‌چنین دیده‌ایم که هر روز پس از پایان یافتن گوارش این حالت پیش می‌آید که نشان می‌دهد دندان در وضعیت خوبی نمی‌باشد و چنانچه به همراه آن هر گونه گزندگی در عصب باشد که از روان‌شدن روح در عصب جلوگیری می‌کند.

گروهی می‌گویند که هیچگاه کندی دندان جز از خوردن چیزهای ترش و بندآورنده و بسیار سرد پدید نخواهد آمد. بیشتر مردم گمان می‌کنند که کندی دندانها از خوردن چیزهای بسیار ترش پدید می‌آیند.

من گفته‌ایم ایشان را در باره این که شیرینی‌ها نیز انگیزه کندی دندانها می‌شوند را نمی‌پذیرم هر چند که سخن درستی باشد که از ویژگی اندامها خواهد بود و این حالت کمیاب و ناشناخته‌ای می‌باشد ولی هموار سخن ما در باره چیزهای همگانی و فراگیر می‌باشد نا نادر و کمیاب.

کسی که آن را نتواند آب کند، باید سقمونیا و کسی که شکمش بند آید، سپیداب [سپیدبا] بخورد. این چیزهای ناشناخته یا از ویژگی مزاج؛ و یا از ویژگی اندامهاست.

آگاه باشید! که همواره سقمونیا آب کننده و سپیداب نرم کننده شکم و نخود بسیار گرمازا به شمار می آیند. گفته شما در باره این که روزی یک بار پس از پایان یافتن گوارش دندانها دچار گندی می شوند، با مالیدن هر چیز و مالش دادن آنها، انگیزه ای نمی شود تا دندانها گرفتار چنین آسیبی نشوند؛ زیرا خلط سودایی ترش کندکننده دندانها خواهد بود.

گاهی پدید آمدن از تراوش های تلخابی سپرز به معده است که تا دهانه معده آن را فرامی گیرد که بخار آن به بالا خواهد آمد و به سر و دهان خواهد رسید.

گاهی گمان برده می شود، آدمی دچار گونه ای از کندی دندان می شود که از ناتوانی عصب می باشد که هنگام جویدن رخ می دهد. کسانی که بر این باورند دندان احساس دارد پس باور دارند که می تواند در دندان گندی پدید می آید و این زانسوی باور پیشینیان می باشد.

درمان: درمان هر کدام زیر گروه های دو گروه بدین گونه است که هر گاه کندی دندان رخ دهد باید درمان آن با یکی از دو راه زیر انجام گیرد. (ج ۲، ۱۲)

گرم کردن: سرد شدن عصب را با داغ کردن آن از میان خواهند برد که به دنبال آن عصب باز و گسترده می شود

نرم کردن: نرم و روان کردن عصب تا حالت انقباضی پدید آمده در عصب از میان برود.

گرم کردن: با گرم کردن گندی دندان از میان خواهد رفت که این با داروهایی مانند عسل و ستر خواهد بود. عسل را بر رویش می مالند و دستور می دهند تا ستر را بجوند و یا روغن ناردین و یا اندکی پادزهر (تریاق) بر رویش می مالند و دستور می دهند تا با آب دریا و یا آب داغ دهان شویه کنند سپس با نمک و مانند آن دندانها را مالش دهند.

نرم کردن: با تخم اسفرزه و صمغ فارسی و گونه ای سبزی که به نام فرفریر شناخته می شود که همان خرفه می باشد که در روغن بنفشه خیسانده می شوند.

بهترین سبزی به کار رفته در این روش درمانی بقلة المباركة می باشد که آن را بجوند و دندان را با آن مالش دهند که گندی دندان را در جا از میان خواهد برد.

همچنین مالیدن نمک به آن، گندی آن را در جا از میان می برد.

هر دوی آنها راه‌های درست‌اند و هر دو گونه، روش درمانی ما هستند؛ زیرا نمک گرم‌ازا و بقلة المباركة نرم و نمودارکننده است.

اگر به جهت ناتوانی دندان و سستی عصب، درمان کندی دندان به دشواری انجام پذیرد، شیوه درمان کندی نخست با نیروبخشی دندان به وسیله داروهای یاد شده در بخش‌های گذشته برای آرام کردن درد دندان‌ها است، سپس از میان بردن کندی آنها خواهد بود.

اگر دندان‌ها بی‌انگیزه ویژه‌ای در بیشتر اوقات دچار کندی شوند، برای درمان آنها باید به خون‌گیری از رگ باسلیق زیربغلی و تهی‌سازی تن با پخته افتمون^۱ و دهان‌شویه کردن با ایاره روی آورد و از خوردن خوراکی‌های پست خودداری کنند.

گروهی از داروها از میان برنده کندی‌اند که دربرگیرنده: جویدن بادام شیرین، جویدن دانه محلب^۲ و جویدن گردو و مالش دادن دندان و پوشاندنش با پیاز دشتی بریان شده و جویدن خشخاش و جویدن سپرز بریان شده بز و زهره گاومیش می‌باشد.

روفس گوید: از داروهای درمان‌کننده کندی دندان، کاربرد پیوسته ایاره می‌باشد.

پیشینیان گفته‌اند: صمغ ساییده با برگ سداب و مالش دادن دندان با آن، کندی را در جا از میان خواهد برد.

گویند: اگر آب‌دهان کودکان به دندان‌کند شده بمالند، کندی آن را از میان خواهد برد. (ج ۲، ۱۳)

^۱ طبیح افتمون: هلیله سیاه ده درم، اسطوخودس ده درم، کشمش بی‌هسته ده درم، افتمون افریطی ده درم، به جز افتمون همه آنها را با سه رطل آب می‌پزند تا به وزن یک و نیم رطل برسد، سپس افتمون را روی آن می‌ریزند و از روی آتش برمی‌دارند تا سرد شود، سپس نرم می‌کنند و می‌پالیند. پس از آن غاریقون دوسوم درم و صبر یک درم و نمک هندی نیم درم و خربق سیاه یک چهارم درم را با شربت گلاب خمیر می‌کنند و پیش از سه ساعت از برگرفتن پختنی‌ها، آن را به کار می‌برند و پس از آن آن چه را پخته‌اند به اندازه‌ای که در ترکیب دارویی پیش از این گفته شد به کار می‌برند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۴۳۸)

^۲ محلب (Mihlab): *wildcherry prunus vitginiana Linn* (قاموس)

محب: درخت خنجرک، خار. دانه آن پیوند مریم. حب محلب نامیده می‌شود. سرد و خشک است بادشکن خوبی است و از شوینده‌ها است. درختی مانند بید با گلی سپید (بحر الجواهر، ۳۳۳؛ قرابادین، ۱۶۸؛ فردوس، ۳۹۷؛ اختیارات، ۴۰۹)

بیماری قادح (دگرگونی رنگ)

گونه‌ای بیماری است که در ریشه دندان پدید می‌آید و به دنبال آن دندان سبزرنگ می‌گردد و چیزی مانند سفالینه سبزرنگی است که رویش بسته می‌شود.

این بیماری تنها در ریشه دندان پدید می‌آید و گوشت میان دندان‌ها را تباه می‌سازد. این بیماری می‌تواند در جرگه بیماری‌های دندانانی باشد ولی ما آن را در بیماری‌های گوشت میان دندانانی نیز آورده‌ایم. انگیزه پیدایش آن بخار نموری‌های سفت و سنگین که دارای تندی است و گرمای آن اندک می‌باشد و نیرویش میانه نمی‌باشد.

اگر این بخارها بالا روند، بر روی زبان و لوزه‌ها و گوشت میان دندان‌ها و خود دندان‌ها می‌نشینند که با حرکت‌های گوناگون زبان و لب‌ها، از روی بیشتر این جاها برداشته می‌شوند، ولی آن چه بر روی ریشه دندان‌ها می‌باشد در طول زمان و با گرمای اندک و بیرون از حالت اعتدال سفت می‌شود؛ زیرا که زبان و لب‌ها نمی‌توانند روی چنین جاهایی اثر گذار باشند.

سبزی‌رنگ

انگیزه سبزرنگی آن، از آمیختن نموری با بخارهای تلخابی است.

نمونه آن: جایگاه‌هایی است که در آن آب و گل گردآمده و تابش خورشید بر آن کم باشد و جزو آبی آن کمتر از جزو گلی اش باشد، در آن جا چیزی سبزرنگ مانند جلبک پدید خواهد آمد.

اگر بخش آبی آن از بخش گلی بیشتر باشد، گرمایی آن‌ها اندکی بیشتر می‌شود، در آن جا سیاه‌رنگی رخ می‌نماید، همان گونه که در لجن و گل مردابی گندیده، دیده می‌شود.

هم‌چنین اگر بخش نموری آن بیشتر و حرارتش اندکی افزایش یابد، در ریشه دندان‌ها رنگ زرد که مانند زرداب می‌باشد، نمایان می‌شود و هنگامی که گرما افزایش یابد، رنگ زرد در لوزه‌ها و زبان کوچک و زبان نیز آشکار می‌شود.

اگر حرارت کاهش یابد، رنگ سیاه در زبان کوچک و زبان نمایان خواهد شد و آن چه را تا اینجا بازگو کردیم گواه دیده‌هایمان در دندان‌ها می‌باشد.

درمان: اگر قوانین خون‌گیری اجازت دهد، باید نخست به خون‌گیری از رگ قیفال و تهی‌سازی تن با پختهٔ افتمون و پس از آن حب ایاره روی آورند و میان پخته و حب ایاره هفت روز بگذارند و باید در اندیشهٔ درست برنامه‌ریزی کردن خوراک بیمار باشند و بخوردن چیزهای خشک‌کننده مانند تیهو و قلیه سوخته بسنده کنند و تخم‌مرغ نیمبرشت و زیربایی^۱ که عسل در آن آب کرده باشند به او دهند.

درمان دندان دچار دگرگونی رنگ شده‌اند، بدین گونه است که با آهنی آن‌ها را از دندان‌ها جدا می‌کنند و بخش‌های بیرونی و درونی آن‌ها را پاکسازی می‌نمایند، سپس به بیمار دستور می‌دهند که با آب جوشاندهٔ حسا دهان شویه کند و با سعد آن را ماساژ دهند و بر روی دندان عسل و قطران بمالند و بیمار را وادار می‌کنند تا با مویزک و عاقرقرا دهان را بشوید مگر آن که مزاج بیمار اجازت چنین کاری را ندهد.

هم‌چنین روغن مصطکی و مانند آن به بینی کشند مگر آن در گوشت میان دندان‌ها تباهی و گندیدگی باشد که باید آن تکه‌ها را با آهنی بردارند سپس با سبزی‌هایی مانند خرفه و تباشیر و آرد باقالی و کلم سوخته و گل‌سرخ و کفک دریا و نمک اندرانی و شکر تبرزد و شعر (مو) سوخته و خاکستر عود با اندازهٔ برابر بگیرند و نرم بسایند و الک کنند سپس با آن دندان‌ها و گوشت میان آن‌ها مالش می‌دهند و در پس آن با سرکه و گلاب و روغن گل‌سرخ دهان شویه کنند.

پختهٔ نمر هندی و هلیلهٔ زرد

اگر آن چه بر روی دندان‌ها پدیدآمده زردرنگ باشد، باید به بیمار پختهٔ نمر هندی و هلیلهٔ زرد بخوراند.

^۱ زیرباج: زیره‌با، خوراکی است برگرفته از سرکه و میوه‌های خشک که با زعفران خوشمزه‌تر شده و بر آن زیره افزوده شده و برخی شیرینی‌ها را نیز در آن می‌ریزند. (بحر الجواهر، ۱۹۱)

آش سرکه، آش زیره در مفید العلوم آمده واژه‌ای پارسی به معنی هم‌رنگ زیره و مروزه گونه‌ای شیرینی ساخته شده از شکر، بادام و سرکه است. در کتاب طبیب آمده که خوراکی از گوشت قیمه قیمه شده و آب و نخود پوست‌کنده و نمک هرگاه به جوش آمد به آن سرکه نارس (خل خمر) و شکر و بادام کوبیده و گلاب و کسفره (گشنیز) کوبیده می‌ریزند و می‌پزند تا همه خوب پخته شود. در معجم الوسیط گفته شده، خوراکی که از عسل و سرکه و پیاز و کدو بی گوشت ساخته می‌شود. (منصوری، برگردان ذاکر، ۸۱۷)

روش ساخت: هلیله زرد پاک شده پانزده درم و الیاف و دانهٔ تمر هندی پاک شده سی درم و ترانگبین پاک شده از خارهایش پانزده درم و بیست دانه آلودی بستی و از عناب به اندازهٔ آن و روغن زیتونی که هستهٔ آن جدا شده پانزده درم و ریشهٔ ساییدهٔ سوسن پنج درم برمی گیرند همگی را با چهار رطل کوچک آب به گونه‌ای می‌پزند که یک رطل آن به جا ماند، سپس آن را می‌پالایند و ده درم فلوس که شاخ و برگشان را جدا کرده‌اند، در آن له می‌کنند پس از آن دوباره می‌پالایند و هنگامی که نیمه‌گرم است، آن را می‌نوشند و از آن بر روی دندان می‌مالند و با دندان‌شویه‌هایی که بازگو کردیم، آن‌ها را مالش می‌دهند. هم‌چنین به بیمار دستور می‌دهند تا با سرکه و گلاب و روغن گل سرخ دهان‌شویه کنند.

اگر آنچه روی دندان نشسته سیاه رنگ باشد، باید درمان آن نیز ترکیبی از این دو درمان باشد. (ج ۲، ۱۴)

کشیدن دندان

این بخش گفتاری در بارهٔ دندان‌هایی است که کشیده شدنشان مورد نیاز شده است بی‌آن که اختلالی در حسگر آن‌ها پدیدآمده باشد. این بیماری بیشتر در کسانی دیده می‌شود که گرفتار بیماری افضیوس هستند و این همان تب لازم (دق) و یا سل می‌باشد و انگیزهٔ آن چیرگی خشکی می‌باشد.

درمان این بیماری که انگیزهٔ آن چیرگی خشکی است، همان درمان بیماری سل و تب دق می‌باشد. شانس پیروزی درمان بر پایهٔ حال بیمار استوار است.

اگر حال بیمار به خشکی و آب‌شدن برود، امید به بهبودی در ایشان دیده خواهد شد.

سودمندی بازگو کردن این آگاهی‌ها، برای آن است که دانش‌پژوهان بدانند این بیماری دندانی در ناخن‌ها نیز روی می‌دهند.

^۱ سُنُون: Tooth powder; dentifrice; tooth brush (قاموس)

سُنُون / سنونات. داروی ساییده برای شستشوی دندان‌ها تا درخشان، روشن و استوار بمانند. (بحر الجواهر ۲۱۲)
دندان‌شویه، شستشودهنده‌های دهان. هر درخشان‌کنندهٔ دندان. گرد دندان / پودر دندان استفاده پودر دندانی. (رنجبر، ۹۶)
سُنُونات: داروهایی است که انسان دندان‌های خود را با آن‌ها تمیز یا درمان می‌کند. (مفاتیح ۱۶۹)

گاهی این بیماری در کسانی که بیماری سل ندارند نیز پدید می‌آید که درمان آن پرهیز بیمار از خوراکی‌های تند و شور و از خوراکی‌های آب‌کننده و دوری از تهی‌سازی تن می‌باشد.

اگر بیمار خشکی و گرمی مزاج داشته باشد، باید تنها به نوشیدن آب جو بسنده کند و اگر مزاج هماهنگ و میانه شد، باید او را وادار بخوردن خوراکی‌های نمور و آش نرم (مزور) که از ماش و کدو و اسفناج و نان تریدشده در آب سرد، نان و آب باقالی و روغن بادام و نوشیدن شیر ماچه الاغ و شیر زن نمایید و باید شیر زنان را بر روی سر ایشان بدوشند.

هم‌چنین شیر زن دختر شیرده را به همراه روغن بنفشه و روغن نیلوفر و روغن کدو به بینی او بکشند.

اگر بیماری از خشکی و سردی آمیزه باشد، بیمار باید پرهیز از هر گونه خوراکی داشته باشد و تنها به خوردن پاچه بره^۱ گوسپند و بزغاله^۲ نر که با جو پوست‌کنده، خندروس^۱ و هلیم برگرفته از گوشت بره‌گان بسنده کنند و شراب سپید با آمیختگی بنوشند.

روغن خیری آسمان‌گونی به بینی کشند که این بهترین و میانه‌ترین گونه آن می‌باشد.

هم‌چنین باید او را از نزدیکی کردن باز دارند و خوراک او را ماهی‌هازبا خُردشده و با روغن بادام پخته‌شده، بگذارند و بر روی سرش داروی گذاشتنی و مالیدنی بگذارند که گزاره آن چنین است:

روش ساخت پانسمان: شیر بز و پنیرمایه بره‌گان را برمی‌گیرند و پانسمانی درست می‌کنند سپس سر را با آن پانسمان می‌کنند و بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با آب نیمه‌گرم و اندکی روغن خیری می‌نمایند و او را با تنقیه^۳ نمورکننده که پیش از این بازگو شد، تنقیه نمایند.

روش ساخت تنقیه: جو پوست‌کنده خُردشده و برگ خبازی و برگ اسفرزه و شاخه‌های چغندر از هر کدام یک دسته تودری و بوزیدان و خشخاش سپید از هر کدام یک کف، ماش خُرد شده یک کف، و پاچه بره‌گان و پاچه بزغاله‌گان؛ و یا کله بره و یا کله بزغاله را برمی‌گیرند همه را می‌کوبند و با شیر ماچه الاغ می‌آمیزند و به اندازه آن‌ها آب تازه می‌افزایند و همه را به گونه‌ای می‌پزند تا له شوند، سپس روغن روی آن را برمی‌دارند و از آب پالایش‌شده آن یک رطل کوچک برمی‌گیرند و سی درم از این

^۱ خندروس (مخزن، ۲۰۱)

روغن را به آن می‌افزایند و خوب هم می‌زنند تا آمیخته شوند که نرم و روان می‌کند سپس با آن بیمار را در هنگام ناشتا تنقیه می‌کنند و سه ساعت پس از تنقیه به او خوراکی‌های بازگو شده در گذشته را می‌دهند. (ج ۲، ۱۴)

هم‌چنین او را در آب‌زنی با آب نیمه‌گرم‌شده از جوشانده برگ خبازی و برگ بنفشه می‌نشانند و او را با موم و روغنی ساخته شده از بنفشه روغن‌مالی می‌کنند و به دستور می‌دهند تا هر شب و روز بر روی دندان‌ها از روغنی که گزاره می‌کنیم، بمالند.

روغن مالیدنی بر روی دندان

روش ساخت: سپیده‌آبکی تخم‌مرغ و روغن بنفشه و شیر زن و شیر ماچه الاغ را به یک اندازه برمی‌گیرند و در شیشه‌ای می‌گذارند و تکان می‌دهند تا درهم بیامیزند، سپس چندین بار هر شب و روز بر روی دندان‌ها می‌مالند و با آن دندان‌شویه می‌کنند.

سوراخ شدن دندان

انگیزه سوراخ شدن دندان‌ها تندی و خوردگی و کرم‌افتادگی در آن‌ها می‌باشد. در گذشته در باره سوراخ شدن دندان‌ها و این که نباید کرم‌ها به آن راه پیدا کند، بارها سخن گفته شد.

هم‌چنین دلایلی است که چگونه نگذارند کرم‌ها به دندان بروند.

می‌گویند: از آن جا که فک پایین پیوسته دارای جنبش و تکان هستند، این جنبش انگیزه‌ای می‌شود که دندان‌های آواره پایین از پیدایش کرم و انباشتگی خرده‌های خوراکی در آن‌ها دور بمانند. جویدن و له کردن خوراک با حرکت‌های فک پایین سبب می‌شود دندان‌های سوراخ‌شده بالا که حرکت ندارند و در تماس با فک پایین پر جنبش هستند، از خوراک له شده انباشته شوند.

هم‌چنین جویدن و خوردن خوراکی‌های گوناگون و خوراکی‌هایی که شور مزه‌اند و یا سرکه در ترکیب آن‌ها می‌باشد، از کرم‌افتادن در دندان‌ها جلوگیری می‌کنند. کارکرد آن‌ها بدین گونه است که فرورفتن هر چیز شور و ترش و تلخ به درون بخش سوراخ شده دندان، انگیزه‌ای می‌شود تا در آن جا کرم نیفتد و این محال می‌باشد، که در آن کرم پدید آید؛ زیرا رخداد عفونت در آن جا سبب می‌شود که دندان در هنگام جویدن حرکت داشته باشد؛ و یا چیزهای ترش و شور و یا جز آن بجز آن موجب از

میان رفتن عفونت نمی شود و این جایگاهی برای این گونه خوراکی ها نخواهد شد و زمینه برخورد دندان ها با ترشی و شوری پیدا نخواهد کرد و این بیشتر از خوراکی های ترش و تلخ و شوری است که از معده به روده ها می رود ولی بیشتر اوقات در زبان کوچک زرداب تلخی گرد می آید که از پیدایش گرفتگی در کیسه زردابی خواهد بود.

همچنین یاد شده است که جویدن چیز ترش و شور و حرکت دو فک هرگز از پیدایش کرم در دندان های آسیاب سوراخ شده، جلوگیری نخواهد کرد.

درمان: درمان آن پاکسازی گوشت میان دندان ها و تن و سر از آمیختگی های تباه شده و گندیده ای می باشد که مایه هر بیماری به جز بیماری های اندامی است که ما داروهای آن را در گذشته و در بخش دردهای دندانی با ریشه آمیختگی های پست، بازگو کرده ایم که این آمیختگی ها از سر به سوی گوشت میان دندان ها و یا با بالا آوردن از معده به بالا می آید که ما نیازی به آن مایه (بیماری زا) در اینجا نداریم.

دارو کِشنده و راننده کرم ها از درون دندان

اکنون گزاره ما در باره داروهای کِشنده و راننده کرم های گردآمده در سوراخ و جرم های فراگرفته پیرامون دندان ها می باشد.

روش ساخت (۱): یک جزو قطران و مُز دو برابر آن، خاکستر درمنه^۱ (شیخ) یک جزو برمی گیرند و با قطران می سرشند و در سوراخ دندان می گذارند که انگیزه کُشتن کرم های درون آن در همان دم می گردد.

همچنین زراوند گرد و ریشه گیاه پرسیاوشان و ترنج را برمی گیرند و همگی را می کوبند و به اندازه همه بر آن گردو می افزایند سپس با قطران می سرشند و بخشی از داروی به دست آمده را در بخش سوراخ شده دندان که در آن کرم افتاده، می گذارند. کاراترین دارو برای کشتن کرم های پدیدآمده در دندان خواهد بود.

^۱ شیخ (Shih): *Artimisia maritima* Linn; Warm Wood (قاموس)

درمنه، گونه ای گیاهی علفی که ترکی و ارمنی دارد. سرشتی گرم و خشک در مرتبت سوم دارد. آزاردهنده معده و راننده هر گونه کرم های سیستم گوارش و کرم کدو می باشد. اندازه خوراکی آن دو مثقال پخته شده آن می باشد. (بحر الجواهر، ۲۲۹)

نیرو و ارزش شیخ و قیصوم مانند مرماخوز است. درمنه در گرمی و خشکی برتری دارد و بیشتر است، کرم کدو را از شکم می راند. (فردوس ع،

روش ساخت (۲): درمنه، پرنک (برنج)، ترمس و مر با اندازه برابر از هر کدام برمی گیرند و با سرکه می جوشانند تا انبستگی سرکه بالا رود سپس از آن داروی آمیخته با سرکه درون بخش دارای خوردگی دندان می گذارند تا کرم‌ها را بگشود و سوراخ را از جرم‌های گیر کرده در آن پاکسازی نماید.

روش ساخت (۳): یک جزو نشادر و یک جزو مُرّ و دو جزو نمک و یک جزو خاکستر ... چرم برمی گیرند همگی را می کوبند و با سرکه و قطران و عسل می سرشند، سپس با آن دندان سوراخ شده پر می کنند که کرم‌های آن را خواهد کشت و جرم‌های درون آن را پاک خواهد کرد و پس از آن با سرکه و دانه آس دهان شویه کند و آن را مدتی در دهان نگاه دارد ... اگر با سرکه دهان را بشوید و سُعد را بجود از پیدایش کرم در دندان‌های پوسیده، جلوگیری خواهد کرد.

دو گونه دندان شویه سپید و سیاه

دندان شویه سپید

دندان شویه‌ای که به سپیدبودن شناخته می شود برای استوارکردن لثه شل شده و بندآوردن خون چکانی از لثه و نیروبخشی دندان‌ها خواهد بود و نیز بوی بد دهان را می زداید و دندان‌ها را از خوردگی و پوسیدگی و کشیده شدن می پاید و از سرازیر شدن خلط به گوشت میان دندان‌ها جلوگیری می کند. (ج ۲، ۱۵)

روش ساخت دندان شویه سپید: عاقرقرا، وج، کزمازک و سُعد از هر کدام شش درم، پوست انار، مازوی سبز، پوست کُندر، گلنار و گل سرخ از هر کدام سه درم، کفک دریا، نمک، زاگ یمانی ناب و خاکستر صدف که به صدف حلزون شناخته می شود، از هر کدام یک و نیم درم، فلفل سپید، مصطکی و چوب بلسان از هر کدام یک درم، لؤلؤ کوچک، بُسُند و خزف سپید چینی از هر کدام یک درم، خاکستر گیاهی که به فیلگوش شناخته می شود پنج درم. چنانچه این گیاه در دسترس نباشد پس ریشه سوسن چهار درم، شاخ گوزن، عاج فیل و هسته هلیله از هر کدام هفت درم، تباشیر و بزر البقله و نشاسته و کتیرا و خاکستر گشنیز و آرد عدس از هر کدام هفت درم برمی گیرند و همگی را می ساینند و با پارچه‌ای ابریشمین الک می کنند و دوباره برای ساییدن درون هاون می ریزند و الک می کنند و این کار را چندین بار انجام می دهند و الک کردن را با پارچه‌های ریز بافت ابریشمین انجام دهند، سپس اندکی کافور بر آن می افزایند تا خوشبو شود. این دندان شویه برای بهسازی دندان و گوشت‌های میان دندان‌های سودمند خواهد بود و دهان شویه کردن با آن و سرکه و سرشتنش با روغن زیتون و قطران و گذاشتن

آن سرشته بر دندان در هنگام نیاز و هنگام جنبان بودن دندان‌ها و یا در هنگام دردناک شدن دندان‌ها؛ و یا سست شدنشان به کار می‌رود.

این دارو همان دندان‌شویه‌ای است که ابوماهر آن را بساخت و ما بخشی از برداشته‌های خود را از گفتار جالینوس بر آن افزودیم و با آن نام دندان‌شویه سپید دادیم.

دندان‌شویه سیاه

روش ساخت دندان‌شویه سیاه: دندان‌شویه سیاه درست همان گونه سپید است که بر آن درمنه، ترمس، پرنک^۱، مُر، ریوند و کهربا از هر کدام یک جزو و از اجزاء سنون به اندازه میانه برمی‌گیرند، سپس با قطران و عسل و سرکه می‌سرشند و گیاهی را که به نیل شناخته می‌شود که گیاهی است در زمین گسترانیده می‌شود و دارای گره‌های فراوانی می‌باشد و شاخه‌های آن به گونه‌ای کشیده می‌شود که گمان می‌رود، نخ‌های تابیده گره‌داری هستند. دارای برگ‌های باریک و درازی می‌باشند. شاخه‌های آن گسترانیده می‌شود، و برگ‌های آن سوزنی دراز است. برگ‌های نزدیک به سر شاخه‌ها را در پاتیلی می‌گذارند و به اندازه نیمه پاتیل از برگ پر می‌کنند، سپس از این دارو که با قطران سرشته شده در میانه دیگ می‌گذارند و برگ‌های این گیاه رویش می‌فشرند تا دهانه دیگ از آن پر شود، سپس در دیگ را می‌گذارند و مهر و موم می‌کنند و در تنور و میانه داغی آن را می‌گذارند و در تنور را می‌بندند و یک شب رها می‌کنند و نیمروز فردایش دیگ را در می‌آورند و رها می‌کنند تا سرد شود. آن چه مانند خاکستر در دیگ می‌باشد در می‌آورند و نرم می‌سایند و اندکی مشک بر آن می‌افزایند تا خوشبو شود و آن را مانند گونه سپیدش به کار می‌برند و چون خاکستر در آن است، از گونه سپیدش نیرومندانه‌تر کارگر می‌افتد و در جا دندان را سپید می‌کند بی آن که روی گوشت میان دندانی اثر بدی داشته باشد.

^۱ برنج کابلی / *Bras; Biranj* / برنک کابلی (*Embelia (Birank kabul)*) *Embelia ribes Burm f.*; (قاموس)

«برنج کابلی به آن ابرنج با الف گویند و آن حب هندی به اندازه ماش است دایره‌های سیاه و سپید آن را فراگرفته و صاف و هموار و بی بو است. دارای اندکی تلخی می‌باشد و دو گونه کوچک و بزرگ دارد. بزرگ آن بالاآورنده است و در مرتبت یکم گرم و در دوم خشک می‌باشد. بهترین گونه آن گونه کوچک است که بلغم گرد آمده در بندها می‌برد و از روده‌ها می‌راند و کرم‌های بیرون می‌کند به ویژه کرم کدو که در این کار کارایی بالایی دارد. اندازه خوراکی آن سه تا ده گرم است. کار برد با شیر آن برای راندن کرم کدو می‌باشد. (بحر الجواهر، ۶۰)

کفک دریا و نمک و شکر بخش‌های برابر برمی‌گیرند و می‌سایند، سپس آن را روی دندان‌ها می‌کشند که انگیزه در جا سپیدکردن دندان‌ها می‌شود.

هر گاه درمان‌گر در گردآوری جزوهای ترکیب این دندان‌شویه خسته شود، پس می‌تواند آن چه را در دسترس دارد و به کار برد که برای همه بیماری‌های دندان‌ی و گوشت میان آن‌ها و دیگر بیمارها خوب است.

دندان‌های دارای طلقیه، ناخنک و گچ

دندان‌هایی که طلقیه، ناخنک و گچ بر آن‌ها پدید می‌آید: این بیماری شناخته شده‌ای است که در بخش حسی نمایان می‌شود و آن از نموری‌های آهکی و سفت‌شده‌ای است که در دندان پدید می‌آید، همان گونه که در بندها نمایان می‌شود که گاهی انگیزه ترک برداشتن دندان خواهد شد، همان گونه که در بندها رخ می‌دهد. این رای بر پایه دیدگاه جالینوس می‌باشد که می‌گوید: دندان پذیرای فزونی‌هایی است مانند آمیختگی تلخاب که به سوی آن سرازیر می‌شود. چنانچه دندان این فزونی‌ها را بپذیرد به رنگ بادمجان در می‌آید و اگر آمیختگی شیشه‌ای را به خود بپذیرد، به رنگ صدف و آسمانی؛ و یا کدر در می‌آید و با پذیرش زرداب به رنگ زرد در می‌آید.

اگر این نموری‌ها در دندان آهکی و سفت شوند به گونه ناخنکی و یا طلقی در می‌آید.

درمان: تهی‌سازی بیمار تا آنجا که بتواند با پخته‌افتیمون و پس از آن حب ایاره سپس اگر مزاج او توان پذیرش آن را داشته باشد، دهان‌شویه کردن با مویزک و عاقرقرحا خوب است سپس باید به بررسی بیماری پرداخت که آیا در همه دندان‌ها دیده می‌شود و یا در اولی آن می‌باشد پس اگر در همه دندان‌ها باشد، باید بر روی دندان پانسمانی بگذارند و آن را از مسیر هوا و نوشیدن آب سرد و یا از ریختن چیزی سرد بر روی آن دور نگاه دارند.

اگر کناره دندان دنده‌دار و دالبر شکل مانند سوهان شود که تباهی و زردی بیخ دندان خواهد شد و با بودن چنین بیماری در هر دندان‌ی، انگیزه خردشدن آن دندان می‌گردد. پیدایش چنین حالت بر دندان مانند ناخنکی خواهد بود که از سخت کشیدن سوهان دندان به نظر می‌آید که گاهی آن دندان به دنبال چنین پیامدی شکسته می‌شود و این سردشدگی و یخ‌زدگی‌اش به اندازه‌ای خواهد بود که چیزی مانند شن‌ریزه و گچی شدن در آن پیدا می‌شود و به جاهای سرد نیز کشیده می‌شود.

گزاره پانسمان: گزاره داروی گذاشتنی بر روی دندان‌های که همه بخش‌های آن گرفتار چنین آسیبی شده است. پیه اردک، پیه مرغ، پیه مرغابی و پیه هوبره را آب می‌کنند و به اندازه همه آب‌شده‌ها روغن خیری بر آن می‌افزایند، سپس بخشی از آن را با موم پالایش شده و اندکی زوفای تازه و اندکی شیرابه گندم می‌افزایند.

شیوه به دست آوردن شیرابه گندم چنین است که آب روی گندم می‌ریزند و می‌گذارند تا آب به خود بگیرد و ری کند، سپس همه را می‌فشرند و شیرابه‌ای مانند شیر با انبستگی بالا از آن به دست می‌آید که بر داروهای گذشته می‌ریزند و می‌پزند سپس از داروی به دست آمده چند لایه بر روی دندان دچار این بیماری شده می‌گذارند و به بیمار دستور می‌دهند که دندان را تا چهل روز از برخورد با هوا دور سازد و این انگیزه خوب شدن آن دندان می‌گردد، ولی اگر بیمار کودک باشد و یا دندان جنبان باشد، باید گذاشتن دارو بر روی آن دندان ده روز انجام داده شود.

جرمگیری دستی

گاهی این آسیب بر سطح دندان روی می‌دهد که باید آن را با شیشه؛ و یا ابزاری آهنین تراشند که آن وسیله‌ای است، استخوان بیمار شده را با آن می‌تراشند تا به بخش درست آن به برسند و این کار را در دندان‌ها نباید به سختی انجام گیرد که آن‌ها نازک خواهد کرد و انگیزه ناتوان شدن دندان‌ها می‌گردد و به دنبال آن کارکردشان سست خواهد شد. آن چه برای درمان لایه گچی پیدا شده بر روی دندان نام می‌برند، مالیدن و مالش دادن پیوسته خون حشاف و خاکستر پوست مار روی دندان می‌باشد. بومیان بصره خردل و شراب را برای درمان این گونه بیماری به کار می‌برند. (ج ۲، ۱۷)

بوی بد دهان

تباهی گوشت میان دندان‌ها

ده گونه بیماری در گوشت میان دندان‌های پدید می‌آید که همگی آن‌ها را و یا هر کدامشان در بخش بوی بد دهان و تباهی گوشت میانی دندان‌های و جایی که نموری‌های تند و تیز و گندیده از سر تا گوشت میان دندان‌های کشیده می‌شود و انگیزه گندیدگی و بوی بد و جایگزین شدن در ریشه دندان‌ها و پیرامون آن می‌گردد را بازگو خواهیم کرد و این نسبت گاهی افزایش؛ و یا کاهش

می‌یابد و بستگی به نسبت فاکتورکننده آن دارد. از این رو، ما را آن را بوی بد دهان نام‌گذاری می‌کنیم و نشانه آن چنین است که اگر دارنده‌اش با چیزهایی که دارای مزه شور و یا ترش دهان‌شویه کند، نموری‌های لزج و چسبنده در گوشه دهان گردد می‌آید و دارای بوی بد خواهد بود و این بوی بد دهان هرگز بند نخواهد آمد، هر چند که خوراکی را بخورد؛ زیرا که بیماری در پیرامون عصبی رخنه کرده است که آن عصب وابسته دندان می‌باشد و این آسیب سبب می‌شود تا داروی دهان‌شویه‌ای، آسان به جایگاه خواسته شده‌اش برسد.

درمان: نخست بررسی مزاج بیمار و نیروی او و یافتن انگیزه به گندکشدن نموری در شکمچه‌های مغزی است و به دنبال آن جلوگیری از پدیدآمدن چنین فرآیندی می‌باشد.

ما در راستای درمان این بیماری، راه‌بردهای فراگیر را یاد خواهیم کرد تا هر درمان‌گری گونه‌درمانی خود را بر پایه‌نیازش برگزیند. هم‌چنین آگاهی بسنده از مزاج بیمار و دندان او و نیرویش داشته باشد و این که باید در اندیشه خون‌گیری از دورگ قیفال و برنامه‌ریزی برای گزینش بهترین و سبک‌ترین گونه خوراک برای بیمار باشد.

هم‌چنین از خوردن خوراکی‌های سنگین و گندیده‌شدنی مانند گوشت گاو و نمکسود و شکار و هر گونه شیرینی پرهیز کند و اگر نتواند بر چنین پرهیزی بردباری داشته باشد، می‌تواند، شیرینی‌ها را با شکر سپید بخورد و پس از خوردن به دهان‌شویه کردن با جوشانده سرکه و جام (گل) آس و یا جوشانده سرکه و آس سپید و افشره انگور روی آورد.

باید بیمار از خوردن به تنهایی گل دوری ورزد؛ زیرا گل بدترین و تباه‌کننده‌ترین چیزی است که گوشت میان دندان‌ها را تباه می‌سازد سپس باید به تهی‌سازی تن با پخته‌افتیمون روی آورد، سپس سر بیمار را با حب صبر؛ و یا حب ایاره؛ و یا با هر دو اگر توان بیمار اجازت دهد و در تن بیمار فزونی باشد، تهی‌سازی نمایند سپس به بیمار دستور دهند تا با گزاره یادشده ما در زیر، دهان‌شویه کند. (ج ۲، ۱۷)

گزاره دهان‌شویه: دانه آس سپید و جام آن و پوسته ریشه کبر، زوفای سعتری، سعتر فارسی، پوست درخت توت، کزمازک، عاقرقرحا و فلفل سپید را با اندازه برابر برمی‌گیرند و می‌سایند و بر آن سرکه کهنه به اندازه‌ای بریزند تا همه آن‌ها فراگیرد، سپس اگر تابستان باشد، ده روز و اگر زمستان باشد، بیست روز در برابر خورشید نگاه دارند تا سرکه به خورد داروها رود و انبستگی آن‌ها بالا رود و می‌گذارند تا داروها خشک شوند سپس دوباره داروها در هاونی ساییده می‌شوند و بر آن اندکی زاگ

یمانی ناب و اندکی نوشادر می‌ریزند و داروها را در سرکه نگاه می‌دارند و یا به اندازه‌ای که هر روز نیاز دارند با سرکه می‌آمیزند و با آن خوب و به اندازه دهان‌شویه می‌کنند تا دارو به سوراخ پدیدآمده در دندان برسد.

اگر مزاج گوشت میان‌دندانی به گرمی بگراید، بیمار باید با آب سرد و روغن گل سرخ دهان‌شویه کند. درمان تا بند آمدن و زدودن بوی بد دهان، باید به همین شیوه انجام پذیرد.

اگر بیمار نیازمند، تهی‌سازی بسیار تن باشد و نیرویش نیز چنین اجازتی بدهد، باید برای او انجام‌داده شود. از کارهای درمانی سودمند برای این گونه بوی بد دهان به کاربردن خوشبوکننده‌ها می‌باشد. (ج ۲، ۱۸)

بوی بد دهان با همکاری معده

انگیزه این بیماری افزون بر نموری‌های تباه‌شده و گندیده در معده، نموری‌های گوشت میان‌دندانی نیز می‌باشد که به سوی دهانه معده می‌رود پس نموری‌های دهان که به مری می‌رود و از مری دوباره به دهان باز می‌گردد و بوی دهان را دگرگون می‌سازد و گاهی انگیزه تباهی گوشت میان‌دندانی می‌گردد.

نشانه: نشانه این گونه بیماری آن است که با خوردن؛ و یا نخوردن خوراک و با شستن و ناشستن دهان بوی بد آن زدوده نخواهد شد.

درمان: نخست بررسی مزاج بیمار است. اگر مزاج بیمار به نموری می‌گراید، باید به تهی‌سازی او با پخته افتمون پرداخت سپس ده روز به او آب ریشه‌ها^۱ با ایاره نوشانید تا آن که آگاه شوید خلط او آبکی شده است که در چنین هنگامی باید سه اندازه خوراکی به او از این شراب، بنوشانید.

^۱ ماء الأصول: آب ریشه‌ها: برای فلج‌شدگان و کسانی گرفتار کژدهانی و سرع و گرفتگی اندام‌ها (تشنج) و سکنه و دیگر بیماری‌های بلغمی شده‌اند، سودمند می‌باشد. که گزاره یکی از چند گونه آن با گزاره حنین و کامل الصناعة اهوازی و قرابادین امین الدوله و ذخیره ثابت فرزند قره برابر است. روش ساخت آن: پوست بیخ رازیانه و بیخ کرفس و اذخر از هر کدام ده درم، تخم کرفس، انیسون و رازیانه از هر کدام چهار درم، مصطکی و سنبل الطیب، جنطیانا و شکوفه اذخر از هر یک دو و نیم درم، تخم بلسان و اسارون از هر کدام دو درم، عود، بلسان، سلیخه، سپند و

گزاره شراب: گل افسنتین رومی به تنهایی پنج درم، مصطکی دو درم، افشره سوسن یک و نیم درم، صبر اسقوطری ناب به اندازه دیگر داروها و سه درم گونه انطاکی آن که در سیب گذاشته شده و بریان کرده اند را برمی گیرند و همگی را می ساینند و با آب ترنج (اترج) می سرشند و از آن به اندازه فلفل حب می سازند.

اندازه کاربردی آن سه درم از گرد آن می باشد و رژیم خورش اسپیدبا بگیرد و زمان کاربرد آن دو ساعت مانده به شب خواهد بود.

خوراک او پس از گذران دارو درمانی باید زیربا؛ یا آش زیره و پاچه بره و بزغاله نر باشد.

اگر مزاج و توان بیمار یاری دهد، باید این دارو سه بار در مدت یک ماه نوشیده شود سپس روزانه سه بار با دندان شویبه سیاه که در بخش پاییدن دندانها که همان باب پانزدهم این گفتار آمده است، با سرکه درهم بیامیزند، دندانها را بشویند که انگیزه ای می شود تا گوشت میان دندانها از پذیرش این بخارها باز داشته می شود و لتهها را استوار می کند و دندانها را نیرومند می سازد و دهان را خوشبو می نماید.

سرشته زیر را برای پاکسازی معده این گونه بیماران می سازند.

روش ساخت: هلیله سیاه، کابلی و زرد، بلبله، آمله و شیر آمله از هر کدام ده درم، دانه آس سپید پاک شده و کندر نر از هر کدام پنج درم، سعد کوفه، مصطکی و عود صنفی از هر کدام سه درم، قافله کوچک، اشنه^۱ و سنبل از هر کدام دو درم، گل سرخ،

بوزیدان و نانخواه از هر یک سه درم، مویز بی دانه دو درم بگیرند و همه را در چهار رطل آب بجوشانند تا اندازه آن به یک چهارم برسد سپس آن را بیالیند و هر روز سی مثقال با روغن بادام شیرین و تلخ و روغن بیدانجیر (کرچک) و سرشتههایی که برای بیماریهای یاد شده بالا سازگار است، بنوشند. و چند گونه دیگر آن در کتاب (تحفه ۳۴۱-۳۴۲). نک ← فرابادین ۱۱۸۸ تا ۱۱۹۰

^۱ - **آشنه** () : برگهای نازکی است که به دور درخت بلوط و صنوبر و گردو می پیچد دارای بویی خوش می باشد و آن میانه در سردی و گرمی است. برخی گفته اند گرم و خشک در مرتبت یکم است. گویند سرشت خود را از درخت میزبان می گیرد که بر آن می روید. نیرو بخش معده و اندامهای چشم و آرام کننده درد جگر می باشد. در برخی سرزمینها آن را با آب در هاون می ساینند و با آن نان می پزند. پارسی آن، الک و دولک می باشد. (بحر الجواهر ۲۴) اشنان، سرد و بندآورنده است. (فردوس ۳۹۷)

سعتر، برگ نعنا، برگ بادرنگبویه و برگ ترنج از هر کدام چهار درم، زعفران یک درم برمی‌گیرند و همگی را نرم می‌کوبند و با کشمش هسته گرفته از شهر طایف می‌سرشند. (ج ۲، ۱۸)

برخی از همکاران ما بر این سرشته، تخم خیار و تخم خیارشنب و تخم خربزه می‌افزایند.

اگر انگیزه بازدارنده‌ای در بیمار نباشد، بیمار می‌تواند، روزانه یک بار به وزن یک درم از این سرشته را بخورد.

بهترین گونه کار بردی آن خوب جویدنش است که برای گوشت میان‌دندانی کارساز و نیروبخش دندان‌ها خواهد بود.

گاهی کارایی این سرشته به همراه پرهیز خوراکی و قرصی که برای خوشبوکردن دهان خورده می‌شود و افزودن دو دانگ مقل و یک درم اشنه و یک درم پسپاسه و نیم درم فوفل و زیره کرمانی و آرد گندر از هر کدام نیم درم و سُک به وزن سه حبه برگیرند و همگی را بسایند و به شراب کهنه بسرشند و از آن قرص‌های پهنی بسازند از دیگر درمان‌ها، کارآمدتر خواهد بود که آن قرص را بجوند و یا زیر زبان بگذارند. (ج ۲، ۱۹)

بوی بد دهان از گندیدگی گوشت میان‌دندانی

بوی بد دهان از تباهی و گندیدگی گوشت میان‌دندانی به همراه خون آمدن از ریشه دندان: انگیزه‌های پدیدآمدن این بیماری، همان‌های هستند که یاد آن‌ها در گذشته آمده است جز این که دو گونه می‌باشد.

همواره گوشت میان‌دندانی به جهت نموری‌های تند و تیز دچار گندیدگی و تباهی می‌شود.

درمان: باید به پاک‌سازی تن بیمار به خون‌گیری و تهی‌سازی تن و پاییدن مزاج و نیروی بیمار روی آورد و همواره باید برخورد نرمجویانه با بیمار با برنامه‌ریزی درست خوراکی داشته باشیم و اگر بیمار بتواند بر خوراکی‌های کم ارزش بسنده کند مانند خوراکی که برگرفته از سماق و آب غوره و زرشک خوب است.

هم‌چنین دستور داده می‌شود که چندین بار با جوشانده سرکه تند و تیز و آس و گُلنار دهان‌شویه کند.

اگر خون بند نیاید، باید به خون‌گیری از چهاروک (چهار رگ) و بادکش گذاشتن، روی آورد.

درمان دیگر: آن درمانی کارساز برای بهبود گوشت میان‌دندانی گندیده و خونریزی از آن و دگرگون‌شدن بوی دهان می‌باشد.

هم‌چنین برای همه بیماری‌های پدیدآمده در دهان به ویژه با تباهی گوشت و دگرگونی بوی دهان، سودمند می‌باشد. دستور داده می‌شود که خیار و یا خیارشبر را در سرکه بخوابانند، سپس از هر چه کهنه‌تر و تندتر که در سرکه خوابانده، به دهان ببرند و بجوند و دمی در دهان نگاه دارند تا آب شود و دوباره این کار را انجام می‌دهند تا خون تازه از میان دندان‌ها روان شود پس از آن داروی زیر را در دهان بچرخانند.

دهان‌شویه: زاگ یمانی و نمک سوخته و افاقیا و مُرّ به اندازه برابر برمی‌گیرند و با پوست ریشه کبر در سرکه می‌جوشانند سپس چندین بار با آن سرکه جوشانده دهان‌شویه می‌نمایند تا گوشت‌های میان‌دندانی دردناک شوند که در این هنگام دیگر دهان‌شویه انجام نخواهد شد و به دنبال آن ریشه دندان‌ها به روغن گل سرخ آغشته خواهد گشت و از آن روغن بخشی را دمی در دهان تا آرام گرفتن درد، نگاه خواهند داشت سپس بیمار را یک روز در آرامش می‌گذارند و از روز پسین آن درمان را دوباره دنبال خواهند کرد تا گندیدگی‌ها پاکسازی شوند و گوشت تازه و سرخ رنگ دوباره روییده شود. اگر این دارو کارآمد نبود، باید داروی قلقدیون به کار گرفته شود که گزاره آن چنین است.

داروی قلقدیون

گزاره آن: نوره آب نخورده سه درم، زاگ یمانی ناب دو درم، نمک اندرانی سوخته یک و نیم درم، افاقیا یک و نیم درم، مُرّ صافی سه درم، زرنیخ سرخ و زرد از هر کدام دو و نیم درم، نشادر دوسوم درم، همگی را برمی‌گیرند و نرم می‌سایند، سپس با آس کهنه می‌آمیزند و بر روی زخم تازه می‌مالند تا خشک شود و بخشی از آن را قورت می‌دهند.

هم‌چنین بخشی از آن را برای روز مبدا نگاه می‌دارند. دارو را می‌سایند، سپس تکه‌ای پارچه کتان دور انگشت می‌پیچند و آن انگشت و پارچه را در سرکه کهنه فرومی‌کنند پس از آن به درون داروی ساییده شده می‌برند و با آن انگشت گوشت میانی دندان‌ها را از درون و بیرون به نرمی مالش می‌دهند تا آن گوشت‌ها خون‌چکان شوند، پس از آن با جوشانده سرکه شاخ و برگ آس و روغن گل سرخ دهان‌شویه نمایند و یک؛ و یا دو روز دارو درمانی کنار گذاشته می‌شود و چنانچه دوباره نیاز شود، آن را به کار می‌برند سپس به شیوه درمانی گوشت‌های میان‌دندانی گندیده و تباه شده روی می‌آورند.

اگر بیماری گوشت میان‌دندانی درمان نشود و بیماری به جا بماند، باید آن گوشت را از درون و بیرون شکاف داد تا خون گندیده گیر کرده در آن، روان شود و پس از آن او را وادار به دهان‌شویه کردن با جوشانده آس نمایند.

اگر دیده شود که حساسیت از چیزهای گرم و بندآورنده (قابض) در آن‌ها دیده شود، باید آب تاجریزی و برگ و ریشه‌اش را بگیرند و با سرکه بجوشانند و با آن دهان‌شویه کنند و در دهان مدتی نگاه دارند و اگر به آن گلاب بیفزایند کارا تر خواهد بود. (ج ۲، ۱۹)

ناسور پدیدآمده در گوشت میان دندانی

سخن از ناسوری است که به دنبال به درازا کشیده شدن دوره خونریزی از گوشت میان دندانی و به جاماندن دوران گندیدگی و یا رخداد نادرستی در شیوه درمانی آن گوشت، زمینه پیدایش چنین آسیب و ناسوری در گوشت میان دندانی می‌گردد. هم‌چنین به دنبال به درازا کشیده شدن دوران ماندگاری یک زخم و بد انجام گرفتن درمان آن، این گونه آسیب در هر اندامی نمایان خواهد شد.

هم‌چنین اگر درمان‌گر ناتوان از درمان شود و یا بیمار در شهری با آب و هوای بد زندگی کند؛ و یا خود آدمی برنامه نادرست خوراکی و نوشیدنی داشته باشد، همگی کمک‌کننده برای پدیدآمدن ناسور (در هر اندامی) می‌گردد.

درمان: با پیدایش چنین آسیبی در گوشت میان دندانی، اگر تن بیمار نیاز داشته باشد که گزاره این نیاز، دچار انباشتگی بودن تن خواهد بود که در چنین هنگامی باید به تهی‌سازی و پاک‌سازی تن بیمار روی آورند و این که بیمار توانایی انجام تهی‌سازی را از نظر نیرومندی او و زمان انجام کار را داشته باشد و بهترین دارو برای انجام آن، پخته افیمون سپس حب صبر می‌باشد.

همواره پس از انجام تهی‌سازی باید در اندیشه پرهیز بیمار از خوردن خوراکی‌های سنگین است و تا آن جا که بتواند، دوری از مزورات است و هر آینه کاهش نیرو نمایان شود، باید به خوردن تیهو و کبک و جوجه روی آورد مگر آن که بیمار از آن دسته افرادی باشد که پیوسته به خوردن گوشت سنگین خو گرفته باشد. از این‌رو، باید به خوردن خوراکی‌های نیروزاتر از تیهو، مانند گوشت گردن بزغاله و بره و آش زیره و خوراکی از غوره (حصرمیه) اقدام کنند.

اگر از خوردن یاد شده‌ها سودی برده نشود و خواستار خوراکی نیرومندتر باشد، باید به او خوراکی‌های بریان شده، بدهند. اگر ناسور ساده و در آغاز پیدایش آن باشد، باید داروی زیر را به او بدهند:

گزاره دارو: یک درم ایرسا که همان سوسن آسمانگونی است و دو دانگ اشنان سبز و یک دانگ خربق سیاه و از گُلنار و گُل سرخ و تخمش از هر کدام یک درم، دردی خشک شده شراب و زغال بلوط و خاکستر قیصوم^۱ از هر کدام نیم درم برمی گیرند و به کار می‌برند.

درمان گر باید هشیار باشد تا این دارو به بخش‌های بالای آن (گوشت میان دندانی) نرود تا آسیبی به ریشه دندان نزدیک به آن نرسد و آب‌دهان گردآمده را از آن دور سازند و درمان را تا هنگامی که گوشت خون‌چکان شود، دنبال کنند، سپس دهان را خوب با سرکه بشویند و روی جایگاه روغن گُل سرخ بمالند و پس از آن هر روز با دندان‌شویه سیاه که در پایان بخش هفتم این گفتار آمده است و آن را با سرکه آمیخته‌اند، دهان و دندان‌ها را بشویند. هم‌چنین سرکه و روغن گُل سرخ را در دهان بچرخانند.

اگر بیمار بخواهد داروی یاد شده ما را در درمان ناسور به کار برد، باید دندان‌ها و دیگر گوشت‌های میان دندانی به جز جایگاه ناسور را با روغن گُل سرخ بپوشاند و دارویی که یاد کردیم را بر روی آن بپاشد و آن چه از بزاق در دهان بیمار گرد می‌آید، قورت داده ندهد؛ زیرا که برای انجام کار بلع نیاز به همه بخش‌های کام و گلو و باز کردن مری و نیروی کشنده به معده می‌باشد که این نیرو تنها در بخش دهانه معده در هنگام خواب از کار می‌افتد، ولی دیگر نیروهای سرشتی در هنگام خواب نیرومندتر می‌شوند.

گاهی برای درمان بیماری پدیدآمده در گوشت میان دندانی، ما نیازمند کشیدن آن دندانی خواهیم بود که در جایگاه ناسور می‌باشد پس از آن به کار بردن داروی تند و تیز و پس از آن درمان جایگاه با مرهم‌های ویژه آن درمان دنبال خواهد شد. من این

^۱ قیصوم (Qaisūm) گیاهی است بر دو گونه نر و ماده با برگ‌های سودمند دارای شکوفه‌ای زرین و بسیار تلخ با برگ‌هایی همچون برگ سداب و میوه همانند دانه آس و بسیار خوشبو که در درمان‌ها به کار می‌رود. (اقراب‌الموارد)

گونه‌ای برنجاسف کوهی است. دارای سرشتی گرم در مرتبت یکم و خشک در دوم و یا سوم است. برخی گویند نمور در اول است. جالینوس گوید: گل آن بهتر از افسنتین است. برای درمان ریزش مو و درد سیاتیک دیرپا و ریزاندن خون ماهانه و سنگ و سختی پیشاب‌کردن و نیش کزدم و رتیل خوب می‌باشد. اندازه خوراکی آن یک مثقال تا ده درم است. قیصوم: برنجاسف، میانه در گرمی است و لطیف می‌باشد. (فردوس‌ع، ۴۰۲؛ اختیارات، ۳۶۱)

حالت را یک بار در کسی دیدم از سرزمین اهواز بود که با کشیدن سه دندان و گذاشتن داروی تند وتیز و پس از آن درمان با برخی مرهم‌ها، به خوبی بهبود یافت.

داروهای خورنده در بیشتر موارد بهبوددهندهٔ این بیماری خواهند بود که ما آن‌ها را در بخش خودش بازگو خواهیم کرد.

سرخی (حمره) گوشت میان دندانی

سرخی (حمره) پدیدآمده در گوشت میان دندانی: این گونه بیماری در هر اندام تن پدید می‌آید که از ریزش صفرا و خون به هر اندامی خواهد بود، چنانچه به ژرفای آن اندام برود به آن فلغمونی^۱ گویند.

اگر در لایه‌های رویین اندام جاگیر شود آن را سرخی نامند که درد بسیار و سوزش و آماس در گوشت دندانی پدید می‌آید. گاهی چنین آماسی در زبان کوچک رخ می‌نماید که درمان گران کارآموده به آن سرخی در زبان کوچک نام می‌نهند. ایشان انگیزهٔ نام‌گذاری خود را چنین بازگو می‌کنند که با انگشت زدن به آن، خون در جای برخورد، گیر خواهد کرد و با دورکردن دست از آن، دوباره خونریزی آغاز خواهد شد و دلیل دیگر آن، چنانچه هر چیز سرد به کار برد، درد در جا آرام خواهد گرفت.

درمان: اگر هیچ انگیزهٔ بازدارندهٔ سرشتی فرد؛ و یا هوا؛ و یا سرزمین نباشد، باید از دو رگ قیفال بیمار خون گرفته شود و پس از آن به تهی‌سازی تن با پخته‌ای روی آورند که در زیر گزاره آن آمده است. (ج ۲، ۲۰)

^۱ - فلغمونی: *Phlegmon* - *phlegmonia* گونه‌ای آماس است. فلغمونی، آماس خونی است. پیشینیان دانش پزشکی آن را بر هر گونه آماس گرم نام نهاده‌اند پس از بر این باور شده‌اند که تنها آماس خونی را نام نهند. (ذخیره) همان آماس خونی است که در پوست پدید می‌آید. همان آماس خونی است که در مغز می‌روید. (بحر الجواهر ۲۸۶)

پخته تهی ساز تن

گزارهٔ آن: هلیلهٔ زرد پاک شده سی درم و تمر هندی پاک شده از الیاف و هسته، پنجاه درم، سی دانه آلو، سی دانه عناب، از تخم کشوت^۱ و تخم کاسنی از هر کدام هفت درم و یک کف گشنیز خشک و یک دسته برگ تازهٔ تاجریزی و یک کف دست بزرگ توت شامی خشک و ترانگبین بیست درم برمی گیرند و همه را با چهار رطل کوچک آب می زند تا یک و یک چهارم آن به جا ماند، سپس آن را می فشردند و می پالایند و در آن پانزده درم فلوس از هسته و شاخ و برگ جدا شده له می نمایند و دوباره می پالایند.

داروی آماده شده را به گونهٔ نیمه گرم به کار می برند، سپس گوشت میان دندانی را شکاف منظمی می دهند. اندازهٔ به ژرفا بردن شکاف بر پایهٔ اندازهٔ بیماری آن خواهد بود، پس از آن با جوشاندهٔ سرکه، آس، ریشهٔ تاجریزی، جرادهٔ القرع و خیار ترش که در پایان گل مختوم به آن افزوده باشند، دهان را شستشو دهند که انگیزهٔ آرام کردن درد خواهد شد. بیمار نباید به خوردن مزورات ساخته شده با آب غوره؛ و یا برگرفته از عدس پوست کنده و سرکه روی آورد. اگر این بیماری به ژرفا رخنه نکند با این روش درمانی به زودی بهبود خواهد یافت و اگر گسترده و خون چکان و گندیده و بد بو شود، آن را به شیوهٔ درمانی که در بخش لته بازگو کرده ایم، باید درمان کنند.

^۱ کشوت: آمیخته‌ای از تلخی و گسی و گرمی است به گونه‌ای که سردی کمی بر آن چیرگی دارد و خشکی نیز در آن دیده می‌شود. نیرو بخش جگر و از میان برندهٔ بیماری زردی و سودمند برای تب‌های کهنه است. (فردوس ع، ۳۸۰)

کشوت گیاهی است مانند ریسمان باریک بی برگ و ساق و مایل به زردی و تیرگی و بر خارها و گیاه‌ها می تند و گلش ریزه و مایل به سفیدی و تخم او کوچکتر از ترب و مایل به تند و زردی و در اول گرم و در دوم خشک است و مفتوح سده احشاء و مدرّ بول و حیض و شیر و عرق و مقوی معده و جگر و رافع فضلات متعفن عروق و ملین طبع بوده و جهت تب‌های کهنه و برفان و تنقیه بدن و ربو و خنّاق و معص و ضعف معده و جگر و سپرز و ریاح آن نافع و آب او با سکنجبین مسهل صفرا و مطبوخ او در تفتیح و خیسانیده او در اسهال قوی تر و شربت از آب او دو وقیه و از جرم او در مطبوخات پانزده درهم است و مغثی و مصلحش کتیرا و تخم او در افعال قوی تر از سایر اجزاء آن باشد و ضماد او جهت جرب و نقرس مفید و بوداده او قابض و قدر شربتش دو درهم و گویند مضرّ سپرز است و مصلحش سکنجبین و مضرّ ریه و مصلحش کاسنی و بدلش بادروج و دو ثلث او افسنتین است. (تحفه، ۲۲۱)

زخم‌های دردناک دهانی

سخن در بارهٔ سوزن‌های پیدا شده در دهان می‌باشد که آن‌ها از خون تند و تیز است که با صفرا آمیخته شده است. دمای آن بالا می‌رود و بسیار دردناک خواهد بود و گاهی انگیزهٔ بازداشتن آدمی از جویدن خواهد شد. درمان گران آن را سوزن‌های آماسی خونی و گاهی فلگمونی نام‌گذاری می‌کنند. **درمان:** پرهیز خوراکی بیمار و خون‌گیری از رگ قیفال است.

گاهی خون‌گیری‌های پی‌درپی و به دنبال آن تهی‌سازی تن او با پختهٔ هلیلهٔ زرد است که گزارهٔ آن در بخش بیستم آمد سپس وادار به دهان‌شویه کردن چندین باره با جوشاندهٔ سرکه، عصاالرعی، برگ و ریشهٔ تاجریزی، برگ و ریشهٔ کاسنی، عدس و گشنیز خشک نماید. (ج ۲، ۲۱)

اگر درد و سرخی آن فرونشست و دیگر پراکنده و پوسته‌پوسته نشود و آن را فرانگیرد. و این پوسته مانند پردهٔ قرارگرفته روی کام و زبان است که باید آن را به خوبی شکاف بدهند و با این سرکه دهان را بشویند، بی‌گمان بهبود خواهد یافت و سر باز خواهد کرد.

آماس و سستی گوشت میان دندانی

گوشت میان دندانی سست و آماسیده: اگر گوشت میان دندانی آماسیده و سست و شل شود و از سطح دندان بیرون زند، درمان گران به آن آویزان (جدا) شدن گوشت میان دندانی می‌گویند.

این بیماری با سه انگیزه پدید می‌آید:

انگیزهٔ نخست سستی است که به دنبال سرازیر شدن نموری‌های به بافت‌های پیرامون دندان‌ها پدید می‌آید. هم‌چنین سست شدن عصب آمده به این بافت‌ها به جهت آبکی بودن فضایشان مزید بر علت خواهد بود، نمونه‌اش فلج‌شدگان هستند.

نشانهٔ این گونه بیماری، لرزش فک در هنگام سخن گفتن و سرازیر شدن آب‌دهان و سرماگریزی ریشهٔ دندان‌ها؛

انگیزهٔ دیگر سستی گوشت میان دندانی و آویزان شدنش به جهت آماس پدیدآمده در آن است که با آب‌دهان گوشت از دندان جدا می‌شود

نشانه این گونه، دردناک بودن و پیوسته ضربان داشتن است.

نشانه گونه سوم، به جهت سستی و کم خونی که دارد شل می شود و از دندان جدا می گردد و نشانه آن بی رنگی و سپید شدنش است که به چشم می آید بی خون است.

درمان گونه نخست فلج گونه

گزاره درمان: تهی سازی تن بر پایه یادداشت های ما در باب فلج در گفتار دوم می باشد و بیمار وادار شود تا با دهان شوییه های بازگو شده ما دهان را بشوید. باید همه کارها بر پایه گزاره های ما انجام گیرد. پس از تهی سازی تن و سر، باید تا آن جا که بتواند دهان شوییه کند و اگر بازدارنده ای از گونه سرشت بیمار؛ و یا آب و هوا و گاه و سرزمین در میان نباشد، گوشت میان دندانی را با پادزهر بزرگ (تریاق الکبیر) مالش دهند و به بیمار دستور دهند تا با ایاره دهان شوییه کند تا گوشت میان دندانی حالت خوب و میانه و نمود پیدا کند، سپس وادار شود تا با داروی زیر دهان را بشوید:

گزاره آن: گُلنار و آس و پوست انار و جفت بلوط و زاگ یمانی را برمی گیرند و همگی را می ساینند و با اندکی عسل و آب می جوشانند تا انبستگی آن بالا رود و همچون مرهمی گردد، سپس می گذارند تا سرد شود.

نخست گوشت میان دندانی را به دندان ها می فشردند و پس از آن بخشی از آن دارو را چندین روز پشت سرهم بر رویش می نهند و به او دستور می دهند تا آب دهانش را بیرون اندازد. با چنین درمانی گوشت ها به دندان خواهند چسبید و گرنه بیمار در درمان آن تنها به کار برد پادزهر بسنده کند و گاهی به او سرشته باقردیا؟ کهنه که از بلاذر و نشادر ساخته شده است که آن را در داروهای زهرزدا بازگو کرده ایم، بدهند و او را از خوردن خوراکی های پست پیرهیزانند و درمان بیمار آن فلج را برایشان دنبال کنند و مزاج ایشان را بپایند و از خوردن داروهای تند و تیز دوری ورزند و دچار خستگی نشوند.

درمان گونه دوم

گزاره درمان: گونه گرم آن با خون گیری از دورگ قیفال و بیرون کشیدن خون بر پایه قانونمندی های خون گیری درمان کنند و اگر بازدارنده ای نباشد، تهی سازی تن با هلیله زرد و کابلی، تمر هندی، آلو، عناب، سپستان، برگ تاجریزی، اکشوت، تخم

کاسنی، توت شامی خشک و فلوس و مانند آن‌ها انجام می‌دهند که این‌ها چیزهایی هستند، آرام‌کننده و دارای توانایی تهی‌سازی زرداب و پالایش خون می‌باشند، سپس باید به دهان شویه کردن با داروی زیر روی آورند.

گزاره آن: یک کف عدس، اندکی گل سرخ و یک دسته عصاالرعی برمی‌گیرند همگی را می‌پزند و پس از پخت می‌فشرند و یک جزو از آب آن و دو جزو سرکه نه کهنه و نه نور با هم می‌آمیزند و پیوسته با آن دهان را می‌شویند.

اگر سرخی و درد فرونشست، ولی گوشت‌ها به دندان‌ها نچسبید، او را به چرخاندن چندین باره آن دارو وادار کنند تا درد آرام گیرد و چسبندگی انجام شود.

اگر چسبندگی انجام نگرفت، باید این داروی سردکننده را به کار برند.

گزاره آن: گل سرخ، تباشیر، گلنار، خاکستر گشنیز و آرد عدس را برمی‌گیرند و می‌سایند و با افشره انبرباریس (زرشک) می‌سرخند و پس از آن دارو را بر روی گوشت میان دندانی می‌گذارند تا آن را گرد آورد و بچسباند.

درمان گونه سوم

گزاره درمان: نخست باید به مزاج بیمار و درستی آن در این هنگام و زمان بیماری نگاه کرد. اگر سستی از انباشتگی باشد پس باید به تهی‌سازی او روی آورد و اگر ناتوانی از تهی‌سازی تن باشد پس باید بدادن خوراکی‌های خوب و با ارزش خوراکی بالا و سازنده خون خوب روی آورند که نمونه آن گوشت بره، بزغاله نر، زرده تخم مرغ و گوشت جوجه‌ای که با آرد شیلیم فربه شده که دارای نیروی آب‌کنندگی می‌باشد که بیمار را نیرومند می‌سازد پس از نیرو گرفتن بیمار به بررسی گوشت میان دندانی اش می‌پردازند و اندازه بازسازی آن را بسنجند. (ج ۲، ۲۲)

اگر بهبودی و بازگشت خون به آن بسنده نباشند، باید آن را با چیزهایی مالش دهند تا اندکی خون چکان شوند، مانند داروی قلقدیون و به دنبال آن دهان شویه کردن با داروهای بند و هم‌آورنده است.

چنانچه بسنده نباشد، گوشت را با دست به دور دندان گرد آورند و روی پایه گوشت میان دندانی با داغ‌کننده‌ای که سری نازک و باریک دارد، داغ گذارند و آن را بسوزانند که این کار انگیزه نیروبخشی و استواری بیشتر آن می‌شود.

خوره دهانی

بیماری که به خوره دهانی شناخته می‌شود: این بیماری در گوشت میان دندانی و (هر کجای) دهان نمایان می‌شود. تابلوی آن مانند هر زخم چرکین می‌باشد جز این که در اندک زمانی در همه جای دهان گسترش می‌یابد. تابلوی آن در دهان مانند زخمی چرکین و سبز رنگ شده است که بدبو می‌باشد.

انگیزه ساخت آن بودن خلط گندیده و گزنده و تند و خورنده در جای زخم می‌باشد که از سر؛ و یا دیگر اندام‌ها به گوشت‌های میان دندانی سرازیر شده است که آن خلط‌ها را به جهت ناتوانی در خود می‌پذیرد و خوراکی‌های تند و گندیده نیز سازنده چنین خلطی می‌باشند که هم‌چون نمک کهنه و هر خوراک نمک‌سود شده و آب‌کامه‌های کهنه و جز آن می‌باشد.

درمان: اگر نیروی بیمارهمراهی کند و هیچ فاکتور بازدارنده‌ای در کار نباشد، باید در آغاز به خون‌گیری و تهی‌سازی تن با پخته افیمون و پس از آن با حب ایاره؛ و یا حب صبر پردازد و بیمار پیوسته بنوشیدن آب جو و چرخاندن افشیره جوشانده غوره و آب سماق و سرکه وادار می‌شود که این درمان از پیشرفت و گسترش یافتن بیماری جلوگیری می‌کند، سپس به درمان ویژه آن بیماری می‌پردازند که همان به کاربردن سوتیجان می‌باشد.

سوتیجان

گزاره آن: یک جزو زاگ یمانی، قلقطار^۱، قلقدیس^۲، نمک سوخته و نشادر از هر کدام نیم درم و مازوی سوخته و خیسانده در سرکه و خاکستر کاغذ مصری و نوره آب نخورده از هر کدام یک و نیم جزو، زعفران سوخته و گندر و برگ حنا از هر کدام یک

^۱ قلقطار (Qalqatār): نام شیمیایی آن سولفات آهن است. عربان در گذشته به آن سنگ آهن، شادنج، شادنه گفته‌اند در بغداد (کبلی) و موصل رنگ آهن «صیغ حدید» نامیده می‌شود. موادی کانی است که به صورت توده‌های آسان‌شکن با رنگ بنفشه‌ای گراییده به زردی است اگر مدتی رها شود خرد می‌شود. پودری با رنگ سرخ تیره دارد که انگشتان را با آن رنگ می‌کنند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۳۷)

بیشتر زاگ زرد و برخی زاگ زرد به سرخی گراییده دانسته‌اند. بهترین آن بسیار ریز و براق مانند زرنیخ زودشکن است. (مخزن، ۳۳۹)

^۲ قلقدیس Qalqadīs: گونه‌ای زاگ است عربان «ملیطن» و در شیمی سولفات روی (یا سولفات آهن) را گویند. در عمده المحتاج سه گونه

بخش برمی گیرند و همگی را نرم می ساینند و با سرکه کهنه می سرشند و از آن قرص می سازند و می خشکانند، پس از خشک کردن آن قرص را می ساینند و در سرکه می خوابانند و با آن سرکه دهان شویه می کنند و در دهان نگاه می دارند تا گوشت آن را خونین کند و گندیدگی را از میان ببرد.

اگر دیدید داروی سوتیجان کارساز نبود، پس باید به آن گزاره یک جزو زنگار بیفزایید، سپس به همان گونه که گفتیم، دارو را در دهان بچرخانید. اگر گوشت میان دندانی خون چکان و سرخ رنگ شود و از آن خون سرخ بتراود پس باید در این هنگام با آنچه در گذشته گفتیم، دهان را بشوید.

دهان شویه

گزاره آن: یک دسته جام گل آس، یک دسته پودنه رودخانه ای، گلنار، کزمازک، عاقرقرحا، مازوی سبز و پوست انار از هر کدام به اندازه نیاز برمی گیرند و با آب و سرکه به گونه ای می جوشانند تا به انبستگی بالا برسد، سپس با آن دهان را می شویند تا بیماری را بهبود ببخشد و گوشت میان دندانی را نیرو دهد. اگر اندکی از بیماری به جا بماند، باید این پودر را به کار برند.

سغوف

گزاره گرد: یک جزو توتیا، راتینج، گندر، گلنار و سپیداب سربی از هر کدام نیم جزو برمی گیرند و می ساینند و الک می کنند و روی جاهایی که از بیماری به جا مانده، می پاشند. اگر انجام این درمان دشوار و بیماری سخت باشد، باید در اندیشه به کاربردن قلقدیون باشند که ما آن را در همین گفتار در باره تباهی و گندیدگی گوشت میان دندانها و تراویدن خون از آنها بازگو کردیم و آن با مالش دادن پیوسته آنها می باشد تا آن که بیماری ریشه کن شود، سپس درمان بیماری با دهان شویه کردن با سرکه آس می باشد که این سرکه از جوشاندن آس و گلنار با سرکه به دست می آید و اگر اندکی از بیماری به جا ماند، باید بر روی آن گردی که پیش از این گزاره کردیم بپاشند. اگر درمان رو به دشوار شدن گذاشت، باید بر روی آن پودری بپاشند که به

گفته شده است: سپید پاک با بخش های یکسان جدا از هم که زاگ آساکفه خوانده می شود. دیگری سپید اندکی زلال درون آن به سیاهی می گراید و «میس» نام دارد. سومی کدرتر و سخت تر از دو تای دیگر است «سخیره» نامیده می شود. هر کدام اینها پخته شود، «قلقنت» می گردد. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۳۶)

نام سنگ مسنگ گویند و از سرزمین حجاز آورده می‌شود و اگر درمان باز هم سخت‌تر شد، آب نمک کهنه را برگیرند و با آن دهان را بشویند و در دهان نگاه دارند که این برای درمان زخم‌های چرکین و خوره آزموده باشد و تنها خطر آن پیدایش درد سخت می‌باشد، باید پس از آن با سرکه گزازه شده در این بخش دهان را بشوید سپس با آب نیمه‌گرم و پس از آن با آب سرد سپس با روغن گل سرخ دهان بشوید. این افزایش و یا کاهش اندازهٔ درمان بستگی به سن و مزاج بیمار دارد. (ج ۲، ۲۳)

زخم چرکین دهان

گاهی زخم‌های چرکین کوچکی در دهان و زبان پدید می‌آیند که همراه درد و حدتی ویژه می‌باشند که تندی آن از بودن زرداب است که در سخنان ما از آن گزاره‌ای در آینده خواهد آمد که در بارهٔ درمان سوزدها خواهد بود.

هنگامی ما می‌خواهیم در باره آفت و برفک دهانی و گونه‌های آن سخن بگوییم، هیچ نیازی ندیدم که سخن در بارهٔ سوزدها را زودتر آغاز کنیم؛ زیرا در بیشتر موارد این سوزده زیر گروه یکی از گونه‌های آفت و برفک خواهند بود و آن دسته‌ای از آن‌ها که گرمی و گداختگی به همراه دارند و با هوا و آب سرد به آسایش دست می‌یابند و با کمک این دو دردشان نیز در جا آرام می‌گیرد. سپس چیزهایی که زمانی آب‌کننده‌اش بودند، دیگر آن را از میان نمی‌برند و دردشان نیز پس از آن افزایش می‌یابد.

درمان: خون‌گیری و تهی‌سازی تن با پختهٔ هلیلهٔ زرد و کابلی، تمر هندی و آلو می‌باشد، سپس بریدن رگ چهاروک و بادکش گذاشتن است که در همهٔ گام‌ها بررسی توانایی و قانونمندی‌های درمان‌گری برای دنبال کردن درمان نیاز است و پس از آن وادار کردن بیمار به دهان‌شویه کردن با داروی زیر است.

دهان‌شویه

گزارهٔ آن: یک کف عدس و یک کف گشنیز خشک و یک دسته جام گل عصا الراعی و یک دسته شاخ و برگ تاجریزی و یک دسته پرسیاوشان را برمی‌گیرند و با سرکه و آب می‌جوشانند و در دهان می‌چرخانند و مدتی نگاه می‌دارند و نیز زمانی پس‌مانده‌های دارو را در دهان بگذارند که برای آرام کردن درد و فرونشاندن گرما بسیار کارساز خواهد بود. با فرونشستن گرما و تاول زدن و سر باز کردن سوزدها، درد آرام می‌گیرد که پس از آن باید این داروی سردی‌زا را بخورد.

گزاره داروی سرمازا: تباشیر و بزر البقلة و گل سرخ و گلنار و نشاسته و صمغ عربی و کتیرا و گشنیز سوخته را برمی گیرند و نرم می ساینند و بر آن اندکی کافور می افزایند.

داروی به دست آمده را بر روی زبان و جایی که سوزها در آن پدید آمده باشند، می پاشند و در دهان نگاه می دارند.

هرگاه دارو در دهان نرم شود و درد بخوابد، باید این گرد را روزی دو تا سه بار و نیز هنگام خسبیدن به کار برند.

خوراک او را گونه ای خوراک از سماق^۱ (سماقیه) و از غوره (حصرمیه) و مانند آن ها بگذارند.

اگر بیماری (زخم ها) سخت شود و دوره اش به درازا کشیده شود و پیچیده شود در این هنگام به آن مسابیر خواهند گفت. که با شکاف دادن و بریدن آن با آهن درمان خواهد شد و یا با مالش دادن آن با نمک و سرکه خون چکانش کنند، سپس به درمان آن تنها با روغن گل سرخ می پردازند که بهبود خواهد یافت و گاهی می کنند و به آفت و برفکی که به خونی بودن شناخته می شود، دگرگون می گردد. (ج ۲، ۲۴)

آفت و برفک خونی

آفت و برفک خونی گونه ای سوزهای است که در دهان آشکار می شود. نمود آن با رنگ سرخ و عفونت می باشد که بیشتر انگیزه پدید آمدن برجستگی در پرده پوشاننده کام و دهان و زبان خواهد بود که این برجستگی به چشم می آید و دردناک است.

جداسازی آفت و برفک از سوزها

جداسازی این گونه آفت و برفک با سوزهای دهانی که در گذشته گزاره شدند، چنین است: سوزها جدا جدا در می آیند و دارای برجستگی در پرده های پوشاننده هستند و در آغاز دچار گندیدگی نمی شوند، ولی آفت و برفکی که از آغاز گندیده پدید می آیند، بیشتر در بیماران تبار و کسانی که پیوسته خوراکی های گرمزا می خورند و پیوسته شراب می نوشند،

^۱ سماقیه: آش سماق، در موصل به «سماق الربیع» می شناسند. روش ساخت: همانند آش غوره پخته می شود. به جای افشره غوره، آب سماق خیسانده و صاف کرده می ریزند و بر آن چغندر و هویج خرد شده و گوشت گرد کوچک شده (قلقلی) می گذارند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۸۱۸) سماقیه: آش سماق، خوراکی برگرفته از گوشت و پیاز وتره و بادمجان و سیر و چاشنی ها و ادویه و گردو است. (قولنج، برگردان ذاکر)

نمایان می‌شود. اختلاف این دو گونه را پیشینیان چنین می‌نویسند که خوردن خوراکی‌های گرم‌ازا به جا گذارنده آفت و برفک خونی خواهد بود.

گوید: زیرا خون را گرم خواهد کرد و می‌گنداند.

درمان: درمان آن تا آن جا که یاری دهد، خون‌گیری از رگ قیفال و تهی‌سازی تن با پخته دو هلیله خواهد بود. پس از تهی‌سازی تن و خون‌گیری از رگ قیفال، اگر نیرویش یاری دهد و یا دیگر قوانین اجازت دهد، باید به خون‌گیری از دو رگ زیر زبان پردازند، سپس بوی آفت و برفک را بررسی کنند که آیا بویی دارد یا خیر؟ هر آینه بویناک باشند، باید بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با سرکه و اندکی نشادر و نمک کنند.

اگر درمان نشود، باید زاگ بلورین^۱ و نمک را با سرکه بجوشانند و با جوشانده آن چندین بار دهان را بشویند تا پوست رویشان کنده شود و خونین گردند که پس از آن بیمار وادار می‌شود با گزاره زیر دهان رابشوید.

دهان‌شویه

گزاره آن: گل‌سرخ، برگ علیق، سعد، عدس و جام گل آس برمی‌گیرند و با سرکه می‌جوشانند و بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با آن می‌کنند. این دارو دارای ویژگی بندآورندگی (قبض) کمی می‌باشد. چنانچه دیدید که سوزه‌ها درمان را پذیرفته‌اند، باید اندک‌اندک به بخش ویژگی بندآورندگی دارو بر پایه گفته‌های ما در گذشته هم‌چون گُلنار و مازوی سبز و اندکی

^۱ شِبِّ (Shab): *Alumen; Alum* (قاموس)

در پارسی زاگ بلور و یا سپید است. ازهری گوید: شب که با حرف «ی» یگانه کننده آمده است گونه‌ای گوهر می‌باشد که خداوند در دل زمین رویانده که زاگ را با آن می‌پیرایند. برخی دیکته آن را دگرگون کرده «شث» آورده‌اند که درختی تلخ مزه بوده و دارای سرشتی گرم و خشک در مرتبت دوم می‌باشد. (بحر الجواهر، ۲۱۸)

بلورهای شش یا هشت وجهی نیمه شفاف اگر در هوا به ویژه نمناک آن رها شود تیره شده و به رنگ سپید کدر درمی‌آید، هنگامی که در دهان گذاشته می‌شود، دارای مزه شیرین است سپس مزه ترش سبکی از آن چشیده می‌شود و کمی نمی‌گذرد که مزه گسی به خود می‌گیرد. بلورها در آب حل می‌شوند و سبب ته‌نشین شده نمک‌های آب می‌گردد. ذرات شناور آب همگی ته‌نشین می‌شوند از این رو آب صاف و زلال می‌شود. در طبیعت آن را می‌توان یافت. هم‌چنین آن را می‌شود، در آزمایش از اسید سولفوریک و دو باز یکی آلومین سولفات آلومینیوم و دیگری پتاس (سولفات پتاسیوم) بسازند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۰۳)

خرنوب و پوست انار، بیفزایند و به بیمار دستور دهند تا با آن سرکه دهان را بشوید و در دهان نگاه دارند. پس از آن باید به بررسی آفت و برفک پس از کار برد آن دارو پردازند.

هر آینه خشک شدن و آغاز خوب شدن را در آن‌ها ببینند، باید دانسته شود که بهبودی در راه است و چنانچه سخت شود و بیاماسد که باید آن را با این داروی سردکننده، سرد نمایند. (ج ۲، ۲۴)

داروی از میان برنده آماس

گزاره آن: برگ خشک تاجریزی یک جزو، گل سرخ، تباشیر، بزر البقلة، آرد عدس و نشاسته از هر کدام دو جزو، گشنیز سوخته و سماق پاک شده از هر کدام یک جزو، بادام شیرین پوست کنده سه جزو، کافور یک چهارم جزو برمی گیرند و اندازه هر بخش باید یک درم باشد و اگر بیش از آن باشد، باید اندازه برداشت کافور به گونه‌ای باشد که از اندازه مجاز آن گذر نکند که به چندین انگیزه این اندازه نباید برداشت شود که ما آن‌ها را در باب ارزش داروها بازگو خواهیم کرد.

همه داروها را می‌سایند و آن را روز و شب در دهان می‌پاشند که آماس را فرومی‌نشانند و آن را خوب می‌کند.

گاهی گونه‌ای از آفت و برفک است که در کودکان پدید می‌آید. اگر این کودکان به سنی رسیده باشند که در درمان شما را یاری دهند، شیوه درمانی همانی خواهد بود که پیش از این بازگو کردیم، و گرنه باید به درمان دایه شیرده او به همان گونه‌ای که پیش از این گفتیم پردازند.

درمان کودکان با شستشوی دهان با سرکه و مالیدن روغن گل سرخ بر روی سوزها و به کاربردن داروهای سردی‌زای کافوری و پاشیدن اندکی از آن در دهان باید دنبال شود. این گونه آفت و برفک درمان زود هنگامی را به دنبال خواهد داشت و به تندی از دهان کودکان دور خواهد شد.

انگیزه رویداد آن را در گذشته یاد کرده ایم جز این که نیروی این انگیزه در دایگان شیرده نیرومندتر است و خون ایشان را تباہ می‌سازد. از این رو شیر ایشان دچار دگرگونی خواهد شد و به دنبال آن، آن چه باید رخ دهد، برای کودک پیش خواهد آمد؛ زیرا کودک آن شیر تباہ شده را می‌خورد و بیمار می‌شود.

دایه شیرده باید از خوردن هر خوراک پلشت دوری ورزد و تنها بخوردن مزورات مانند خوراک ساخته شده از سماق و غوره بسنده کند تا شیر او خوب و میانگی خود را پیدا کند و دارای چگونگی نیک و سردی‌زا باشد تا گرمی کودک را فرونشاند.

آفت و برفک سپید

این گونه آفت و برفک به گونهٔ نموری شناخته می‌شود و بیشتر در کودکان رخ می‌دهد که انگیزهٔ آن نادرستی شیر دایه می‌باشد که گواریده نمی‌شود و از شکمبهٔ کودک گذر نمی‌کند که در چنین هنگامی آفت و برفک سپید رنگی که مانند آماس شلی می‌باشد و دردی اندک دارد و برافراختگی و تشنگی در او دیده نمی‌شود.

تابلو آن هم چون پوستهٔ سپید رنگی است که در دهان به چشم می‌خورد که دگرگونی در آن بافت پوششی پدیدآمده است. **درمان:** اگر کودک شیرخوار باشد، باید به تهی‌سازی او (دایه) با پختهٔ افتیمون و پس از آن با حب ایاره بپردازند، سپس او را وادار به دهان‌شویه کردن با عاقرقرا و مویزک کنند و به دنبال آن دارویی که گزاره می‌شود را در دهان بچرخانند.

دهان‌شویه: گزارهٔ دارو: یک درم سُعد و دو درم ریشهٔ سوسن آسمان گون و یک درم مویزک و نیم نیم (یک چهارم) درم عاقرقرا، فلفل و زنگبیل از هر کدام نیم درم برمی‌گیرند و در سرکه و عسل می‌جوشانند.

باید اندازهٔ عسل به گونه‌ای آشکار باشد. نخست آن را می‌پالایند، سپس با آن سرکه و عسل دم‌به‌دم دهان‌شویه می‌کنند و خوراک خود را به آش زیره (زیربا) و مزوره‌ای که شیرینی‌اش عسل است، بسنده کنند.

گاهی بیمار واداشته می‌شود تا فلفل و عسل بر روی بافت‌های دهانی هنگامی بمالد که هنوز آفت و برفک در آن‌ها پدید نیامده باشد.

گاهی آفت را کودک شیرخوار دارد، ولی ما دهان دایهٔ او را دارو درمانی می‌کنیم و گاهی جگر دایه را هنگامی که جگر کودک دچار گرمی شده، درمان می‌کنند؛ زیرا شیر خوراک همهٔ اندام‌های کودک می‌باشد.

جایگاه و ارزش شیر در پستان مانند آب نرینه در خایه است.

هنگامی که کودک توان خوردن دارد را می‌توان با خوراندن عسل و آغشته کردن دهانش درمان کرد و اگر توان خوردن ندارد باید دهانش را با اندکی عسل آغشته کرد.

اگر بزرگان به این آفت گرفتار شوند، به ایشان دستور دهید تا با شراب کهنهٔ گس با اندکی عنبر دهان‌شویه کنند.

آفت و برفک سیاه

گونه‌ای آفت است که انگیزهٔ پیدایش آن خلط سودایی سوخته و تند و تیز می‌باشد. چنانچه کودکان گرفتار آن شوند، بسیار دور خواهد بود که بهبود یابند؛ زیرا سرانجام آن خوره شدن بیماری در کودکان خواهد بود.

اگر این بیماری در بزرگان رخ دهد، ایشان بهبود می‌یابند؛ زیرا توانایی پذیرش سختی‌های درمان را خواهند داشت. این گونهٔ بیماری همراه با ترک خوردگی در بافت و دردناکی و تیزی و گزندگی است. (ج ۲، ۲۵)

درمان: باید بیمار را با پختهٔ اف تیمون یک؛ یا دو بار تهی سازی کنند، سپس بیمار را وادارند تا به دهان خود مغز استخوان ساق گوزن و یا ساق گاو و اگر نباشد، مغز گوزن چندین بار بمالند تا پوستهٔ آن نرم شود. سپس او را وادار کنند تا چندین بار پیوسته و پشت سر هم برگ حنا بچوند و پس از آن با جوشاندهٔ سرکه، سماق، گل سرخ، گشنیز، گلنار، آس، خرنوب و جز آن از بندآورنده‌ها که به خوبی له شده‌اند، چندین بار دهان شویه کنند، انگیزهٔ بهبودی او خواهد بود، ولی اگر عفونت بکند و بد شود باید در اندیشهٔ پیگیری درمان خوره و لثهٔ خون چکان برای آن شد.

درمان کودک

گزارهٔ درمان: بسنده است که دهان او را تنها با مغز استخوان ساق گوزن بیالیند تا بخش سیاه آن پوسته‌پوسته شود و بریزد سپس در هنگام خسبیدن بر آن اندکی گل سرخ، گلنار و خاکستر گشنیز بپاشند که این زمان، کارآمدترین گاه پاسخ درمانی خواهد بود؛ زیرا آب دهان گردآمده از دهانش سرازیر خواهد شد.

باید درمان کودک بر پایهٔ یک درمان درمان‌گری و آزمودگی و مهارت انجام پذیرد که ایشان به کودکانی که این گونه آفت دارند، چنین دارویی را می‌دهند که ما آن را پس از کندوکاو بسیار به دست آوردیم.

گزارهٔ آن: هلیلهٔ زرد سوخته، هستهٔ سوختهٔ خرما، گشنیز سوخته، تباشیر و گلنار را با اندازهٔ برابر برمی‌گیرند و به کار می‌برند. این دارو در درمان آفت و برفک سیاه (قلاع الأسود) کودکان بسیار کارساز خواهد بود.

درمان بزرگان

گزارهٔ آن: بهترین درمان برای بزرگان، به کاربردن داروهای بندآورنده (قابض) که دارای ویژگی فرونشاندنی‌اند، مانند گل سرخ، گلنار، مازو، پوست انار و مانند آن‌ها به کار ببرند و در خوراکی‌ها بسنده به حریره‌های برگرفته از آرد عدس و مغز

استخوان ساق گوزن؛ و یا مغز استخوان ساق گاو کنند. گاهی یکی از آنها از میان دیگر داروها کارایی از میان بردن بیماری را به تنهایی خواهد داشت. دایهٔ کودک را نیز با همین خوراک تغذیه خواهند کرد. هم‌چنین اگر کودک نیز آن حریره را بخورد با همهٔ آن چه یاد کردیم، درمانش انجام خواهد پذیرفت. هر گونه آفت و برفک که عفونی شود و بوی آن نیز دگرگون می‌شود که باید آن را به گونهٔ لثهٔ خون چکان و زخم‌های چرکین درمان کرد.

پوسته‌پوسته‌شدن کام، گوشهٔ دهان، زبان و لثه

پوسته‌پوسته‌شدن کام، گوشهٔ دهان، زبان و لثه: این بیماری در کودکان و بزرگان پدید می‌آید و انگیزهٔ آن درونی و یا بیرونی است. انگیزهٔ بیرونی آن از نوشیدن آب دریا است که گاهی به گونهٔ نیاز نوشیده می‌شود؛ و یا خوردن نمک ساده و مانند آن‌ها می‌باشد.

انگیزهٔ درونی آن، از برخاستن بخارهای تند و تیز و گزنده از تن خواهد بود.

نشانه‌ها: اگر انگشت را به بخش‌های درونی دهان بفشرد؛ و یا با پارچه‌ای زبر روی کام بکشند، آن را پوسته‌پوسته خواهد کرد. این پوسته‌ها بسیار نازک مانند پوست پیاز سپید می‌باشند که هیچ گونه دردی ندارند و نمونه‌ای از آن نیز در دست و پا و رخساره رخ می‌دهد. انگیزهٔ آن را بخارهای گزنده و تند به شمار می‌آورند که پوست و سوراخ‌های آن را می‌سوزاند و همان کاری را با پوست می‌کند که آب بسیار داغ انجام خواهد داد.

درمان: اگر بیمار توانایی داشته باشد، درمان آن خون‌گیری و خوردن چندین باره و پشت سرهم پختهٔ هلیله، تمر هندی، آلو، افسنتین، شیطرج بزرگ، ترانگبین و فلوس و پرهیز از خوردن هر خوراک به جز مزورات برگرفته از آب غوره و مانند آن خواهد بود، سپس دستور به دهان‌شویه کردن با سرکه‌ای است که در آن جام گل آس، گلنار و گل سرخ جوشانده باشند.

آگاه باشید! که این بیماری آسان‌ترین بیماری دهان است که به زودی درمان می‌شود و اگر در کودکان شیرخوار پدید آید، باید دایهٔ بچه را با آن چه در گذشته گفتیم، درمان کنند. مالیدن نمک ساییده شده به دهان کودک و شستشوی دهانش با شیر دایه‌اش، راه از میان بردن آن بیماری در کودک خواهد بود.

خارش زبان

این بیماری در زبان پدید می‌آید و انگیزه آن سرازیر شدن خلط تند و سوخته و گزنده به زبان می‌باشد که از سر؛ و یا از ژرفای تن به آن می‌باشد. (ج ۲، ۲۶)

این بیماری بیشتر در نوجوانان و کسانی که دارای مزاج تند و تیز هستند، رخ می‌دهد.

روفس گوید: این بیماری در سرزمین ما بسیار رخ می‌دهد و نشانه آن، سرخی زبان بیشتر از همیشه‌اش و پیش از بیماری است.

خارش آن به اندازه‌ای است که آدمی نمی‌تواند دمی از خاراندن آن با دندان دست بکشد و با به کاربردن چیزهای آب‌کننده مانند آب داغ و خورش‌های داغ، به آسودگی و آرامش دست پیدا می‌کند.

درمان: نخست باید به بررسی مزاج بیمار پردازند و اگر توانایی داشته باشد، به تهی‌سازی او با پخته‌افتمون دست بزنند و او را وادارند تا سکنگبین بخورد و به خوردن زیربا (آش زیره) بسنده کند، سپس واداشته شود تا روزی سه بار که بار نخست آن با آب داغ و بار دوم با شیر و اندکی شکر و بار سوم با سرکه و روغن گل سرخ دهان شویه کند و زبانش را به گونه‌ای بخاراند تا آب دهان فراوان از دهانش سرازیر گردد و دستور داده شود تا با این سرکه دهانش را بشوید.

گزاره سرکه: جام گل آس یک دسته، یک کف دانه آس سپید، اندکی قطران، عاقرقرا و مویزک از هر کدام اندکی برمی‌گیرند، سپس همگی را در سرکه می‌جوشانند.

سرکه را می‌پالایند و با پالایش شده‌اش دهان شویه می‌کنند و دم دم آن را در دهان نگاه می‌دارند تا خارش فرونشیند.

اگر بیماری به دشواری برخورد کرد، باید دوباره به بررسی مزاج بیمار پرداخت، اگر دچار دگرگونی نشده باشد و نیرویش کاهش نیافته باشد، باید از رگ قیفال او خون گرفت و خوردن می‌پخته را دوباره دنبال کنند. آن می‌پخته، هلیله و تمر هندی و آلو و عناب و گل سرخ و بنفشه و مانند آن‌ها خواهد بود، سپس به جویدن برگ آس با نمک چندین باره واداشته شود.

چنانچه با این شیوه، درمان انجام نگیرد، باید زبان را با ساییده هلیله زرد مالش دهند و پیوسته تا هنگام هر خوراک هلیله زرد بر روی زبانش بریزند و این کار را پس از خوراک نیز دنبال کنند و آب دهان گردآمده را بیرون اندازند تا گوارش خوراک تباه

نشود. چنانچه خوراکش گواریده شد، بیمار می‌تواند آب‌دهانش را قورت دهد که سودمند خواهد بود. سازگارترین کار برای این گونه بیماران، پس از تهی‌سازی تن به کاربردن هلیله زرد می‌باشد. (ج ۲، ۲۷)

آماس زبان

انگیزه‌های گوناگونی می‌تواند پدید آورنده آماس زبان باشند. هر انگیزه دارای نشانه‌هایی است که گواهی‌دهنده آن خواهند بود. برخی از آن‌ها پیامدهای خود بیماری است و برخی دیگر از آن نشانه‌ها برداشت شده از اعراض و پیامدهای بیماری و جایگاه آماس بر زبان خواهد بود.

گاهی آماس در همه جای زبان و ماهیچه‌های حرکت‌دهنده آن؛ و یا ماهیچه‌های زیر زبان؛ و یا در بخش‌های زیرین زبان رخ می‌دهد.

زبان اندامی است که کمتر دچار بیماری می‌شود؛ زیرا در بیشتر موارد فزونی‌ها را به خود نمی‌پذیرد که این از توانایی و نیرومندی آن و یا از پر جنبشی زبان و نموری آن و بودنش در میانه نموری گرم می‌باشد؛ زیرا نموری گرم مانند آب‌دهان و جنبش‌های پیوسته آن مانند کارایی آب داغ است که از سرازیر شدن فزونی‌ها به آن جلوگیری می‌کند. آب داغ فزونی‌های اندام‌ها را آب می‌کند.

انگیزه دیگری که زبان را می‌آماساند، سرازیر شدن نموری‌های سنگین و چسبنده به زبان می‌باشد البته نه به عصب سیراب‌کننده زبان؛ بلکه به خود زبان است.

تفاوت میان این گونه آماس و آماسی که از سرازیر شدن نموری به خود زبان و نموری که به عصب می‌رود، چنین است که نموری رخنه کرده در عصب، پیامدهایش از گونه بیماری فلج خواهد بود که توان جنبش آن از دست رفته است. گونه‌ای که از سرازیر شدن نموری‌ها به خود زبان پدید می‌آید، جنبش آن را نخواهد گرفت.

درمان: درمان هر کدام گونه‌ها چه از سرازیر شدن نموری به خود زبان؛ و یا به ماهیچه‌های جنبش‌دهنده به آن، پرهیز از خوردن هر خوراک پست است و باید بیمار به خوردن خوراکی‌های سبک همچون تیهو و کبک و جوجه و زرده تخم‌مرغ نیمبرشت و جز آن بسنده کند و اگر نیرویش کمک کند به تهی‌سازی تن با حب ایاره و حب صبر و حب قوقایا سه بار در بیست و یک روز بپردازد.

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

همچنین باید او را به دهان شویه کردن با مویزک و عاقرقرحا و کزمازک و خردل سیاه که همه را نرم ساییده و آب شده در می پخته و آبکامه نبطی شور می باشد، وادار کنند و باید با ایاره فیکرا تخمیر شده آن را مالش دهند و او را وادارند تا پیوسته آب دهانش بیرون اندازند و مصطکی و مویزک و سعد را بجود و آب دهان گردآمده اش را بیرون اندازد. (ج ۲، ۲۶)

اگر آن کار را انجام داد، باید چند روزی استراحت کند، سپس روغن ناردین^۱، و یا روغن مصطکی؛ و یا روغن سنبل و جز آن از روغن های گرم را به بینی کشد.

همچنین گاهی با داروی شلیثا و داروی مشک زبان را مالش دهد و گاهی اندکی سرشته باقردیا به او بدهند که با این روش، آماس از میان خواهد رفت.

اگر بیماری سخت گردد و درمان انجام نپذیرد و آماس آب نشود، باید آماس بررسی شود، اگر آماس درد به همراه داشته باشد، از رگ قیفال او خون گرفته می شود و درد را فرونشاند و پس از آن راه آب کردن آن را دنبال نمایند.

این نوشتار در برگیرنده هر سخنی در باره سرازیر شدن نموری به زبان و اندام های پیوند خورده به آن می باشد که به این گونه از آماس نام «تهیج» می دهند. (ج ۲، ۲۸)

گرفتگی (تشنج) ماهیچه

گونه ای بیماری است که به دنبال انباشتگی در زبان رخ می دهد.

انگیزه: انگیزه آن سرازیر شدن فزونی های سنگین و چسبنده به اندام های پیوند خورده به زبان می باشد.

نشانه ها: نشانه آن کوتاه؛ و یا دراز شدن زبان؛ و یا دشواری در جنبش داشتن؛ و یا جنبش های ناخواسته داشتن زبان می باشد.

درمان: نخست باید درمان گر به بررسی مزاج بیمار پردازد.

^۱ دهن ناردین ساده: لطیف و آب کننده است، برای هر اندام سرد خوب است. اگر با می پخته بر تن مالیده شود، برای درمان سردی معده، پیشابدان، زهدان و عصب سودمند است. چنانچه در پیشابراه نرینه ریخته شود سنگ را خرد می کند و اگر تنقیه شود برای قولنج خوب است و اگر زنی آن را با پشمینه به خود برگیرد برای درد زهدان خوب است، هم چنین برای سردی های دیرپا و کهنه سودمند است. (فردوس ع، ۳۹۰، ۴۹۰)

هم‌چنین شیشهٔ آزمایش (پیشاب) و نبض او را بازبینی نماید تا شیوهٔ درمانی برای او را برگزیند؛ زیرا هر روش درمانی بر پایهٔ هر اندام و گوهر آن برنامه‌ریزی می‌شود، پس اگر هیچ بازدارنده‌ای در راستای درمان نباشد و درستی شناسایی بیماری که گرفتگی است، به باور درمان‌گر برسد، پس درمانش خون‌گیری به اندازهٔ توان و چگونگی مزاج بیمار از رگ قیفال خواهد بود، سپس پنج روز بیمار آسوده می‌گذارند و در این روزها به او گل‌انگبین پرورده و خوراکی از زیربای شیرین و سپیدبا می‌دهند، پس از آن پنج روز و روزی پنج بار او را با این دارو تنقیه می‌کنند.

داروی تنقیه

گزارهٔ آن: حسک، بابونه، اکلیل‌الملک، برگ شوید^۱ و برگ سداب از هر کدام یک مشت و قرطم خُرد شده و تخم خرفه و تخم کتان از هر کدام یک کف دست، برگ مرزنگوش و بنفشهٔ خشک شده از هر کدام دو کف، ختمی و نخاله از هر کدام دو کف برمی‌گیرند و در کیسه‌ای می‌پیچند، سپس تخم کرفس و انیسون و تخم رازیانه از هر کدام یک کف دست کوچک، زوفای خشک و سعتر خودرو (بری) و برگ نام از هر کدام یک کف دست کوچک و بیست انجیر سیاه برمی‌گیرند و به گونه‌ای می‌پزند که له شوند تا مانند حریره گردند، سپس می‌پالایند و یک درم از آب آن برمی‌دارند و دوازده درم روغن خیری، پنج درم روغن سداب، پنج درم روغن کرچک، یک درم بورهٔ ساییده و الک شده بر آن می‌افزایند، سپس آن را نرم و روان می‌کنند و در هنگام ناشتا تنقیه می‌نمایند و دو ساعت پس از تنقیه به او سبک‌ترین گونه‌ای از خوراک که پذیرنده اش باشد، خواهند داد که بتواند

^۱ شبث (Shibth): شبث، شوید، شود، شیویت، سبت، سبط نیز نامیده می‌شود گیاهی است که در ماست کنند و به شیرازی «شود» خوانند از تیرهٔ چتریان، یک‌ساله یا برگ‌های بریده و عطری ملایم، بلندی سی تا یکصد سانتیمتر، خودرو و کشت شدنی، دارای ریشه‌ای راست و مخروطی، سپید رنگ و ساقه‌ای استوانه‌ای و بی‌کرک دارای خط‌هایی در درازا است، و در جایی گره‌ها اندکی فرورفتگی دارد برگ‌های آن متناوب دارای بریدگی بسیار و بی‌کرک، با گل‌های کوچک زردرنگ و میوه‌ای کوچک دوفندقی و اسانس ویژه است. (گل‌گلاب)

شوید گرم و خشک است، اگر پخته و آب آن را نوشیده شود بالا آوردن را برمی‌انگیزد. آب همه سبزی‌ها و میوه‌ها و دانه‌ها به گونه‌ای چشمگیر بهتر از آن است؛ زیرا آب شوید بخش ملایم در آن می‌باشد. (فردوس‌ع، ۳۸۰).

شبث (شوید): ابن‌ماسه گوید: گرم و خشک در مرتبت دوم می‌باشد، ویژگی آن فرونشاندن سکسکه (فواق) و خواب‌آور است. روغن آن بادشکن خوبی است. (حاوی، ج ۲۱)

با آن زندگانی خود را ادامه دهد، پنج روز تنقیه کردن بیمار دنبال خواهد شد در پی آن پنج روز او را آسوده می گذارند و پس از آن مثنی حب ایاره به وی می دهند و در همین هنگام مزاج او را بررسی می کنند. اگر مزاج به تندی و تیزی نگراییده باشد و مانند حالت اولیه بیماری باشد، باید به او حب منتن (بدبو) بخوراند و به دنبال آن با جوشانده برگ جمسفرم، شابابک، نماد و سرشته ای که ما آن را اقرافادینا نامیده ایم، دهان شویه کنند.

اقرافادینا

گزاره این سرشته: پنج درم صبر سقوطری ناب، سه درم مصطکی، دو درم عاقرقرحا، چهار درم مویزک، دو درم خردل و سه درم افشره شیرین بیان برمی گیرند، همگی را می کوبند و با می پخته می سرشند تا به انبستگی بالایی برسد، سپس با غسل کف برگرفته درهم می آمیزند. این سرشته را در پوششی از غسل نگاه می دارند. در هنگام نیاز بخشی از آن را برمی گیرند و در آبی که پیش از این گفتیم، باز می کنند و به بیمار دستور می دهند تا دهانش را با آن روزی دو بار بامداد و شامگاه بشوید و زبانش را با سعد مالش دهد و او را وامی دارند تا آن را بچود و آب دهان گردآمده را بیرون اندازد و جز مزورات بر خوراک خود هیچ چیز نیافزاید تا بیماری از میان برود. (ج ۲، ۲۸)

فلج زبان

نشانه ها: نشانه فلج زبانی آن است که بیمار ناتوان در سخن گویی می شود و آب دهانش روان می گردد.

درمان: شیوه درمانی آن مانند درمان فلج و کژدهانی است. شانس بهبودی آن به اندازه شانس بهبودی فلج شده ای است که جوان؛ و یا پیر باشد و اگر بیمار تبار؛ و یا دارای مزاج نمور باشد باید داروهای درمان فلج زبانی او افزوده شود، داغ کردن آرواره ها از جایگاه پایه گوش و به بینی کشیدن زهره شبوط و کرکی و پیوسته مالش دادن زبان با پارچه ای زبر و به کاربردن برخی از داروهای گرمزا برنامه درمانی او می باشد. (ج ۲، ۲۹)

آماس غده زیرزبانی

بیماری که به ضفادع شناخته می‌شود

انگیزه نامیدنش به قورباغه آن است که مانند سر قورباغه (ضفادع) می‌باشد. آماسی است که در زیر زبان و جایگاه دو رگ زیرزبانی سبز پدید می‌آید که انگیزه سخت شدن زبان می‌گردد و در پی آن از حرکت مستقیم زبان جلوگیری می‌کند و نیز بیمار ریزش آب‌دهانی خواهد داشت.

درمان: اگر نیروی بیمار همراهی کند، خون‌گیری از دو رگ قیفال و روان کردن شکم بیمار با پخته‌ای که میانه در نرم کردن شکم است. اگر تهی‌سازی تن با خون‌گیری و روان کردن شکم انجام گرفت، ولی هنوز در تن فزونی‌هایی باشد و نیروی بیمار هنوز نیرومند باشد، باید از دو رگ زیر زبانی خون گرفته شود. در چنین هنگامی خون‌گیرنده باید بپاید و از فروبردن بیشتر به ژرفا و بریدن دو سرخ‌رگ فراگیرنده زبان بپرهیزد. هر آینه تیغه بیشتر به سرخ‌رگ بگیرد، درمان‌گر ناگزیر می‌شود که آن رگ را کور کند و بر روی آن داغ‌گذار و به دنبال آن دهان‌شویه کردن و داشتن پرهیز خوراکی است تا بیماری از میان برود. برخی از پیشینیان به آن بیماری سر قورباغه گویند و در باره درمان آن، پیشنهاد خون‌گیری و تهی‌سازی تن و به دنبالش تهی‌سازی سر و دهان‌شویه کردن چندین باره با آب جو و عسل سپس با آب آس و سرکه این کار پیگیری شود و اگر بیماری سخت گردد، باید آن را با داروی زیر مالش دهند.

گزاره دارو: نیم درم ستر و یک درم زوفای خشک و دو درم از صدف دریایی که به صدف «مآ» شناخته می‌شود، برمی‌گیرند و همه را نرم می‌سایند و به اندازه آن شکر تبرزد خرد شده می‌افزایند و جایگاه آماسیده را با آمیخته به دست آمده، مالش می‌دهند تا پوستش کنده شود، سپس بیمار با جوشانده جام گل آس و گلنار و پوست کندر دهان‌شویه کند و پس از آن با روغن گل سرخ دهان را می‌شوید تا درد آرام گیرد و برجستگی فرونشیند.

جراحی غده زیرزبانی آماسیده

سفوف

هر گاه جایگاه (آماس) خونین شود و سرش باز گردد، اکنون باید داروی پودری زیر را به کار برند.

گزاره پودر: یک درم گُلنار و یک درم پوست کُندر و دوسوم درم مُر برمی گیرند و همه را نرم می ساینند و با الکی نازک الک می کنند و بخشی از داروی ساخته شده را بر روی جای سر باز کرده، شبها می پاشند که بزاق بیمار به دنبالش سرازیر خواهد شد.

ابوماهر همواره درمان آن را اگر به درازا کشد، کاردرمانی به شمار می آورد و هشدار می دهد که بیشتر به دو رگ فراگیرنده زبان برخورد نکند. با چنگکی دو رگ را کنار زنند تا گوشت غده ای سخت شده دیده شود که آن را جدا کنند سپس جای خالی را با پنبه ای آغشته به سرکه و اندکی نمک پُر کنند و در هنگام خواب آن را بیرون آورند و به جای آن مرهمی گذارند که در آن سپیداب، مرداسنگ و روغن گُل سرخ و موم پالایش شده باشد. از آن جا که جایگاه خالی است، این امکان را دارد که دوباره فزونی ها به سویش سرازیر شود که باید روی دو ساق و زیر پستان بادکش گذارند و بیمار را وادارند تا پیوسته روان کننده شکم به کار برد. بیمار باید این شیوه درمانی را تا هنگامی که از میان رود، دنبال نماید.

اگر آماس بزرگ شود و در پی آن زبان نیز افزایش اندازه پیدا کند، که انگیزه بازدارندگی جنبش های آن خواهد شد که باید در زیر زبان شکافی باریک داده شود و اگر درد نباشد با سرکه ای که قطران در آن آب شده، زبان را مالش دهند و اگر دردناک باشد، روی زبان را با پارچه کتانی آغشته به این داروی آبکی بیوشانند.

داروی آبکی: آب برگ اسفرزه و آب بارهنگ و پیه انار خودرو اگر فصل رویش آن باشد ولی اگر در آن زمان باشد، انار (معمولی) برمی گیرند و بر آن اندکی سرکه و آب مامیثا و به اندازه یک چهارم وزن همه، سرکه نه خیلی کهنه می افزایند، سپس پارچه کتانی را به آن آب می آلاینند و زبان را با آن می پیچند و او را وادار می کنند تا پشت سر هم هر از گاهی از آن در دهان نگاه دارند تا آماس آب شود.

اگر نیروی بیمار یاری دهد، هرگز نباید درمان گر را از کار خون گیری پیوسته و پشت سر هم و دادن داروهای نرم کننده باز دارند. (ج ۲، ۲۹)

ابوماهر گوید: عدس را بخیسانند تا باد کند، سپس آن را با سرکه بجوشانند و بیمار را وادارند تا آن عدس را در دهان نگاه دارد. هم چنین باید عدس را بکوبند و بساینند و آرد آن را در دهان نگاه دارند.

زبان بزرگ دردناک

گزاره آن: اگر بزرگ شدن زبان همراه با درد باشد، پس از خون گیری و تهی سازی تن، اگر مزاج بیمار دگرگون نشده باشد، باید شیر زن دختر شیرده را چندین بار به بینی کشند و اگر مزاج بیمار از آنچه بوده، دگرگون شود، درمان گر باید کار درمانی زبان آماسیده را کنار گذارد و به درمان مزاج دگرگون شده بیمار دست بزند، پس از بازگشت مزاج به خوی همیشگی، درمان گر باید کار درمانی زبان آماسیده را بر پایه گزاره ما دنبال کند. اگر مزاج به خوی همیشگی اش باز نگردد، بیمار خردپروش می گردد و حس حسگرها کاهش می یابد. از این رو، نشانه نابودی بیمار است و نباید در هم چنین زمانی درمان گر به درمانش اقدام کند. دیدگاه برخی درمان گران در درمان آماس قورباغه ای که در زیر زبان است، کشیدن آن به گونه ای است که سر آماس باز شود سپس به درمان آن با مرهمی بپردازند.

هم چنین از برخورد آن با آب سرد جاوگیری کنند و در هنگام تشنگی آب سرد را با وسیله ای به درون گلویش بریزند. این وسیله مانند قیفی با لوله کج است؛ البته این روش درمانی نسبت به دیگر راه هایی که گفتیم خطرناک تر است. (ج ۲، ۳۰)

بیماری آویزان شدگی زبان

شناخت بیماری: نشانه این بیماری کلفت و دراز شدن زبان به گونه ای است که از دهان بیرون می افتد و آویزان می شود و آب دهان سرازیر می گردد. بیمار ناتوان از برگرداندن آن به درون دهان و فشردن لبها روی هم می باشد

انگیزه پیدایش بیماری: سرازیر شدن فزونی هایی بسیار به سوی پایه زبان می باشد که انگیزه شل شدن آن و به دنبالش سستی زبان را در پی دارد و بر پایه ای مایه بیماری زا، نشانه های بیماری هویدا می شوند، مانند سرخی؛ و یا سیاهی؛ و یا زردی؛ و یا سپیدی؛ و یا فراوانی درد؛ و یا اندکی آن است. انگیزه پیدایش بیماری، خون؛ و یا نموری؛ و یا سودا؛ و یا صفرای تند و تیز است. هر کدام این چهار گونه انگیزه، دارای نشانه های ویژه خودشان می باشند.

خون: اگر انگیزه پیدایش خون باشد، زبان رنگ بسیار سرخ و درخشنده خواهد داشت و آبریزش دهان کم، ولی تند و تیز است و زبان دردناک و دارای کشیدگی می باشد.

نموری: اگر انگیزه آن نموری آبکی تباه شده باشد پس رنگ زبان سپید است و از دهان بزاق فراوان ریزش می کند.

سودا: اگر انگیزه پیدایش آن سودا باشد، رنگ زبان به سیاهی می‌گراید و آبریزش دهانش بسیار اندک است و لایه رویین آن بی‌نموری و پوست زبان خشک می‌باشد.

صفر: اگر صفر انگیزه پیدایش بیماری باشد، همه زبان به رنگ زرد در می‌آید و آماسی بزرگ آن را فرا می‌گردد.

درمان گونه خونی: اگر گونه خونی باشد، درمان آن با توانمند بودن بیمار خون‌گیری از دو رگ قیفال می‌باشد. درمان‌گر باید میان دو خون‌گیری سه روز فاصله بیندازد، سپس به تهی‌سازی او با پخته هلیله و تمر هندی پردازد که در بخش‌های پیشین یاد شد. کسی که گرفتار چنین بیماری شود، پیامدهای بالآوردن و دل‌آشوبی رخ دارد که باید نخست با تنقیه سبک و پس از آن تنقیه‌های نیرومند به پاکسازی فراگیر او دست زد.

گزاره تنقیه: یک درم جو پوست کنده خرد شده، پنجاه دانه عناب گرگانی (جرجانی)، یک کف دست بزرگ سپستان خوزستانی، یک دسته برگ اسفرزه، یک دسته برگ خبازی، یک کف سبوس سپید و بیست دانه بادام پوست کنده ساییده، بیست درم برمی‌گیرند و با هم می‌پزند تا خوب له، مانند حریره گردند، سپس آن را می‌پالایند و هشتاد درم آن را برمی‌گزینند و بر آن بیست درم روغن ناب بنفشه و سی درم شیر زن دختر شیرده می‌افزایند و به گونه‌ای آن‌ها را هم می‌زنند تا پنیری شکل شود، پس از آن داروی به دست آمده را در تنقیه به کار خواهند برد.

باید بیمار را در هنگام ناشتا تنقیه نمایند و او را آموزش به بردباری دهند.

گاهی تنقیه دو بار در شبانه‌روز انجام داده می‌شود که یک بار آن در بامداد و بار دیگر هنگام خسبیدن در شامگاه خواهد بود.

خوراک بیمار زیرب (آش زیره)؛ و یا حریره ساخته‌شده از آب سبوس و شیر الاغ می‌باشد و به دنبال آن باید واداشته شود تا با این آب، دهان شوییه کند. (ج ۲، ۳۰)

گزاره داروی آبکی: یک کف دست گل سرخ، یک کف دست عدس کوهی، یک کف گشنیز برمی‌گیرند همه را به گونه‌ای می‌جوشانند تا له شوند، سپس آب را از تفاله جدا می‌کنند پس از آن با وزنی برابرش سرکه درهم می‌آمیزند و چندین بار پشت سرهم در شبانه‌روز پارچه‌ای را به آن آغشته می‌کنند و بر روی زبان بیمار می‌گذارند و شیر زن دختر شیرده که با آب طلع (طلق)

آمیخته، به بینی می‌کشند و تا زمانی که زبان جمع گردد و هموار شود و آماس آن بخوابد، این روش درمانی را پی‌درپی دنبال خواهند کرد.

اگر درمان دشوار شود، باید از دورگ زیرزبانی خون‌گیری کنند که با این روش و با هر شیوه‌ای که نیاز است، درمان بیماری پیگیری شود، تا بیماری از میان برود.

هم‌چنین نباید از دگرگونی مزاج بیمار و از میان رفتن نیروی او و سرشت او آگاه نبود و بیمار را باید از خون‌آمدن بینی‌اش پایید. اگر یکی از پیامدهای یاد شده، رخ دهد، درمان گر بی‌درنگ کار درمان را باید رها سازد و درمان نخست را در راستای درمان آن پیامد دنبال کند تا از نابودی بیمار جلوگیری شود.

درمان گونه صفرایی

گزاره آن: دنبال کردن همه درمان‌های وابسته به گونه پیشین است و هیچ تفاوتی میان آن‌ها نمی‌باشد، جز این که خواسته درمان‌گر در درمان آن نرم کردن شکم بیمار خواهد بود که آن را با افزودن سقمونیا انجام خواهد داد و خوردن اکشوت [کشوت] تازه با سرکه و خوردن مزورات ساخته شده از آب غوره را نیز در دستور کار خواهد گذاشت.

درمان گونه نموری

گزاره آن: اگر نیاز به تنقیه کردن باشد، باید در اندیشه به کاربردن تنقیه با کمترین تندی و تیزی باشند که ما آن‌ها را در بخش کژدهانی و فلج و سنگینی زبان یادآوری کرده‌ایم.

بیمار باید واداشته شود تا با ایاره دهان شویه کند و زبان را با ایاره و برخی سرشته‌ها و پادزهر^۱ (تریاق) باقردیا و لوغادیا و مشرودیطوس مالش دهد و دهان شویه کند که این درمان انگیزه بهبودی بیماری زبانی می‌گردد.

^۱ تریاق و پادزهر: *Antidote; antitoxic* تریاق و پادزهر دارویی را گویند که تندرستی و نیروی روح را نگه می‌دارند تا بتواند زیان سم را از خود دفع نماید گو اینکه پادزهر مصنوعی را تریاق می‌نامند ضد سم و پادزهر ساده و طبیعی را پادزهر گویند. (رنجبر، ۲۷۰) واژه پادزهر به داروهای پادزهری ساده اطلاق می‌شود که طبیعی و غیرصنعتی هستند و شاید نباتیات شایستگی اسم تریاق را بیشتر از مصنوعات داشته باشند و احتمال این هم هست که بسیار تفاوت میان این دو اسم نباشد. (قانون‌هزار، ج ۲، ۳۵)

اگر مزاج بیمار دگرگون شود، از دهان شویبه کردن با ایاره و دیگر سرشته‌ها را باید دست نگاه دارد و واداشته شود با سرکه کهنه دهان شویبه نماید و هرگز در آن داروی بندآورنده ای (قابض) نباید بگذارد و پس از آرام شدن و بازگشت مزاج به خوی همیشگی، درمان او را بر پایه درمانی یادشده ما در گذشته دنبال کند و گاهی زبان را با سرشته‌هایی در گذشته در باره آن‌ها سخن یاد شده و گاهی نیز زبان را با عسل به تنهایی و گاهی با عسل و ستر مالش دهند تا آن بیماری از میان برود.

اگر از میان رفتن بیماری از زبان، مزاج بیمار دچار دگرگونی در راستای تند و تیز شدن بشود، پس باید به خون‌گیری از رگ باسلیق و گذاشتن بادکش روی دو ساق روی آورند.

اگر از میان رفتن آماس از زبان آغاز شود و ریزش آب دهان نیز بند آید، باید بیمار را به دهان شویبه کردن با جوشانده گل سرخ، مازو، گلنار و مانند آن‌ها از بندآورنده‌ها در سرکه وادار کنند.

اگر آب ریزش دهان بند نیاید، بیمار باید با چیزهای بندآورنده دهان را شستشو دهد.

اگر انگیزه آن تلخابی باشد، هرگز نباید آن را دستکم بگیرند و چنانچه دگرگونی مزاج و فاکتور بازدارنده ای در کار نباشد، پس باید به تهی‌سازی تن با پخته افتمون پردازد. چنانچه مزاج به سوی تند و تیز شدن بگراید، پس باید از رگ باسلیق زیر بغلی خون بگیرد و تهی‌سازی تن را با پخته سبک و نرمی انجام دهد و خوراک او بسنده بر خوراکی‌های سبک به اندازه باشد تا نیرویش فرونیفتد.

هم‌چنین نباید دگرگونی مزاج به سوی خردپریشی بگراید، باید روش درمان مالیخولیا در باره او پیاده شود و درمان زبان را به فراموشی نسپارد؛ تا انگیزه سخت‌تر شدن و سرطانی گشتن آن نگردهد.

بیماری را در بصره دیدم که زبانش با انگیزه سودایی بودن آویزان شده بود که با شکاف دادن و داغ گذاشتن درمانش پیگیری شد من نیز حال او را چندین سال پی‌درپی دنبال کردم، دیدم که پایه زبانش کلفت شده بود، ولی در کار قورت دادن بیمار اختلالی پدید نمی‌آورد و بدین گونه چندین سال زندگی کرد.

کسانی که گرفتار این بیماری با انگیزه سودایی شده باشد، باید روغن‌های گرم را به بینی کشند که راهی پُر خطر است.

برگشتگی زبان

انگیزه این بیماری انباشتگی تن است؛ و یا پس از تهی‌سازی‌های یک‌باره و گسترده در آدمی رخ می‌دهد.

دکتر محمد ابراهیم

انباشتگی تن

گزاره آن: در هنگام انباشتگی یک گرفتگی عصبی یکی از دو عصب جنبش دهنده که به زبان می پیوندد و از جفت هفتم (مغزی) می روید را گرفتار می سازد. همواره برگشتگی زبان به سوی عصبی است که دچار چنین گرفتگی از انباشتگی شده و به دنبالش کوتاه و کشیده می شود.

گرفتگی از انباشتگی

گزاره درمان آن: درمان گر باید به بررسی مزاج مغز بیمار بپردازد تا بیمار گرفتار سرسام گرم نشود و آن دنبال کردن روش درمانی است که در بخش کژدهانی گزاره شده است پس باید شیوه درمان اش را از بخش کژدهانی برگزینند.

گرفتگی از تهی سازی

گزاره درمان آن: این حالت جز پس از بیماری حاد رخ نخواهد داد و چنانچه تهی سازی متوقف شود، دیگر نیازی به درمانی نمی باشد. آن چه در درمان گرفتگی پدیدآمده از تهی سازی نیاز است، نمود کردن و روغن مالی و بهبود شیوه خوراک خوردن خواهد بود که امیدواریم بیمار کودک و یا جوان نباشد مگر آن که دگرگونی هایی در برنامه درمانی باید داده شود. (ج ۲، ۳۲)

شکاف زبان

انگیزه پدید آمدن این بیماری در زبان خشکی مزاج مغز است که در پی آن خشکی زبان و زبان کوچک رخ می نماید که شکاف هایی عمیق به همراه درد در آن آشکار می شود که گاهی از خوردن بیمار جلوگیری می کند و با چشیدن چیزهای ترش و شور بسیار دردناک می شود.

درمان: دوری از تهی سازی تن به هر گونه و نزدیکی کردن و بسندگی به خوراکی از جوجه و گوشت بزغاله و بره و شراب سپید خاصی و جز آن است سپس به بینی کشیدن آمیخته ای از شیر زن و آهار اسفرزه و روغن بنفشه است.

همچنین روغن مالی هر روزه زبان با روغن بنفشه و موم پالایش شده و تنقیه کردن چندین باره با آب جو و روغن بنفشه می باشد و اگر دورانی باشد که آب پنیر به دست آید، باید به بیمار آب پنیر دهند و اگر زمانش نباشد، شیر الاغ بنوشانند. ویژگی این بیماری بهبودی زود هنگام آن با تب خواهد بود. (ج ۲، ۳۳)

- أبنيه عن الحقايق الأدوية ياروضه الأنس و منفعة النفس، موفق الدين ابومنصور على هروی (ز ۳۵۰ ق) پژوهش احمد بهمنیار و حسین محبوبی اردکانی، چ تهران، ۱۳۴۶ خ.
- اختیارات بدیعی، زین الدین علی انصاری شیرازی فرزند حسین (۷۲۹ - ۸۰۶ ق) به کوشش دکتر محمدتقی میر، چ تهران، ۱۳۷۱ خ.
- أغراض الطبية و المباحث العلايية، زین الدین ابوالفضائل سید اسماعیل فرزند حسین جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۵ ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰ م)، پژوهش حسن تاجبخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ خ.
- اقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد، سعید شرتونی (۱۸۴۹ - ۱۹۱۲ م)، چاپ بیروت، ۱۹۹۲ م.
- ایضاح ابن هبل
- بحر الجواهر في حل لغات السائر، محمد هروی فرزند یوسف (ز: ۹۳۸ ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۸۸ ق؛ دیگر: مؤسسه احياء طب طبيعى، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، قم، ۱۳۸۷ خ.
- تاریخ نگارش های عربی، فواد سزگین، جلد سوم، برگردان خانه کتاب چ تهران، ۱۳۸۰ خ.
- تحفه حکیم مؤمن؛ یا تحفة المؤمنین، محمد مؤمن طبیب فرزند محمد زمان حسینی (د ۹۲۳ ق)، پیشگفتار دکتر نجم آبادی، چ تهران، ۱۳۳۸ خ؛ (تحفه) + چاپ مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی - پژوهش رحیمی و اردکانی و فرجامند، ۱۳۸۶ خ (تحفه ن).
- تذكرة أولى الألباب و الجامع للعجب العجاب، داود فرزند عمر انطاکی، مكتبة الثقافية، بیروت؛ چاپخانه اظهريه، ۱۳۲۴ ق.
- تطبيق فرهنگ اصطلاحات شایع پزشکی در طب سنتی با فرهنگ اصطلاحات پزشکی در طب نوین (پزشکی جدید) دکتر نبی الله رنجبر، استاد راهنما محمد حسن خسروی، بندر عباس - ۱۳۷۸ خ. ← (رنجبر)

جامع الأدوية، امین‌الدوله، هبة الله صاعد فرزند هبة الله بغدادی، ابن‌التلمیذ، شماره بازیابی: ۱۱۰۸ ط، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۴۶۳۶-۱۰، رونویسی به تاریخ ۱۲ رمضان ۱۰۲۹ ق، رونویسگر پتائی فرزند الیاس، تته هند، قطع وزیری، ۱۶ × ۲۷/۲ سانتیمتر، ۲۴۴گ. ۲۵س.

جامع لمفردات الأدوية و الأعذية، ابن‌بیطار عبدالله (۶۴۶ ق)، چ. قاهره، ۱۲۹۱ ق؛ دیگر: چ. فرانکفورت به کوشش سزگین، ۱۹۹۶ م. ← (بیطار)

الحاوی فی الطب، الجزء الحادی و العشرون، فی الأدوية المفردة، السین - الیاء - رازی، ابوبکر محمد فرزند زکریا (د: ۳۱۳ ق / ۹۲۵ م)، مجلس دایره‌المعارف، عثمانی، حیدرآباد، دکن، هند، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م، کتاب بیست و یکم، داروهای تکی (س - ی)، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۵ خ.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، شناسه و مدخل ابوالغد قلانسی - موسی بن میمون ابن‌میمون، انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ خ، جلد پنجم، ۷۴۴ برگه.

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراطیة، ابوالحسن احمد فرزند محمد (د: ۳۵۹ ق)، پژوهش فواد سزگین، چاپ فاکسمیله از دست‌نوشته شماره ۴۴۷۴، کتابخانه ملک - تهران، فرانکفورت، آلمان، ۱۹۹۰ م / ۱۴۱۰ ق، کتاب یکم و دوم.

دندان‌پزشکی طبری از کتاب معالجات البقراطیة، سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۲۶۳ - ۳۳۳.

ذخیره فی علم الطب، ثابت فرزند فرّه (۲۲۱ - ۲۸۸ ق / ۸۳۶ - ۹۰۱ م)، کتابخانه سرای، احمد سوم ترکیه ۲۰۷۳ (۳۸گ، سده ۷ه، ناقص)،؛ کتابخانه شهید علی ترکیه ۲۰۲۸ (۹۵گ، سده ۹ه)؛ بورسه، خراجچی ۱۱۱۷ (۱۲۹گ، سده ۹ه، نک: ریتتر، در: Oriens، ۳/ ۱۹۵۰ م / ۸۵)؛ تهران، دانشگاه ۷۹۳۰ (۱۳۵گ، سده ۱۱ه)؛ تهران، مجلس ۵۰۲ (۱۵۹گ، نک: فهرست، ۲/ ۲۹۵).

عیون الأبناء في طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم فرزند خلیفه فرزند یونس سعدی خزر جی (۵۹۵-۶۶۸ ق / ۱۱۹۹ - ۱۲۷۰ م)، پژوهش آگوست مولر (امرؤالقیس فرزند طحان)، چاپخانه وهبیه، قاهره، ۱۲۹۹ ق / ۱۸۸۲ م، ۲ جلد؛ دیگر: چاپ مصطفی افندی وهبی، چاپخانه وهبیه، قاهره ۱۳۰۰ ق؛ دیگر: تصحیح آگوست مولر، کونیگزبرگ، ۱۸۸۴ م، ۲ جلد؛ دیگر: پژوهش نزار رضا، دارمکتبه حیات، بیروت، ۱۹۶۵ م؛ دیگر: به کوشش فواد سزگین، فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه، ۱۹۹۵ م؛ دیگر: تصحیح عامر نجار، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۹۶ م؛ دیگر: پژوهش محمد باسل عیون سود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۸ م؛ برگردان به فارسی محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی ایران، تهران، ۱۳۹۳ خ.

فردوس الحکمة في الطب (نگارش: ۲۳۶ ق)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (د: ۲۶۰ ق)، پژوهش محمد زبیر صدیقی، چ برلین، ۱۹۲۸ م؛ دیگر: معهد تاریخ العلوم العربیه الاسلامیه، دانشگاه فرانکفورت ۱۹۹۶ م / ۱۴۱۶ ق؛ دیگر: پژوهش عبدالکریم سامی جندی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م / ۱۴۲۳ ق؛ دیگر: برگردان محمدابراهیم ذاکر و علی نقی منزوی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱ خ.

فردوسار، فرهنگ نفیسی، علی اکبر نفیسی ناظم الأطباء، چ تهران ۱۳۱۷ خ. ← ناظم الأطباء.

فرهنگ آندراج، محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵ خ. ← آندراج.

فرهنگ پزشکی - دارویی شلیمر، یوهان شلیمر فلمنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی، چ تهران، ۱۳۸۳ خ. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد پانزدهم، کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة، نگارش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، چاپخانه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۵ خ، برگه ۴۰۶۵ تا ۴۲۴۴ + ۲۸۰ برگه.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد هشتم، کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکاة، نگارش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، چاپخانه دانشگاه، تهران، ۱۳۳۹ خ، ۷۶۰ برگه.

قاموس القانون في الطب (معجم المصطلحات الطبية و الأدوية المفردة المستعملة في القانون في الطب ابن سینا)، فرهنگ لغات قانون ابن سینا، عربی انگلیسی، حکیم عبدالحمید، حکیم کبیرالدین، حکیم عبدالوهاب ظهوری، دکتر محمد

عبدالعزيز، حكيم فضل الرحمن، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، بازنگری ۱۹۹۸ م.

قانون في الطب، حسين فرزند عبدالله ابن سينا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، داراحياء التراث العربي، بيروت - لبنان؛ برگردان عبدالرحمان شرفکندی (هه‌ژار)، انتشارات سروش، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۵ خ؛ ديگر: دارصادر، بيروت، د. ت؛ قانون في الطب لابن سينا، پژوهش ابراهيم شمس الدين، مؤسسه اعلمی، بيروت، لبنان، ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۵ م.

قراپادین الكبير، محمد حسين عقيلي علوی خراسانی، چاپ محمودی تهران، ۱۳۷۵ ق. ← قراپادین قراپادین، ابن تلميذ هبة الله صاعد فرزند هبة الله بغدادی، ترجمه احمد امامی، ویدا هاشمی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۹۸ خ، ۴۴۰ برگه.

کامل الصناعة الطبية، الکناش الملكي، علی فرزند عباس اهوازی مجوسی (ز: (۳۷۲ ق / ۹۸۳ م)، چ. بولاق، قاهره، ۱۲۹۴ ق؛ ديگر: انجمن تاريخ دانش‌های عربی و اسلامی، دانشگاه فرانکفورت - آلمان، ۱۹۹۶ م / ۱۴۱۷ ق.

کتاب قولنج رازی، رساله قولنج ابن سينا، تصحيح و تحقيق صبحی حمای، چ حلب، ۱۹۸۳ م، پژوهش و برگردان محمد ابراهيم ذاکر، چ مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۵ خ. ← قولنج؛ گیاه‌شناسی، حسین گل و گلاب (۱۲۷۶ - ۱۳۶۳ خ)، چ. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ خ؛ ديگر: دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۶ خ.

لغت‌نامه، دهخدا علی اکبر دهخدا (د ۱۳۳۴ خ)، چ تهران (۱۳۲۵ - ۱۳۴۶ خ) و CD.

متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران، غلامرضا امین، مرکز تحقیقات اخلاق و تاريخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، ۱۳۸۴.

مخزن الأدوية، محمد حسين خان عقيلي علوی فرزند محمد هادی شیرازی، سده ۱۲ هـ، تهران، ۱۳۷۱ خ. ← (مخزن)؛ مفردات مخزن الادوية، عقيلي، پژوهش علی موحد ابطحي، قم، حبل المتين، ۱۴۲۲ ق. ← (مخزن).

معالجات البقراطية، ابوالحسن احمد فرزند محمد طبری سده چهارم، پژوهش فواد سزگين، فاکسميله نسخه کتابخانه ملک، تهران، شماره ۴۴۷۴، چاپ، فرانکفورت، آلمان، ۱۹۹۰ م / ۱۴۱۰ ق.

- مفاتیح العلوم، ابو عبدالله محمد فرزند احمد فرزند یوسف کاتب خوارزمی (ز: ۳۷۲ق)، قاهره، ۱۳۴۲ق؛ برگردان حسین خدیو جم، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲خ.
- مفید العلوم و مبدء الهموم، ابن حشا، پژوهش جورج کولان و ب. ج. رینو، رباط ۱۹۴۱م.
- المنصوری فی الطب، محمدزکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵ - ۹۲۵م)، تصحیح و تحقیق حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیة، کویت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، موزه تاریخ پزشکی ایران وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، ۱۳۸۷خ.
- منهاج البیان فیما يستعمله الإنسان، ابن جزله، ابوعلی یحیا فرزند عیسا فرزند جزلة البغدادی، تحقیق و تصحیح محمود مهدی بدوی، جامعة الدول العربیة، المنظمة العربیة للتربیة و الثقافة و العلوم، معهد المخطوطات العربیة، قاهره، ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م.
- المیامر، جالینوس (۱۲۹ - ۲۰۰م).
- نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌های خطی، دفتر پنجم، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، نسخه‌های خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۴۶خ، ۷۶۸ برگه.
- نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌های خطی، دفتر ششم، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸خ، ۶۹۵ برگه.